

# کیمپان ۴۰۳

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده  
جمعه ۱۹ تا ۲۵ اسفندماه ۱۴۰۱ خورشیدی  
سال سی و نهم - شماره ۱۸۶۹

## مسئول حملات شیمیایی کیست؟!!



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

\*\*\*\*\*

**KAYHANLIFE**  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

**کیهان شما، کیهان لندن**

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- [https://t.me/kayhan\\_london](https://t.me/kayhan_london)

\*\*\*\*\*

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684  
Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: [ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london)

[www.kayhan.london](http://www.kayhan.london)

\*\*\*\*\*

سال سی و نهم

کیهان شماره ۱۸۶۹ (۴۰۳)

جمعه ۱۹ تا ۲۵ اسفندماه ۱۴۰۱

۱۰ تا ۱۶ مارس ۲۰۲۳



مژده به هم‌میمنائی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به‌زودی در دسترس خواهد بود

**سقوط بهشت**

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندر و اسکات کوپر ترجمه رضا تقی‌زاده



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

[www.kayhan.london](http://www.kayhan.london)

روابط عمومی:

[info@kayhan.london](mailto:info@kayhan.london)

آگهی و تبلیغات:

[ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london)

سردبیری:

[editorial@kayhan.london](mailto:editorial@kayhan.london)



وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

**KAYHANLIFE**  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

[www.kayhanlife.com](http://www.kayhanlife.com)

**کیهان لندن منتشر کرد:**



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن [ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london) و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: [satrap@btconnect.com](mailto:satrap@btconnect.com) [www.satrap.co.uk](http://www.satrap.co.uk)

Super Hornuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

# کیمپان

## \*فهرست مطالب\*

۴ ..... سرمقاله- در ستایش نقد و آزادی بیان /الاهه بقراط

۴-۵ ..... مسؤل حملات شیمیایی کیست؟! / روشنگ آسترکی

---

۶ ..... پیام شاهزاده رضا پهلوی به مناسبت روز جهانی زن /.../

۷ ..... پیام شهبانو فرح پهلوی به مناسبت روز جهانی زن /.../

۷ ..... بیانیه شهبانو فرح پهلوی به مناسبت مسموم کردن دختران /.../

۸ ..... تخریب به نشان می دهد جمهوری اسلامی اینبار هم به توافق با آژانس پایبند /.../

۹ ..... اسکای نیوز: رژیم ایران مخفیانه از دریای «خزر» برای روسیه تسلیحات /.../

۱۰ ..... طناب های دار علی خامنه ای همچنان به دنبال گردن برای اعدام /.../احمد رأفت

۱۱ ..... دست دادن یا ندادن، مسأله این است!... (۶) /.../احمد احرار

۱۲-۱۴ ..... آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه (۴) /.../دکتر هوشنگ نهاوندی

۱۴-۱۵ ..... او یک ایرانی آزاده بود: «از سنگ ناله خیز در روز و داع یاران» /.../حسن منصور

۱۶-۱۷ ..... انقلاب «زن زندگی آزادی» در موزه هنرهای اسلامی اورشلیم /.../احمد رأفت

۱۷ ..... توافق پنهان جمهوری اسلامی و روسیه: احتمال بازگرداندن اورانیوم غنی شده به /.../

۱۸ ..... ارسال تسلیحات نظامی جمهوری اسلامی برای روسیه جنگ علیه او کرا این را /.../

۱۹ ..... ایران در رتبه پنجم از آخر در رده بندی بانک جهانی درباره قوانین کسب و /.../

۲۰-۲۲ ..... مهین میلانی و «صدرالدین الهی دستم بگرفت و پایه پار د...» /.../

۲۲ ..... بلومبرگ: ایران به دنبال خرید سیستم های پدافندی «S-400» از روسیه است /.../

۲۳ ..... جلوگیری از اعزام رضانوروزی زندانی مشروطه خواه به بیمارستان با وجود /.../

۲۴-۲۵ ..... امیر نصر آزادانی، یکی دیگر از قربانیان اتهامات بی پایه /.../فیروزه نور دستروم

۲۵-۲۶ ..... نشریه آتلانتیک: جمهوری اسلامی خیال می کند آمریکامانع حمله اسرائیل به /.../

۲۶-۲۷ ..... بیانیه فرا فکانه وزارت کشور درباره حملات بیولوژیک به مدارس /.../

۲۸ ..... وزارت کشور مسمومیت دانش آموزان را پذیرفت اما گردن شهروندان /.../

۲۹ ..... کشف معدن لیتیوم؛ جنجال بر سر «هیچ» /.../حمید انزابی

۳۰-۳۱ ..... دستور العمل عجیب به مدیران مدارس درباره حملات بیولوژیک /.../

۳۲ ..... افزایش جمعیت فقیر و گسترش فلاکت و گرسنگی و بیکاری! /.../

۳۳ ..... آيا شوراي حکام از «وقت کشی» جمهوری اسلامی با «وعده همکاری با آژانس» /.../

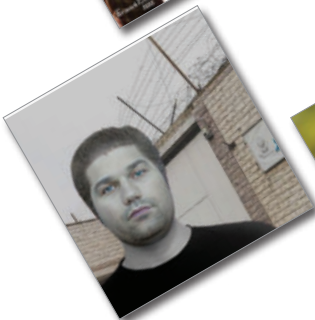
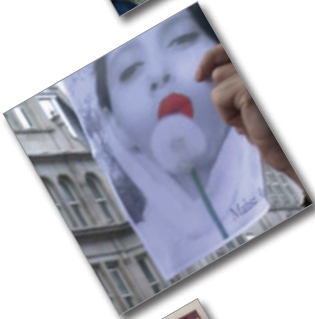
۳۴ ..... فساد مالی و اختلاس چند ده هزار میلیارد تومانی در «فولاد مبارکه» تأیید شد /.../

۳۵ ..... ایبانیه صدها استاد دانشگاه های ایران درباره فاجعه حملات شیمیایی سازمان یافته /.../

۳۶ ..... پشت جلد- عکس هفته / حملات شیمیایی و بیولوژیک سراسری در ایران /.../

بازنشر

بازنشر



## در ستایش نقد و آزادی بیان

در رمان «تبریز مه آلود» صحنه‌ای تصویر شده که درگیری‌های انقلابی به شدت در جریانست و اطرافیان ستارخان وی را از خطر کردن برحذر می‌دارند. وی در پاسخ می‌گوید ستار بودن در شرایط عادی هنر نیست! هنگام خطر باید ستار بود! (نقل به مضمون) این نکته نه فقط از سوی یک انقلابی در یک داستان و یا فقط در شرایط انقلابی بلکه در فراز و نشیب زندگی خصوصی و عمومی قابل اتکاست: محک ظرفیت انسان در آنچه واقعا هست، شرایط غیرعادی و ناآرام است. می‌خواهد



چون ستارخان خطر کردن در انقلاب مشروطه باشد یا برخورد هنگام یک سانحه‌ی نامنتظره و یا چاره‌جویی برای مشکل خانوادگی و شغلی در شرایط عصبی و به هر شکلی غیرعادی. از اینهمه چگونه مطلع می‌شویم؟ با بیان! به همین دلیل آزادی بیان چنان جایگاه والایی در دموکراسی‌ها یافته که مطبوعات و رسانه‌ها در کنار سه قوای قانونگذاری و اجرایی و قضائی به رکن چهارم تبدیل شده تا مثل سه قوای دیگر در هیچ شرایطی تعطیل‌بردار نباشد.

آنچه آزادی بیان را از «تخریب» و تحریف که هنر شوم و بدخیم جمهوری اسلامی نیز هست مشخص می‌کند در ارائه‌ی مستندات و استدلال است. گذشته از سایرهای رژیم، این روزها همه جریان‌های سیاسی افرادی را در شبکه‌های اجتماعی دارند که نه فقط با اسامی مستعار بلکه با اسم و رسم به تخریب افراد و جریان‌های مشغولند که آنها را رقیب سیاسی-عقیدتی و گروه‌های مورد دفاع خود می‌دانند. و اتفاقاً در همین بزنگاه‌های سرنوشت‌ساز بیش از همیشه به نقد مستدل و تقویت آزادی بیان نیاز است تا بتوان درباره فعل و انفعالات اجتماعی از جمله در امر «اتحاد» و «ائتلاف» و «گذار» و «نقشه راه» کوتاه‌مدت به روشنگری و شفاف‌سازی پرداخت!

در این میان، برای «فروپاشی کنترل‌شده» رژیمی که به هیچ اصول عقلانی و اخلاقی پایبند نیست و برای بقا و به ویژه حفظ منافع اقتصادی قطعاً بیکار ننشسته، به بیشترین شفافیت در گفتار و رفتار، به ویژه از سوی کسانی نیاز است که در خارج کشور صحنه‌گردان شده و یا می‌شوند.

حضور شاهزاده رضا پهلوی که خودش و بقیه وی را فراجناحی معرفی می‌کنند (و آینده نشان خواهد داد آیا این موضع به سود یا به زیان انقلاب ملی ایران بوده است)، در کنار آنانکه نه تنها فراجناحی نیستند بلکه هم پیشینه در حمایت از یک جناح جمهوری اسلامی دارند و هم در حال فعالیت برای تقویت جناح خود هستند، کفه‌ی ترازو را در عمل به سود شعارها و تمایلات و جان‌بازی‌های نسل‌های جوان معترض در ایران که خواهان براندازی کلیت «نظام» «جمهوری» «اسلامی» هستند، سنگین نمی‌کند!

نگرانی آزادیخواهانی، که به عنوان طرفداران جمهوری یا پادشاهی، سال‌ها علیه نظام جمهوری اسلامی و برای آزادی و دموکراسی و حقوق بشر تلاش کرده‌اند، کاملاً بجاست. برای برطرف کردن این نگرانی یک راه وجود دارد: آزادی بیان مخاطبان برای نقد سازنده و شفافیت مدعیان برای خنثی کردن تخریب‌ها!

## مسئول حملات شیمیایی کیست؟!



● مردم شواهدی مانند گسیل نیروهای سرکوبگر به مدارس و سرکوب دانش‌آموزان و خانواده‌ها و توصیه مسئولان به دروغ و پنهانکاری را برای دست داشتن جمهوری اسلامی در حملات شیمیایی کافی می‌دانند.

شده که حداقل ۷۰۶۸ دانش‌آموز در ۹۹ شهر از ۲۸ استان کشور را تحت تاثیر قرار داده است. این گزارش تأکید کرده که تعداد دانش‌آموزان شناسایی شده تنها مربوط به ۱۰۳ مدرسه‌ای است که آماری در این رابطه اعلام کرده‌اند.

حملات شیمیایی و بیولوژیک از دبیرستان‌های دخترانه در قم آغاز و بعد به چند دبیرستان در تهران و بروجرد رسید. اما فقط دانش‌آموزان دختر در دبیرستان‌ها قربانیان این حملات نبوده‌اند؛ تا کنون چند دبستان پسرانه و دخترانه در شهرهای مختلف، چند خوابگاه دانشجویی از جمله در بروجرد و ارومیه و همچنین دانشگاه اصفهان و دانشگاه محقق اردبیلی شهر اردبیل نیز مورد حمله قرار گرفتند و دانشجویان زیادی مسموم شدند. اخبار پراکنده‌ای از مسموم ساختن در مراکز خرید و مترو و حتی سالن اورژانس بیمارستانی که دختران مسموم شده به آنجا منتقل شده بودند نیز منتشر شده است. اینهمه در حالیست که هنوز نهادهای رسمی گزارشی در اینباره ارائه نکرده‌اند. در آنسو مقامات حکومت نیز چند هفته تلاش کردند سکوت و پنهانکاری در پیش بگیرند و حتی گسترده شدن حملات و اعلام رسمی وجود چنین خطر سراسری نیز تا کنون باعث شفافیت از سوی جمهوری اسلامی نشده است.

بر اساس اطلاعات پراکنده‌ای که از سوی وزارت بهداشت منتشر شده اغلب مسمومیت‌ها با استفاده از ترکیباتی از گاز نیتروژن (N<sub>2</sub>) صورت گرفته. گاز نیتروژن بی‌بو و بی‌رنگ است که انتشار خالص آن در فضای بسته و یا ترکیبات آن می‌تواند به شدت خطرناک باشد. زنگ زدن گوش، حالت تهوع، تشنج و خستگی شدید و بی‌حالی، سرگیجه، سردرد، تنگی نفس، گرفتگی و بی‌حسی عضلات و علائم عصبی از جمله علائم مسمومیت با گاز نیتروژن است.

**حملات سازمانیافته مشابه؛ از پوتین تا طالبان!**

حملات تروریستی با استفاده از مواد شیمیایی در سال‌های گذشته چند بار به صدر اخبار جهان راه یافته و نشان می‌دهد استفاده از این شیوه برای سوء قصد و یا سرکوب گروهی در حال تبدیل به یک رویه از سوی دولت‌های سرکوبگر و همچنین گروه‌های تروریستی اسلامگرا است.

با گذشت بیش از سه ماه از حملات بیولوژیک به مدارس هنوز نهادهای امنیتی و پرمدعای جمهوری اسلامی نتوانسته‌اند آمران و عاملان این حملات را پیدا کرده و به حملات سریالی پایان دهند اگرچه مدعی برخی دستگیری‌ها شده‌اند.

جمهوری اسلامی که برای ماندگاری خود شدیدترین سرکوب‌های کشنده را علیه شهروندان معترض به کار گرفته و در صحنه بین‌المللی لاف «قدرت اول منطقه» و «عمق نفوذ استراتژیک» را می‌زند، در برابر قربانی شدن هزاران نوجوان و آینده‌ساز ایران رویکردی چنان تباه در پیش گرفته که نشان می‌دهد شهروندان تحت هیچ شرایطی امنیت ندارند.

حملات سازمانیافته شیمیایی به مدارس و خوابگاه‌های دانشجویی یکی از مهمترین خبرهای آخرین روزهای سال ۱۴۰۱ بود. این حملات هرچند از ۹ آذر و با مسمومیت گسترده دانش‌آموزان در هنرستان دخترانه «نور» شهر قم آغاز شد اما بیش از دو ماه با پنهانکاری و انکار و سانسور اخبار توسط جمهوری اسلامی روبرو بود.

در یکی از نخستین اظهارات رسمی در اینباره مجید محبی، معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی قم ۱۶ بهمن‌ماه از اعزام کارشناسانی از سازمان پدافند غیرعامل به قم و انجام آزمایش‌هایی درباره مسمومیت دانش‌آموزان خبر داد. کم‌کم نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز به تأیید حملات پرداختند از جمله احمد امیرآبادی فراهانی نماینده قم در مجلس ۱۸ بهمن با تأیید اینکه مسمومیت‌ها تا کنون ۷ بار در مدارس قم تکرار شده است خواستار فرستادن هیئت ویژه‌ای به این شهر برای بررسی موضوع شد.

در اسفندماه اما تعدد و پراکندگی جغرافیایی حملات به شدت گسترش یافت و دیگر انکار این اقدام سازمانیافته ممکن نبود. بر اساس آخرین آمار اعلام شده از سوی مقامات جمهوری اسلامی، تا ۱۵ اسفند بیش از پنج هزار دانش‌آموز در ۲۵ استان و حدود ۲۳۰ مدرسه هدف حملات شیمیایی تروریستی قرار گرفته‌اند.

خبرگزاری هرانا اما در گزارشی اعلام کرده که از ابتدای آذرماه ۱۴۰۱ دست‌کم ۲۹۰ مورد حمله به مدارس گزارش

«برخی دستگیرشدگان دارای سابقه حضور در اغتشاشات و ارتباط با رسانه‌های معاند هستند.»

اما وزارت اطلاعات در بیانیه‌ای که دو روز پیش منتشر شد مدعی شده هنوز سرخ جدی در دست این نهاد امنیتی وجود ندارد. در این اطلاعیه آمده «اگرچه از خلال مجموعه بررسی‌ها و پیگیری‌های به عمل آمده، علل برخی حوادث قبلی کشف شده‌اند، اما عدم امکان تعمیم علمی موارد مکشوفه به کل موارد گزارش شده، موجب تأمل در اطلاع‌رسانی تا وصول نتایج متقن و قابل تعمیم به سایر موارد شد.»

#### مسئولیت با کیست؟

این در حالیست که گزارش‌ها از حضور نیروهای امنیتی در مدارس پس از وقوع حمله و دوشادوش مأموران انتظامی و اورژانس حکایت دارد که نشان می‌دهد از همان نخستین مورد حملات، نهادهای امنیتی از جمله وزارت اطلاعات در جریان حملات بیولوژیک سازمانیافته قرار داشته‌اند. در چنین شرایطی اظهارات مقامات دولتی صرفاً پنهانکاری و فرافکنی برای افکار عمومی و شهروندانی بوده که فرزندانشان قربانیان این حملات شده‌اند.

ناتوانی وزارت اطلاعات در پایان دادن به این فاجعه سراسری و خطرناک که پیامدهای بلندمدت آن بر سلامت قربانیان معلوم نیست، حالا سازمان اطلاعات سپاه پاسداران (سپاس) را نیز رسماً به میدان آورده است. حسین سلامی، فرمانده کل سپاه جمهوری اسلامی در نامه‌ای خطاب به وزیر اطلاعات اعلام کرد که «سپاه آماده هرگونه همکاری برای تسریع در تعقیب ماجرای مسموم‌سازی کودکان و برخورد جدی با عوامل ایجاد ناامنی روانی نزد خانواده‌های ایرانی است.» پیشتر نیز گزارش‌هایی از حضور مأموران اطلاعات سپاه (سپاس) در مدارس پس از حملات شیمیایی گزارش شده بود.

«دست پیش گرفتن» از سوی رسانه‌ها و مقامات حکومتی یکی از مواردیست که در افکار عمومی احتمال حکومتی بودن این حملات را افزایش داده است. در حالی که بخشی از مقامات حملات بیولوژیک را انکار و صحبت از ماجراجویی و شیطنت دانش‌آموزان با «ترکاندن ترقه» و «اسپری فلقل» می‌کردند بخش دیگری از نرسیدن به سرخ‌ها و پیگیری‌های امنیتی و انتظامی سخن گفته‌اند.

روزنامه کیهان چاپ تهران هم در مطلبی که ۱۳ اسفندماه ۱۴۰۱ منتشر شده دست پیش را گرفته و نوشته که «سابقه‌داران «حملات شیمیایی»، «ترور بیولوژیک» و «مسموم‌سازی» در دنیا، رژیم‌های مشخصی هستند و طرفه اینکه همان رژیم‌های بدسابقه سعی دارند با عملیات ترکیبی «میدانی- رسانه‌ای»، جمهوری اسلامی را به مسموم‌سازی فرزندان و شهروندان خود متهم کنند!»

هرچند هنوز مشخص نیست آمران و عاملان حملات سازمانیافته بیولوژیک که دانش‌آموزان و دانشجویان را هدف قرار داده چه گروه، دولت یا افرادی هستند اما همچنان مردم شواهدی مانند گسیل نیروهای سرکوبگر به مدارس و سرکوب دانش‌آموزان و خانواده‌ها و توصیه مسئولان به دروغ و پنهانکاری را برای دست داشتن جمهوری اسلامی در حملات شیمیایی کافی می‌دانند.

از سوی دیگر حتی اگر بر مبنای ادعای مقامات جمهوری اسلامی این حملات از خارج نظام صورت گرفته باشد اما این حکومت مستقر است که مسئولیت حفظ امنیت و جان شهروندان را برعهده دارد و کم‌کاری و سهل‌انگاری نهادهای امنیتی و قضایی و اجرایی در سه ماه گذشته نشان می‌دهد جمهوری اسلامی بی‌مسئولیتی مزمن قادر به حفاظت از امنیت و جان شهروندان نیست.

روشنگ آسترکی

به دلیل مخالفت این گروه با تحصیل دختران، دانش‌آموزان دختر را هدف قرار داده است. مسمومیت دانش‌آموزان در افغانستان و چین مشابه مسمومیت دانش‌آموزان ایرانی



در هفته‌های گذشته، با علائم مسمومیت یکسان به دلیل استنشاق گاز ناشی از تبخیر مواد جامد و مایع و یا پخش گاز در فضای مدارس اعلام شد.

#### سردرگمی ابلهانه یا تبهکاری تروریستی

با گذشت بیش از سه ماه از آغاز حملات هنوز مشخص نیست آمران و عاملان این حملات گسترده، سازمانیافته و هماهنگ چه افراد و گروه‌هایی هستند. آشفتگی در اظهارات مقامات مختلف حکومتی دو احتمال را تقویت می‌کند: یا این حملات توسط بخشی از دستگاه حکومت انجام می‌شود و مانند قتل‌های زنجیره‌ای جمع و جور کردن آن برای حکومت دشوار است. یا حملات آنقدر حساب‌شده و سازمانیافته است که نهادهای امنیتی و انتظامی را سردرگم و آشفته کرده و نتوانسته‌اند هنوز ردی از عوامل آن پیدا کنند.

پس از ارائه گزارش‌های رسمی از مسمومیت دست‌کم ۱۱۷ دانش‌آموز در شهر قم و تجمع اولیا دانش‌آموزان مقابل فرمانداری قم در ۲۵ بهمن‌ماه، دو وزارتخانه مرتبط با این حملات، وزارت بهداشت و وزارت آموزش و پرورش، نخستین واکنش‌های رسمی را نشان دادند. بهرام عین‌الهی وزیر بهداشت مسمومیت‌ها را خفیف خواند و یوسف نوری وزیر آموزش و پرورش «شایعات موج‌های رسانه‌ای خارج از کشور» را عامل انتشار خبرهایی درباره مسمومیت دانش‌آموزان دانست. این در حالیست که طی همان روزها تصویر نامه‌ای از مهدی مصری رئیس دانشگاه علوم پزشکی قم خطاب به محسن اورجوی مدیر مدیریت بحران استان قم منتشر شد که با اشاره به مسمومیت گسترده دانش‌آموزان خواستار نمونه‌برداری از بازدم دانش‌آموزان مسموم در کیسه‌های نایلون فریزر شده بود. همچنین همزمان با موضوع فرافکنانه وزرای بهداشت و آموزش و پرورش، فرماندار قم از ورود دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی و سپاه پاسداران برای بررسی پرونده مسمومیت‌ها خبر داد.

در اسفندماه دولت در نهایت کمیته‌ای با سرپرستی وزارت کشور برای بررسی موضوع تشکیل داد و وزارت اطلاعات نیز مسئول پیگیری امنیتی این حملات شده است.

در این میان، وزارت کشور در آخرین بیانیه خود مسئولیت مسمومیت‌های سازمانیافته در مدارس را به گردن شهروندان معترض شرکت‌کننده در جنبش انقلابی انداخت و نوشت

یک سال پیش رومان آبراموویچ، میلیاردر روس که برای توقف جنگ بین مقامات اوکراین و روسیه میانجیگری می‌کرد، همراه با دو مذاکره‌کننده دیگر روس و اوکراینی با

«سلاح‌های شیمیایی» مسموم شدند.

وبسایت «بلینگ‌کت» در گزارشی به مسمومیت آنها پرداخته و نوشته بود که ولادیمیر پوتین از میانجیگری آبراموویچ و اینکه او حامل نامه‌ای از سوی ولودیمیر زلینسکی، رئیس جمهوری اوکراین، بوده به شدت «خشمگین» شده است.

پنج سال پیش در مارس ۲۰۱۸ نیز سرگی ویکتورویچ اسکریپال مأمور نظامی سابق اطلاعات روسیه و دخترش یولیا در سالزبری بریتانیا دچار مسمومیت شدند. سازمان منع گسترش تسلیحات شیمیایی پس از تحقیقات گسترده درباره این مسمومیت اعلام کرد که مسموم شدن این دو حمله‌ای سازمانیافته بود و در جریان این حمله از گاز اعصاب استفاده شده است. یوریس جانسون وزیر وقت امور خارجه بریتانیا روسیه را مسئول این سوء قصد اعلام کرد.

هرچند سابقه حملات و ترورهای شیمیایی به زمان شوروی سابق باز می‌گردد اما یکی دیگر از معروف‌ترین مسمومیت‌ها در سال ۲۰۰۵ و توسط اسلام‌گرایان چین در مدارس شمال غرب این منطقه صورت گرفت. دانش‌آموزان مدارس به صورت سریالی دچار مسمومیت‌هایی با علائمی مشابه دانش‌آموزان ایران، از جمله بیهوشی، تشنج، ضعف، فراموشی، خفگی و بی‌حسی و فلج موقت ماهیچه‌ای، روبرو می‌شدند. دولت فدرال روسیه کمیسیونی برای پیگیری مسمومیت سریالی مدارس تشکیل داد اما نتیجه نهایی اعلام شده از سوی کمیسیون «روان‌پریشی جمعی» بود!

تلاش دولت پوتین برای پایان این پرونده تروریستی تا آنجا پیش رفت که آنرا پولیتکوفسکایا روزنامه‌نگار منتقدی که به صورت تحقیقی روی مسمومیت دانش‌آموزان چین تحقیق می‌کرد در سال ۲۰۰۷ در زادروز ولادیمیر پوتین به شکل مشکوکی به قتل رسید.

حملات تروریستی مشابه به مدارس از سوی نیروهای اسلام‌گرا چند سال بعد در افغانستان نیز رخ داد. در سال ۱۳۹۴ چندین مدرسه دخترانه در ولایت هرات افغانستان مورد حمله قرار گرفتند. صدها دانش‌آموز و تعدادی از آموزگاران طی این حملات مسموم و راهی بیمارستان شدند و گروه تروریستی طالبان که آن زمان حکومت افغانستان را در دست نداشت مسئولیت حملات را پذیرفت و اعلام کرد

## پیام شاهزاده رضا پهلوی به مناسبت روز جهانی زن: زنان در ایران آزاد فردا به هر آنچه شایسته آن هستند دست خواهند یافت



● نقطه ثقل زندگی من در این چهار دهه، سه نسل از زنان توانا، دانا، و مهربان میهنم بوده‌اند: مادرم، همسر، و دخترانم. از آنها بسیار آموخته‌ام و بهترین‌ها را برای آنها خواسته‌ام و می‌خواهم. تقاضای من از تک‌تک شما مردان سرزمینم این است که تا آن زمان که برابری حقوقی میان زنان و مردان را در قانون اساسی و قوانین جزایی و مدنی ایران بگنجانیم، بکوشید که برابری و احترام میان زن و مرد را در لحظه لحظه زندگی خود جاری سازید: از خانه و خانواده تا خیابان و محل کار.

این نخستین روز جهانی زن پس از خیزش انقلابی ایرانیان در پاسخ به قتل مهسا است. در این انقلاب ملی، زنان ایرانی مشعل‌داران مبارزه با رژیم بوده‌اند که از تاریک‌ترین دخمه‌های ارتجاع برآمده است.

فاجعه ۵۷ زندگی چندین نسل از ایرانیان را دگرگون کرد و بزرگترین بازندگان آن، زنان ایرانی بودند.

خمینی که ۱۵ سال پیش از آن بهمن شوم، مخالفت آشکارش با حقوق زنان را اعلام کرده بود، در فردای به قدرت رسیدن، فرخرو پارساها را به دار کشید و به گلوله بست؛ تعیض علیه زنان را قانونی، حجاب را اجباری، و زنان را به شهروندان درجه دو بدل کرد. امروز زنان ایرانی، گردآفریده‌های زمانه، برای آزادی و آبادی ایران، برای احقاق حقوق اذست‌رفته، و دستیابی به حقوق برابر بپاخته‌اند. آنها در ایران آزاد فردا به همه آنچه شایسته آن هستند دست خواهند یافت.

نقطه ثقل زندگی من در این چهار دهه، سه نسل از زنان توانا، دانا، و مهربان میهنم بوده‌اند: مادرم، همسر، و دخترانم. از آنها بسیار آموخته‌ام و بهترین‌ها را برای آنها خواسته‌ام و می‌خواهم. تقاضای من از تک‌تک شما مردان

یقین دارم که در کنار هم پیروز خواهیم شد و ایرانی آزاد و آباد را برای همه ایرانیان خواهیم ساخت.  
زن زندگی آزادی  
پاینده ایران  
رضا پهلوی

سرزمینم این است که تا آن زمان که برابری حقوقی میان زنان و مردان را در قانون اساسی و قوانین جزایی و مدنی ایران بگنجانیم، بکوشید که برابری و احترام میان زن و مرد را در لحظه لحظه زندگی خود جاری سازید: از خانه و خانواده تا خیابان و محل کار.



## پیام شهبانو فرح پهلوی به مناسبت روز جهانی زن: تردید ندارم زنان خستگی‌ناپذیر ایران به خواسته‌های خود خواهند رسید



می‌دارم و همدرد زنان آسیب‌دیده، در بند، مادران سوگوار و همه زنان آزادی‌خواه کشورمان هستم. تردیدی ندارم که زنان پیشرو و خستگی‌ناپذیر ایرانی به خواسته‌های خود خواهند رسید و جایگاه ارجمند خود را باز خواهند یافت. نور بر تاریکی پیروز است

شجاعت و آگاهی آنان در پی اعتراض به قتل حکومتی مهسا امینی چشمان همگان را در جهان به خود خیره کرد. زنان ایرانی با حمایت مردان هم‌میهنمان، خواسته و حق بنیادین «زن، زندگی، آزادی» را به گوش جهان رساندند. روز جهانی زن را همراه با یاد زنان جانباخته گرامی

روز جهانی زن در حالی فرا رسیده است که زنان سرزمینمان، امسال در صف نخست مبارزه برای به دست آوردن آزادی و حقوق از دست رفته خود هستند. همانگونه که درد و رنج‌های زنان ایران در سایه شوم استیلا یک رژیم ضد زن توصیف‌ناپذیر است، نمایش

## بیانیه شهبانو فرح پهلوی به مناسبت مسموم کردن دختران: تداوم «وحشت بزرگ»!



● رژیم ولایت فقیه گوشه‌های تازه‌ای از سرشت ناپاک خود را به جهانیان نشان می‌دهد، چهره‌ای که چهل و چهار سال پیش شاهنشاه فقید با بینش کامل آنرا «وحشت بزرگ» توصیف کرد.

فاجعه موحد مسمومیت‌های زنجیره‌ای در مدارس دخترانه که در هفته‌های اخیر به شهرهای مختلف سرایت کرده است برای ما ایرانیان درد بزرگی است. رژیم ولایت فقیه گوشه‌های تازه‌ای از سرشت ناپاک خود را به جهانیان نشان می‌دهد، چهره‌ای که چهل و چهار سال پیش شاهنشاه فقید با بینش کامل آنرا «وحشت بزرگ» توصیف کرد.

سوال این است که چرا در این چند ماهه مقامات مسئول در این خصوص سکوت کرده‌اند و این پرده‌پوشی نشانه چیست؟ آیا نمی‌توان پذیرفت که در بطن و لایه‌های این نظام زن‌ستیز، عواملی با توحش در صدند که نقش زن در جامعه امروز را به هر قیمت محو و نابود کنند؟

من از روحانیون پاکدل خارج از مدار ولایت فقیه، از نظامیان و سپاهیان و همه مقامات دولتی که دل‌هایشان با ایران است می‌خواهم که چنین ستمی را برنتابند و یار هم‌میهنمان خود باشند.

به امید پیروزی نور بر تاریکی و با امید به آزادی ایرانزمین.

## تجربه نشان می‌دهد جمهوری اسلامی اینبار هم به توافق با آژانس پایبند نخواهد بود



جمهوری اسلامی ایران اسفند سال ۱۳۹۸ اعلام کرد که در حال آزمایش روی نسل جدیدی از سانتریفیوژهاست که قدرت غنی‌سازی بیشتری با حجم بالاتر دارند

هنوز در مورد میزان تهدید فعالیت‌های اتمی رژیم ایران به جمع‌بندی واحد نرسیده و برای ارجاع پرونده اتمی ایران به شورای امنیت بی‌میل است.

الی لویت کارشناس ارشد سیاست هسته‌ای در بنیاد «کارنگی» و معاون سابق مدیرکل کمیسیون انرژی اتمی اسرائیل، استدلال کرد که ایران با اقداماتش جامعه بین‌المللی را محک می‌زند و واکنش‌های آنها را بررسی می‌کند. تاکنون واکنش بین‌المللی نسبتاً ملایم بوده است که مطمئناً اسرائیل را نگران می‌کند.

همچنین گزارش شده است که پس از دیداری بین مقامات امنیتی آمریکا و اسرائیل در واشنگتن، دو کشور متعهد شدند هماهنگی خود را برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و بازدارندگی بیشتر علیه فعالیت‌های خصمانه جمهوری اسلامی در منطقه افزایش دهند.

حسن بهشتی‌پور کارشناس سیاست خارجی (از موافقان احیای برجام) در روزنامه «اعتقاد» نوشته لحن رافائل گروسی در کنفرانس مطبوعاتی و نوع پاسخی که به خبرنگاران می‌دهد، نشان می‌دهد که وی امیدوار است مذاکرات ایران و آژانس ادامه پیدا کند و به راهکارهای جدیدی برای همکاری برسند. او مدعی شده «در آستانه حل یک گره اساسی از پرونده هسته‌ای ایران هستیم».

اما برخی تحلیلگران حتا در داخل ایران معتقدند توافق جمهوری اسلامی با آژانس «دفع شر» موقت است. در ایران جریان اصلی در قدرت تمایلی به باز شدن درهای تأسیسات اتمی به روی بازسان آژانس را ندارد. آنها علنی می‌گویند هیچ نرمشی در مذاکرات جایز نیست.

هرچند گروسی تأکید کرده فعلاً معلوم نیست جمهوری اسلامی به توافقی که در تهران صورت گرفت پایبند باشد یا نه اما دست‌کم تجربه توافقات قبلی نشان داده آن جریان نظامی که بقای جمهوری اسلامی را در دستیابی به بمب اتمی می‌بیند دیر یا زود دوباره زیر توافق می‌زند. چنانکه مدیرکل آژانس پس از بازگشت از تهران گفت توافق شده بازرسی آژانس در سایت فردو ۵۰ درصد بیشتر شود اما بلافاصله از سوی تهران تکذیب شد.

وی توضیح داد، «این موضوع در روند غنی‌سازی امری بسیار طبیعی بوده که حتا می‌تواند با کاهش خوراک آبشارهای سانتریفیوژ در یک لحظه به وجود بیاید.» وی تأکید کرد جمهوری اسلامی تاکنون اقدام به افزایش غلظت اورانیوم به بیش از ۶۰ درصد نکرده است.

روزنامه «تایمز اسرائیل» گزارش داد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تلاش است تا مشخص کند که آیا ادعای جمهوری اسلامی درست است یا واقعاً اقدامی برای افزایش سطح غنی‌سازی صورت گرفته است.

جان روهه مدیر سیاست خارجی مؤسسه یهودی برای امنیت ملی آمریکا، می‌گوید: «ایران دائماً در حال آزمایش چگونگی غنی‌سازی با سانتریفیوژهای پیشرفته‌تر با غلظت بالاتر است. بنابراین از نظر فنی وجود چنین ذراتی ممکن است.» راز زیمت پژوهشگر ایران در مرکز مطالعات امنیت ملی در تل‌آویو، هم معتقد است: «من نمی‌توانم این احتمال را رد کنم.» در عین حال زیمت تأکید کرد که «باورش خیلی سخت است که تهران اشتباهی [تصادفی] به این سطح از غنی‌سازی رسیده است.»

حتا اگر جمهوری اسلامی بطور عمدی غنی‌سازی اورانیوم را به ۸۴ درصد رسانده باشد هشدار تازه‌ای نیست. پیشرفت عمده در غنی‌سازی وقتی بود که آنها در سال ۲۰۲۱ غلظت اورانیوم را به ۶۰ درصد رساندند. از آن زمان به بعد رساندن اورانیوم به غلظت ۹۰ درصدی فقط به تصمیم علی خامنه‌ای بستگی دارد.

روحه احتمال می‌دهد جمهوری اسلامی برای بررسی میزان توانایی رسیدن به سطوح بالاتر غنی‌سازی در حال دستکاری سانتریفیوژهاست اما می‌گوید: «مشکل بزرگتر برای رساندن غلظت اورانیوم به ۸۴ درصد این است که نشان می‌دهد ایران ظرفیت خود را برای تولید نهایی اورانیوم با درجه تسلیحات در مقیاس صنعتی گسترش می‌دهد.»

وی با ابراز نگرانی از عدم صدور قطعنامه علیه جمهوری اسلامی در شورای حکام گفت این نشان می‌دهد غرب

● جان روهه مدیر سیاست خارجی مؤسسه یهودی برای امنیت ملی آمریکا، می‌گوید: «ایران دائماً در حال آزمایش چگونگی غنی‌سازی با سانتریفیوژهای پیشرفته‌تر با غلظت بالاتر است. بنابراین از نظر فنی وجود چنین ذراتی ممکن است.»

● راز زیمت پژوهشگر ایران در مرکز مطالعات امنیت ملی در تل‌آویو، می‌گوید: «من نمی‌توانم این احتمال را رد کنم.» در عین حال زیمت تأکید کرد که «باورش خیلی سخت است که تهران اشتباهی [تصادفی] به این سطح از غنی‌سازی رسیده است.»

● الی لویت کارشناس ارشد سیاست هسته‌ای در بنیاد «کارنگی» و معاون سابق مدیرکل کمیسیون انرژی اتمی اسرائیل، استدلال کرد که ایران با اقداماتش جامعه بین‌المللی را محک می‌زند و واکنش‌های آنها را بررسی می‌کند. تاکنون واکنش بین‌المللی نسبتاً ملایم بوده است که مطمئناً اسرائیل را نگران می‌کند.

لورا هولگیت نماینده آمریکا در سازمان ملل سه‌شنبه ۱۶ مارس در نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هشدار داد «ادامه غنی‌سازی اورانیوم تا ۶۰ درصد هیچ هدف صلح‌آمیز معتبری ندارد و هیچ کشور دیگری در جهان از اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی برای اهدافی که ایران ادعا می‌کند استفاده نکرده است.»

سه هفته پیش از سفر رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ایران بلومبرگ به نقل از چند دیپلمات در آژانس گزارش شد در تأسیسات اتمی فردو ذرات اورانیوم با غلظت ۸۴ درصد شناسایی شده است. بهروز کهالوندی سخنگوی سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی انتشار این گزارش را سیاه‌نمایی و «توطئه» توصیف کرد و مدعی شد «وجود ذره یا ذراتی (particule) از اورانیوم با غنای بالای ۶۰ درصد در محل شیر برداشت محصول از طریق نمونه برداری متداول است.»



# اسکای نیوز: رژیم ایران مخفیانه از دریای «خزر» برای روسیه تسلیحات ارسال می‌کند

حدود ساعت ۱۰ صبح روز ۱۰ ژانویه به وقت محلی بندر امیرآباد را ترک کرد، در حالی که کشتی «بیگی» نیز در همان روز حرکت کرد.

هر دو کشتی به دلایل نامعلوم روز ۱۲ ژانویه برای چند روز در سواحل ترکمنستان توقف می‌کنند.

«موسی جلیل» و «بیگی» سپس از دریای «خزر» عبور کردند و در روز ۲۷ ژانویه (هفتم بهمن) به بندر آستاراخان روسیه رسیدند. طبق داده‌های ردیابی، آنها قبل از خروج در سوم فوریه (۱۴ بهمن) چندین روز را در همان بندر ماندند. هم اوکراین و هم ایالات متحده گفته‌اند که ذخایر تسلیحاتی روسیه به شدت کاهش پیدا کرده است.

وادیم پرستایکو سفیر اوکراین در لندن می‌گوید: «منابع تسلیحاتی روس‌ها که گفته می‌شود دومین ارتش بزرگ جهان است رو به اتمام است که این یک نتیجه عالی برای نیروهای مسلح اوکراین به شمار می‌رود.»

وی همچنین گفت: «ما هنوز باید فعالانه رژیم ایران و بقیه رژیم‌ها را برای توقف عرضه تسلیحات به روس‌ها برای دامن زدن به این جنگ در اوکراین زیر نظر بگیریم.»

ژنرال ریچارد بارونز افسر ارشد سابق ارتش بریتانیا، گفت که ارسال ۳۰۰ هزار گلوله تانک از ایران به روسیه مفید است، اما با توجه به حجم آتش این میزان خیلی زود تمام

داشته‌اند.

این منبع امنیتی با تشریح روابط نزدیک نظامی بین دو دولت گفت: «روسیه همچنان از ایران به عنوان «پایگاه پشتیبانی» استفاده می‌کند.

مقامات غربی و اوکراینی همچنین هشدار داده‌اند که جمهوری اسلامی ایران ممکن است موشک‌های بالستیک به روسیه ارسال کند، اما هنوز هیچ مدرکی مبنی بر انجام آن وجود ندارد.

علاوه بر حمایت حکومت ایران، نگرانی دولت‌های غربی در مورد پتانسیل جمهوری خلق چین برای کمک تسلیحاتی به روسیه نیز در حال افزایش است. اقدامی که ایالات متحده هشدار داده است که «عواقب شدید» برای پکن خواهد داشت. چین اما این ادعاها را رد کرده است.

این منبع امنیتی گفته دو کشتی باری که گفته می‌شود در انتقال مهمات از ایران به روسیه نقش داشتند، «موسی جلیل» و «بیگی» نام داشتند اما هر دو زیر پرچم روسیه حرکت می‌کنند.

این منبع گفت که گمان می‌رود یکی از کشتی‌ها دهم ژانویه (۲۰ دی‌ماه) و دیگری ۱۲ ژانویه (۲۲ دی‌ماه) ایران را ترک کرده باشد. در هر کدام از آنها حدود ۲۰۰ کانتینر محموله پر از سلاح بارگیری شده بود. این منبع گفت که آنها

یک منبع امنیتی به «اسکای نیوز» می‌گوید جمهوری اسلامی مخفیانه مقادیر زیادی مهمات شامل انواع فشنگ، راکت، گلوله تانک، خمپاره و مسلسل از طریق دریای «خزر» برای استفاده در جنگ علیه اوکراین به روسیه ارسال کرده است.

گزارش شده پول این محموله‌های تسلیحاتی نقدی دریافت شده است.

دو کشتی «موسی جلیل» و «بیگی» که هر کدام ۲۰۰ کانتینر سلاح و مهمات از بندر امیرآباد به آستاراخان حمل کرده‌اند شناسایی شدند.

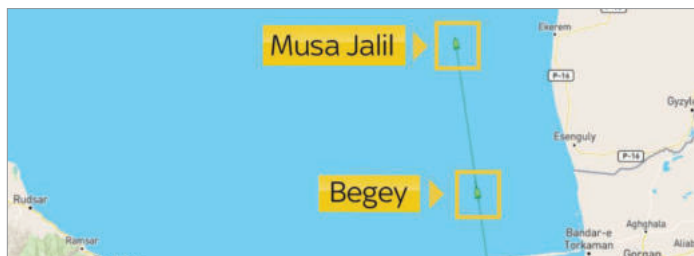
وادیم پرستایکو سفیر اوکراین در لندن می‌گوید: «منابع تسلیحاتی روس‌ها که گفته می‌شود دومین ارتش بزرگ جهان است رو به اتمام است که این یک نتیجه عالی برای نیروهای مسلح اوکراین به شمار می‌رود.»

یک منبع امنیتی به «اسکای نیوز» گفت که جمهوری اسلامی مخفیانه مقادیر زیادی مهمات شامل انواع فشنگ، راکت و گلوله تانک و خمپاره از طریق دریای «خزر» برای استفاده در جنگ علیه اوکراین به روسیه ارسال کرده است و قصد دارد ارسال این مهمات را بیشتر کند.

این منبع مدعی شد که دو کشتی باری با پرچم روسیه



کشتی «موسی جلیل» در بندر امیرآباد



حرکت همزمان دو کشتی «بیگی» و «موسی جلیل» به سمت ترکمنستان



بر اساس گزارش منابع امنیتی از بند «امیرآباد» واقع در استان مازندران به بندر «آستاراخان» روسیه در ساحل شمالی دریای «خزر» مهمات و تسلیحات ارسال می‌شود

می‌شود. در مقابل، اگر چین تصمیم بگیرد که ذخایر مهمات عظیم خود را در اختیار ماشین جنگی پوتین قرار دهد، این امر برای اوکراین «بسیار بسیار سنگین» تمام خواهد شد.

«موسی جلیل» که نام یکی از کشتی‌هاست یک چریک کمونیست اهل تاتارستان بود. جلیل در یکی از واحدهای «ارتش سرخ» با نازی‌ها می‌جنگید. او توسط ارتش آلمان دستگیر و کشته شد. موسی جلیل پس از مرگ مدال شجاعت «لنین» و جایزه «استالین» را از شوروی دریافت کرد.

جدیدترین پایگاه نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی در بندر امیرآباد استان مازندران قرار دارد.

در ارزیابی خود از میزان مهمات حمل شده اطمینان دارند. تحقیقات انجام شده توسط «اسکای نیوز» حضور این دو کشتی در بندر شمال ایران را تأیید می‌کند اگرچه زمان حرکت آن از ایران به سمت روسیه یک روز با آنچه منبع امنیتی گفته تفاوت دارد.

اسکای نیوز می‌نویسد «امکان بررسی مستقل محموله کشتی‌ها وجود نداشت.»

بر اساس اطلاعات و بسایت رصد کشتی‌ها «مارینه ترافیک» این دو کشتی در تاریخ نهم ژانویه در بندر «امیرآباد» ایران در دریای «خزر» لنگر انداخته بودند.

بر اساس داده‌های ردیابی دریایی، کشتی «موسی جلیل»

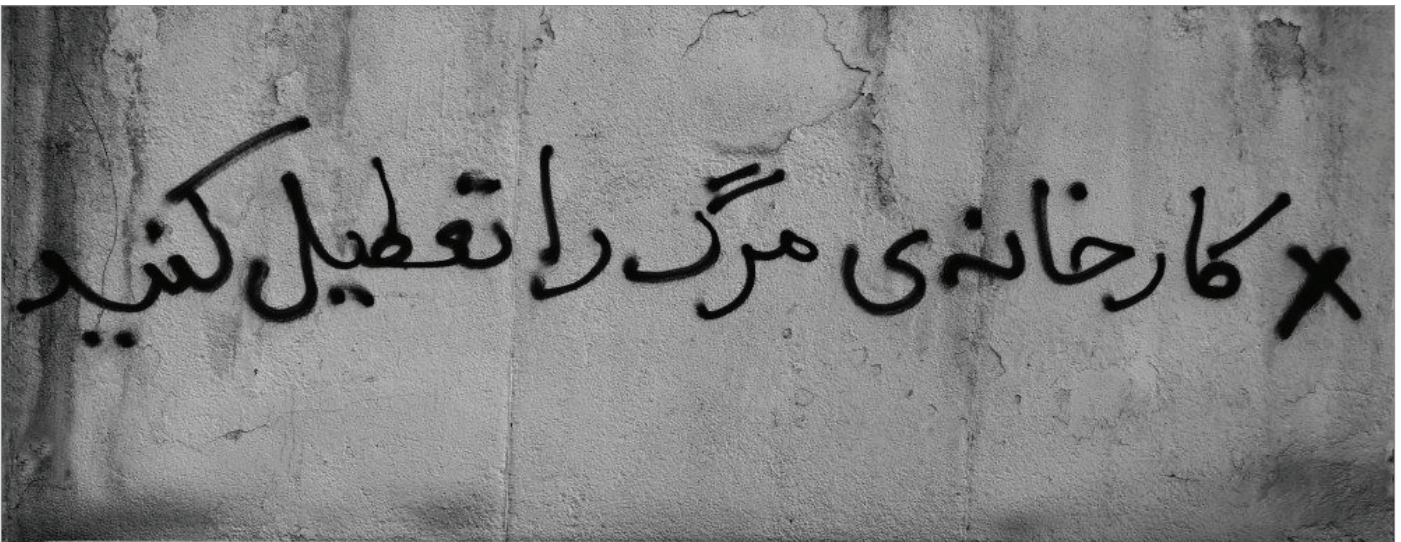
در ماه ژانویه حدود ۱۰۰ میلیون فشنگ و حدود ۳۰۰ هزار گلوله تانک و خمپاره را از بندر شمال ایران به مقصد روسیه منتقل کردند.

اسکای نیوز می‌نویسد ظاهراً محموله‌ها شامل راکت‌انداز، خمپاره‌انداز و مسلسل نیز بوده و به گفته همان منبع پول آن به صورت نقدی به رژیم ایران پرداخت شده است.

گمان می‌رود که ذخایر تسلیحاتی روسیه پس از بیش از یک سال جنگ تمام‌عیار رو به اتمام باشد.

پیش از این نیز گزارش شده بود که جمهوری اسلامی صدها پهپاد انتحاری را در اختیار مسکو قرار داده که در تخریب زیرساخت‌های مسکونی و اقتصادی اوکراین نقش

## طناب‌های دار علی خامنه‌ای همچنان به دنبال گردن برای اعدام



اعدام نکنید دیوان‌نویسی؛ تیر ۹۹

دادگاه گفته‌اند که با شوک الکتریکی، شلاق با کابل و حتی تجاوز و تهدید به تجاوز به دیگر افراد خانواده مجبور به اعتراف به جرمی شده‌اند که هرگز مرتکب نشده‌اند.

بر پایه آماري که «بنیاد عبدالرحمن برومند» و سازمان عفو بین‌الملل در اوایل ماه مارس ۲۰۲۳ منتشر ساختند، در دو ماه اول سال جاری میلادی ۹۴ نفر در جمهوری اسلامی اعدام شدند که تقریباً دو برابر اعدام‌ها در همین مدت در سال گذشته است. در بیانیه مشترک این دو نهاد اشاره شده است که در جمهوری اسلامی بسیاری از اعدام‌شدگان این دو ماه از گروه‌های اکتیوی بودند. در سال ۲۰۲۲ میلادی بنا بر گزارشی که «کمپین فعالان بلوچ» منتشر ساخته است، دست کم ۱۷۹ ایرانی بلوچ در جمهوری اسلامی اعدام شدند. در ۱۱ ماه اول سال گذشته میلادی بنا بر آمار «سازمان حقوق بشر ایران» بیش از ۵۰۰ حکم اعدام به اجرا درآمده است، در حالی که در همین مدت در سال قبل احکام اعدام ۳۳۳ نفر به اجرا درآمده بود.

جمهوری اسلامی احکام اعدام سیاسی را به ویژه در مورد کسانی که اجرا درمی‌آورد که تا قبل از صدور حکم گمنام بودند و کارزاری برای آزادی آنها به راه نیفتاده بود. اجرای احکام اعدام زندانیان سیاسی گمنام هزینه کمتری دارد و انعکاس جهانی پیدا نمی‌کند. در این رابطه می‌توان به اعدام محسن شکاری و مجیدرضا رهنورد اشاره کرد که تا قبل از صدور حکم اعدام کسی نام آنها را نشنیده بود.

استفاده از اعدام برای سرکوب اعتراضات که با قتل مهسا (ژینا) امینی آغاز شد، به نگرانی‌های بی‌شماری در سطح جهانی دامن زده است. در آخرین نشست ادواری شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، ۵۲ کشور بیانیه‌ای را در محکومیت اعدام‌ها در جمهوری اسلامی صادر کردند. اینبار بر خلاف گذشته ابتکار تهیه این بیانیه با کشورهای آمریکای لاتین بود که البته حمایت کشورهای غربی را نیز به همراه داشت. این بیانیه در نشست قرائت شد که حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز در آن حضور داشت. البته در زمان سخنرانی امیرعبداللهیان در این نشست، نمایندگان بسیاری از کشورها به نشانه اعتراض علیه نقض حقوق بشر در ایران سالن را ترک کردند.

در روزهای گذشته دادگاه انقلاب تهران به ریاست ابوالقاسم سلواتی نیز حکم اعدام جمشید شارمهد را صادر کرد. جمشید شارمهد نیز با تابعیت دوگانه ایرانی-آلمانی در جریان سفری به امارات متحده عربی در مرداد سال ۱۳۹۷ در دوی ربه‌ده و به تهران منتقل شد. غزاله دختر جمشید شارمهد که در کالیفرنیا زندگی می‌کند، به کیهان لندن می‌گوید سخت نگران اجرای حکم پدرش در روزهای آینده است. غزاله می‌گوید «شکی نیست که سرنوشت روح‌الله زم در انتظار پدرم است.»

روح‌الله زم مدیر کانال تلگرامی «آمدنیوز» که در پاریس اقامت داشت، با حيله به عراق کشانده شد و در مهر ۱۳۹۸ در بغداد ربه‌ده و به تهران منتقل گشت. مدیر «آمدنیوز» ۲۲ آذر ۱۳۹۹ در تهران اعدام شد.

در هفته‌های گذشته حکم اعدام ۱۳ نفر از معترضین انقلاب «زن زندگی آزادی» نیز مورد تأیید قرار گرفته است. مجید کاظمی شیخ شبانی، صالح میرهاشمی، و سعید یعقوبی در اصفهان به اعدام محکوم شدند.

در نوشهر احکام اعدام برای عرشیا تکدستان، جواد روحی و مهدی محمدی فرد صادر شده است.

ابراهیم ناروئی، منصور دهمرده، کامبیز خروت و شعب میربلوچ در سیستان و بلوچستان به اعدام محکوم شدند. دادگاه‌های انقلاب تهران و استان البرز نیز برای محمد قبادلو، منوچهر میهمان‌نواز، محمد بروغنی و مهدی بهمن حکم اعدام صادر کرده‌اند.

در روزهای گذشته احکام اعدام سهند نورمحمدزاده، حمید قره‌حسنلو، حسین محمدی، رضا آریا و ماهان صدارت مدنی در دیوان عالی کشور لغو شد و باید دادگاه آنها مجدداً برگزار شود. بعید نیست که دادگاه جدید رای دادگاه بدوی را تأیید کند.

در این دادگاه‌ها و روند قضائی قبل از آن بر پایه شواهد، اساسی‌ترین حقوق افراد رعایت نشده و متهمان از بدو بازداشت تا صدور حکم دادگاه به وکیل انتخابی خود دسترسی نداشتند و احکام بر پایه اعتراف‌هایی که با شکنجه از جمله در مقابل دوربین‌های تلویزیون دولتی گرفته شدند صادر می‌شوند. برخی از این بازداشت‌شدگان در جریان

● دادگاه انقلاب اهواز ۶ شهروند ایرانی عرب را به اتهام عملیات تروریستی در سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸ به اعدام محکوم کرد.

● دادگاه انقلاب تهران به ریاست ابوالقاسم سلواتی، جمشید شارمهد شهروند دوتابعیتی ایرانی-آلمانی را به اتهام برنامه‌ریزی عملیات تروریستی به اعدام محکوم کرد. ● در هفته‌های گذشته حکم اعدام ۱۳ نفر از معترضین انقلاب «زن زندگی آزادی» مورد تأیید قرار گرفته و این احکام می‌توانند هر لحظه به اجرا گذشته شوند.

● احکام اعدام بر پایه اعتراف‌هایی که با شکنجه روحی و جسمی از جمله در مقابل دوربین‌های تلویزیون دولتی گرفته شدند صادر می‌شوند.

● برپایه آماري که «بنیاد عبدالرحمن برومند» و سازمان عفو بین‌الملل در اوایل ماه مارس ۲۰۲۳ منتشر ساختند، در دو ماه اول سال جاری میلادی ۹۴ نفر در جمهوری اسلامی اعدام شدند که تقریباً دو برابر اعدام‌ها در همین مدت در سال گذشته است.

● در آخرین نشست ادواری شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، ۵۲ کشور بیانیه‌ای را در محکومیت اعدام‌ها در جمهوری اسلامی صادر کردند.

● احمد رأفت - هفته‌هاست که در بیدادگاه‌های انقلاب اسلامی، کسانی که نام قاضی بر خود نهاده‌اند سرگرم صدور احکام اعدام هستند. آخرین احکام اعدام سیاسی در اهواز صادر شدند.

بنا بر اخباری که «میزان» خبرنگاری قوه قضائیه منتشر ساخته است، شش نفر به نام علی مجدم، محمدرضا مقدم، معین خنفری، حبیب رریس، سید عدنان غیبشای و سید سام موسوی به اتهام دست داشتن در عملیات تروریستی در سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸ در استان خوزستان به اعدام محکوم شدند. این افراد گفته می‌شود که از اعضای «حرکت النضال» هستند. رهبر سابق این گروه، حبیب اسبود با تابعیت دوگانه ایرانی-سوئدی نیز در مهر ۱۳۹۶ در جریان سفری به استانبول توسط مامورین جمهوری اسلامی ربه‌ده و به ایران منتقل شد. دادگاه حبیب اسبود هنوز در جریان است ولی حدس زده می‌شود که برای او نیز حکم اعدام صادر شود.

بنا نبوده است احکام سنگسار اجرا شود ولی حکم، حکم است و اختیار با قاضی است.

و اما قاضی چرا به ناگهان اجرای حکم سنگسار را پس از یازده سال ضروری دانست؟ به دلیل آن که روز قبل، رهبر جمهوری اسلامی گفته بود احکام تعزیر و مجازات اسلامی را نمی‌توان به دلیل عدم انطباق آن با مفاد کنوانسیونهای بین‌المللی معوق گذارد!

از آن طرف، آیت‌الله‌العظمی حسینعلی منتظری که در مرتبه فقاهتش شبهه نیست اجرای این حکم را با اقامه ادله شرعی غیرموجه دانست و اعلام داشت اولاً اثبات زنا با احسان (مرد زن‌دار یا زن شهردار) آسان نیست، ثانیاً هرگاه اجرای حکم شرعی موجب وهن مذهب باشد باید از اجرای آن خودداری کرد.

اینها نمونه‌های خیلی کوچکی از هرج و مرج و آشفتگی بازار ناشی از ادغام حکومت و شریعت است در عصر حاضر. حکومت شرعی هر روز با نمونه‌ای از این وقایع در امور



سید احمد خاتمی، امام جمعه موقت تهران

داخلی و روابط خارجی روبرو می‌شود که یا باید مصلحت سیاسی را بر تکلیف شرعی مقدم بدارد و یا بالعکس. و در نهایت امر، این گونه رفتار به فساد حکومت و دین، هر دو، منتهی خواهد شد.

حجت‌الاسلام سید احمد خاتمی در خطبه نماز جمعه می‌گوید «مکتب مبین اسلام تئوری زندگی است و دینی است که تا قیامت عهده‌دار زندگی بشر است. لذا این دین کامل نمی‌تواند نظام سیاسی نداشته باشد و معقول نیست که برنامه‌ای برای سیاست، فرهنگ و اقتصاد نداشته باشد.» این دقیقاً ترجمان کلام شیخ فضل‌الله نوری است که می‌گفت «امروز می‌بینیم در مجلس شورا کتب قانونی پارلمنت فرنگ را آورده، و در دایره احتیاج به قانون، توسعه قائل شده‌اند. غافل از این که ملل اروپا شریعت مدونه نداشته‌اند لذا برای هر عنوان نظامنامه‌ای نگاشته‌اند و در موقع اجرا گذاشته‌اند. و ما اهل اسلام شریعتی داریم آسمانی و جاودانی که از بس متین و صحیح و کامل و مستحکم است نسخ برمی‌دارد.»

بر اساس این استدلال، انقلاب ۵۷ اشتباهی را که ایرانیان در یک قرن پیش مرتکب شده بودند تصحیح کرد و اسلام واقعی را برای مملکت و ملت به‌ارمغان آورد و حکومتی که از بستر انقلاب برخاسته «حکومت‌الله» است و هر کس بر آن خرده بگیرد بر احکام خدا خرده گرفته و به ضدیت با اسلام برخاسته پس کافر است و ملحد.

ادامه دارد

بازنشتم

## دست دادن یا ندادن مسأله این است! (۶) سیاست هم مثل دیانت

### عرصه تخصصی است

(کیهان لندن شماره ۱۱۷۴-۱۱۶۳)

تیر تا مهر ۱۳۸۶

احمد احرار

حجت‌الاسلام والمسلمین آقا سید احمد خاتمی، امام جمعه موقت تهران، در خطبه نماز جمعه فرمودند «سیاستمداران و احزاب سیاسی بدانند که ورود در حوزه معارف دینی کار تخصصی است و سرمایه طولانی تحصیل در حوزه علمیه را می‌طلبد، لذا بهتر است این عرصه را به اهله واگذارند و وارد این عرصه تخصصی نشوند.»

سخنی است بسیار متین و منطقی. بنده نیز می‌خواهم به‌استناد همین کلام متقن عرض کنم تربیت یافتگان حوزه معارف دینی بهتر است پای خود را از حوزه سیاست کنار بکشند و این عرصه را به اهله واگذارند. زیرا سیاست - به‌ویژه در این عصر و زمانه - امری است تخصصی و سرمایه تحصیل و تجربه طولانی در امور سیاسی را می‌طلبد. ورود اهل حوزه دین در عرصه سیاست همان اندازه نامعقول و زیانبخش است که مداخله اهل سیاست در حوزه دین.

داشتن عقیده سیاسی و اظهار آن، در یک نظام دموکراتیک برای همگان مجاز است و از حقوق بدیهی شهروندان شمرده می‌شود خاصه شهروندانی برخوردار از بضاعت علمی. بحث ما درباره سیاست راجع است به اداره امور کشور یا به قول قدما «تدبیر ملک». در این سی‌ساله هر وقت سخن از تفکیک مرزهای سیاست و دیانت پیش آمده طبقه حاکم این کلام شعارگونه را از قول شادروان سیدحسن مدرس مستند پاسخگویی قرار داده است که دیانت ما عین سیاست ما و سیاست ما عین دیانت ماست.

مرحوم مدرس یک شخصیت مذهبی بود که در برخورد میان مشروطه‌خواهان و مشروطه‌طلبان به جانبداری از مشروطه برخاست. پس از سقوط محمدعلی شاه و برچیده شدن استبداد صغیر، طبق اصل دوم متمم قانون اساسی جزو پنج مجتهد جامع‌الشرایط، در مجلس دوم عضویت یافت. از آنجا که مردی شجاع و سخور بود در مجلس، خود را یک چهره مبارز سیاسی - مذهبی شناساند و در دوره سوم از تهران وکیل شد و در دوره پنجم رهبری اقلیت را برعهده داشت و نطقهای آتشین ایراد می‌کرد و البته حق او بود که چنین سخنی هم بگوید. اما اگر این سخن را چنین تعبیر کنیم که مدرس به حکومت شرعی قائل بود پس چه فرقی است بین او و شیخ فضل‌الله نوری؟ پس چرا در برابر مشروطه‌خواهان موضعگیری کرد و با مرجع عالیقدر شیعه همصدا و همعقیده شد که از نجف اشرف در جواب شیخ نوری نوشت «ای گاو مجسم، مشروطه مشروعه نمی‌شود؟! شریعت، شرط نمی‌پذیرد و حال آن که حکومت مشروط است به ملاحظه شرایط زمان و مکان. یعنی هر لحظه لازم شد باید برحسب مصلحت وقت، راهی برگزید و تدبیری تازه اتخاذ کرد. در غیر این صورت، همین هرج و مرجی پیش می‌آید که در برابر چشم داریم. از یک طرف رئیس جمهوری با زنان دست نمی‌دهد و وزیر امور خارجه، در یک کشور اسلامی به عذر عدم رعایت موازین شرعی و حضور یک زن برای اجرای برنامه هنری از سر میز برمی‌خیزد و جلسه را ترک می‌کند، از سوی دیگر همین حکومت ریش خود را با زلف دولتهایی گره می‌زند که طبق قانون شرع «کافر» محسوب می‌شوند. متحدان اصلی جمهوری اسلامی را حکومت‌هایی تشکیل می‌دهند که اعتقاد به وجود خدا ندارند. با کفار پیمان بستن و دست در دستشان گذاردن و داد و ستد داشتن اشکال شرعی ندارد ولی دست دادن با زن، در یک سفر رسمی و یک مملکت بیگانه شرعاً مجاز نیست و از آن اجتناب باید کرد حتی اگر موجب هتک آبروی مملکت شود! تنها دو روز پس از آن که هوگو چاوز رئیس جمهوری سوپر مارکسیست ونزوئلا با آن تعظیم و تکریم در تهران پذیرایی شد و پرزیدنت احمدی‌نژاد او را به‌عنوان برادر عزیز در آغوش کشید و بوسید، یکی از مراجع تقلید - آیت‌الله

نوری همدانی - اظهار داشت «آقای هوگو چاوز ایران را خانه دوم خود معرفی کرده است. اما از دختران جوان ایرانی به‌عنوان زینت‌المجالس شبانه کارکنان سفارت کشورش در تهران استفاده می‌شود. باید با چنین منکراتی مقابله شود.» با منکراتی که در یک سفارتخانه خارجی صورت گرفته است حسب‌الامر حضرت آیت‌الله به چه ترتیب می‌توان «مقابله» کرد؟ البته اگر این «منکرات» در سفارت سوئد رخ داده بود به دلیل انتقادات سوئد از نقض حقوق بشر در ایران، سفیر آن کشور به وزارت امور خارجه احضار می‌شد و یادداشت اعتراضی همراه با درخواست خروج فوری تنی چند از اعضای سفارت دریافت می‌کرد و یکی دو زن ایرانی هم به‌جرم زنا محصنه و بر باد دادن آبروی دین و مملکت سنگسار می‌شدند، حال آن که روابط دوستی و برادری با ونزوئلا چنین کاری را اقتضا نمی‌کند. پس باید قضیه را لای سبیل گذاشت و اگر «مرجع تقلید» پاپی درخواست خود شد به او پاسخ داد چنین منکر می‌باشد اثبات نرسیده و موضوع از نوع شایعات ساخته و پرداخته دشمنان است!

اندکی پیشتر از آن، سنگسار یک مرد در قزوین، رسوایی عالمگیر برای ایران و ایرانی به ارمغان آورد. جعفر کیانی را که به‌جرم زنا محصنه یازده سال پیش حکم محکومیتش صادر شده بود و در زندان به‌سر می‌برد به‌دستور قاضی شرع تاکستان قزوین سنگسار کردند. سخنگوی قوه قضائیه در واکنش به موج اعتراضات عمومی متعذر شد که هرچند

درباره دولت و رویدادهای دوران انقلاب

## برکناری نصیری و انتصاب مقدم به ریاست ساواک

سپهبد مقدم گزارش تکان‌دهنده‌ای از اوضاع کشور و عوامل نارضایی مردم برای اطلاع شاه تهیه کرد  
شاه در پاسخ استاندار خراسان گفت: از کی بنا شده شما تصمیم بگیرید که من چه کسی را بینم یا نبینم!

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آذر ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۳۳ تا ۱۰۷۱)

بازنش

آخرین روزها  
پایان سلطنت و  
درگذشت شاه  
(۴)

دکتر هوشنگ نهاوندی



اساس رویدادها و حوادث واقعی زندگی انسانها نوشته می‌شود. برای نوشتن این کتاب، نویسنده از کمکهای بی دریغ و سخاوتمندانه اردشیر زاهدی، دکتر اصلاان افشار، شجاع‌الدین شفا، پروفیسور عباس صفویان و دکتر داریوش شیروانی بهره‌مند بوده است. این شخصیتها که در ماههای آخر سلطنت محمدرضا شاه ماس روزانه با او داشتند، اطلاعات، خاطرها و به‌یادمانده‌های خود را در اختیار نویسنده قرار داده‌اند. نویسنده ضمناً از دکتر هادی هدایتی، دکتر کاظم ودیعی و بیژن خلیلی مدیر شرکت کتاب سپاسگزاری کرده است. کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» دارای ۱۵ فصل است و با یک پی‌نوشت کوتاه و احساسی به‌پایان می‌رسد. کیهان بخشهایی از این کتاب را با موافقت نویسنده و ناشر، از این شماره به‌چاپ می‌رساند.

باید رفتارکنم؟ مراسم باید همان گونه انجام گیرد که رئیس دانشگاه می‌گوید.» و به این ترتیب، بعد از ظهر آن روز شاه با چند صد دانشگایی که با اتوبوس و بی هیچ تفتیشی به باغ کاخ آمده بودند، دیدار کرد.

در آن دیدار، شاه بسیار خشنود بود، زیرا دانشگاهیان به گرمی برایش ابراز احساسات کردند. رئیس دانشگاه گفت: «علیحضرتا، همه ما بسیار خوشوقتیم که در حضورتان هستیم.» شاه پاسخ داد: «من هم همینطور.» و از پروازی که بر فراز پردیس جدید دانشگاه داشته، ابراز شادمانی بسیار کرد و قول داد در سفر بعدی خود به مشهد، بازدید طولانی‌تری از آنجا به‌عمل آورد. سپس به میان استادان رفت، با آنان به گفتگو پرداخت. شوخی می‌کرد و گاه با صدای بلند می‌خندید.

دکتر «مرتضی روحانی»، نخستین نام در فهرست «نامطلوبها» در کناری با شاه به گفتگو پرداخت و از اوخواست به دانشگاه دستور دهد آیت‌الله بزرگتری در اختیار او بگذارند. «روحانی» از مخالفان مشهور رژیم و شوهر خواهر «علی شریعتی»، فرضیه‌پرداز بنیادگرایان و مغز متفکر تندروهای مذهبی بود. او در توضیح درخواست خود گفت: «ما سه نفریم. پسرمان نوجوانی است که می‌خواهد دوستانش را به خانه‌مان دعوت کند و خانه شصت متر مربعی به‌راستی برای ما کوچک است.» شاه پاسخ داد: «دکتر، از دست من کاری برای شما برمی‌آید. در این ساختمانهای موقتی، اصل بر بیست متر مربع برای هر فرد قرار داده شده است. بی‌گمان خودتان به‌زودی خانه زیبایی خواهید ساخت.» و با خنده افزود: «ولی مراقب باشید پسران وقت زیادی با دوستانش صرف نکنند. اول درس!» همه خندیدند و «روحانی» سر تعظیم و احترام در برابر شاه که دستش را می‌فرد فرود آورد. چند ماه بعد، او وزیر بهداری «خمینی» شد.

شرفیابی دانشگاهیان سه ساعت به درازا کشید. وقتی شاه دانشگاهیان را ترک می‌گفت، همگی مدتی طولانی برایش دست زدند و او با لبخندی تمسخرآمیز به استادان گفت: «اگر همه آشوبگران چنین بودند، خوب بود.»

سر کلاس می‌رفت و هیچگاه کار تدریس را رها نکرد و به‌مدد همین سوابق دانشگاهی بود که پس از مهاجرت به فرانسه ۱۷ سال به‌عنوان استاد در دانشگاه پاریس تدریس کرد.

نهاوندی در سالهای ۱۳۵۰ گروه بررسی مسایل ایران را بنیان گذاشت به امید آنکه پیشنهادات این گروه راهگشای اصلاحاتی در ساختار آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران شود. نهاوندی برای جمع‌آوری مطالب کتاب پانصد صفحه‌ای خود، مختصری از حافظه معروفش و مقدار زیادی از یادداشتهای روزانه یا شبانه‌اش سود جسته است.

کتاب از آغاز تا پایان، سرشار است از حوادث پرهیجان و اخبار دست اول که بیشتر اوقات نویسنده شخصاً درگیر آن بوده است و به همین دلیل محتوای کتاب شبیه رمانهای جذابی است که بر

ترجمه فارسی کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» نوشته دکتر هوشنگ نهاوندی از سوی شرکت کتاب در لس‌آنجلس منتشر شده است.

پهروز صوراسرافیل و مریم سیحون مترجمان این کتاب، به‌خوبی از عهده برگرداندن آن از زبان فرانسه به فارسی برآمده‌اند.

دکتر نهاوندی در دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی وزارت آبادانی و مسکن و علوم و آموزش عالی و ریاست دانشگاههای پهلوی و تهران را به‌عهده داشت. وی مدتی نیز رئیس دفتر علیاحضرت شهبانو و چندی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بود. اما در تمام این سالها وی بیشتر با محافل روشنفکری، علمی و دانشگاهی نشست و برخاست داشت تا با دولتیان. نهاوندی در دوران ریاستش بر دانشگاههای پهلوی و تهران هفته‌ای چند ساعت

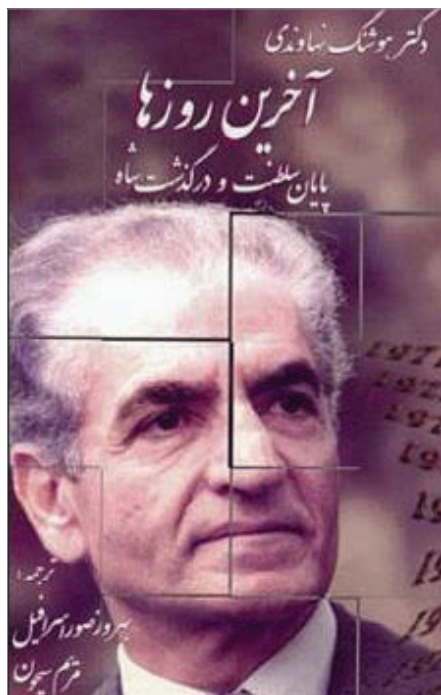
روزهای نخستین ماه ژوئن در آرامشی نسبی گذشت. ویژگی مهم زندگی سیاسی تهران، شایعاتی بود که پیرامون دگرگون شدن اوضاع پراکنده می‌شد. اوضاع، مثل همیشه بود.

به‌عادت همیشگی، شاه به منظور بازرسی اوضاع، سفری به استان خراسان کرد. از لحظه ورود به مشهد، شهر مقدس مرقد امام رضا که ایرانیان او را می‌ستایند، با استقبال بسیار گرم و استثنایی مردم روبرو شد. ده‌ها هزار نفر نامش را فریاد می‌زدند و ابراز احساسات می‌کردند. شاه، ایستاده در اتومبیل رو باز خود خیابانها را پیمود. پس از زیارت سنتی مرقد امام، با ۵۰ تن از روحانیون که برخی از آنان ملاهای مهمی بودند، در یکی از تالارهای موزه آستان قدس دیدار کرد. همگی دست شاه را به نشانه احترام بوسیدند - آخر او پادشاه تنها کشور شیعه جهان بود. شاه با آنان محترمانه رفتار کرد و از اعتقادش به اسلام و احترامش به امام رضا سخن گفت.

از بعد از ظهر تا شب، بازدید کوتاهی از يك مجموعه صنعتی کرد، مورد استقبال بسیار شگفت‌انگیز کارگران قرار گرفت و در پاسخ آنان، سخنرانی کوتاهی کرد. آنگاه يك پایگاه نظامی را مورد بازدید قرار داد. در بازگشت به کاخ «ملک‌آباد» با هلیکوپتر بر فراز کارگاه ساختمانی پردیس جدید دانشگاه «فردوسی» مشهد پرواز کرد و به اطرفیاناش گفت: «می‌خواهم بعد از ظهر فردا با استادان دانشگاه دیدار کنم.»

«ولیان»، استاندار خراسان پاسخ داد: «چنین دیداری در برنامه علیحضرت پیش بینی نشده است. ضمناً چگونه می‌توان صدها تن را ظرف چند ساعت گردآورد. همه این استادان قابل اطمینان نیستند.» اما شاه به خشکی پاسخ داد: «همین که گفتم.»

همان شب دکتر «پرویز آموزگار» رئیس دانشگاه - که هیچ نسبتی با نخست وزیر نداشت - از موضوع آگاه شد و تمام شب کوشید مقدمات آن شرفیابی را فراهم آورد. به همه استادان، پژوهشگران و اعضای کادر آموزشی بدون استثنا اطلاع دادند که فردا حاضر شوند.



ساعت ۱۱ صبح، استاندار و «ساواک» فهرستی بیست نفره از استادان نامطلوب به رئیس دانشگاه دادند و خواستند که آنان به دلایل امنیتی شرفیاب نشوند. او نپذیرفت و گفت: هیچ استثنایی در کار نخواهد بود، وگرنه خود به‌تنهایی به حضور علیحضرت می‌رسم و ادای احترام می‌کنم. مسؤولان پاسخ دادند: «شما که دیروز در فرودگاه این کار را کردید.» «پرویز آموزگار» آخر سر گفت: «می‌خواهید بپذیرید یا رد کنید. تصمیم با شماست.»

استاندار که در بن‌بست گیر کرده بود، ماجرا را به‌عرض شاه رساند. اما او نیز بسیار خشمگین شد و گفت: «از کی بنا شده شما تصمیم بگیرید من چه کسی را بینم یا نبینم. ساواک چگونه به خود جرأت می‌دهد به من بگوید چگونه

## رئیس جدید ساواک

در ساعت ده و ربع ۱۴ ژوئن، شاه در دفتر خصوص خود در «کاخ نیاوران» «جمشید آموزگار»، نخست وزیر وقت و سپهبد نیروی زمینی «ناصر مقدم»، رئیس اداره دوم ستاد ارتش را به حضور پذیرفت. «مقدم» به عنوان رئیس «ساواک» و جانشین تیمسار «نصیری» معرفی شد. این مراسم فقط دو دقیقه به درازا کشید. نه عکاسی آنجا بود و نه دوربینی. البته در مورد ارتشیان، روند کار همواره چنین بود. ابتدا، نخست وزیر جملائی را که در این موارد گفته می‌شود، گفت: «اعلیحضرتا، افتخار دارم سپهبد «ناصر مقدم» را به عنوان معاون نخست وزیر و رئیس «سازمان اطلاعات و امنیت کشور» به پیشگاه مبارک معرفی کنم». پادشاه دست «مقدم» را که لباس نظامی به تن داشت فشرده و به او گفت: «می‌دانید که باید چه کنید». همین.

آن دو فوراً دفتر را ترک گفتند. چند ثانیه بعد شاه نیز چنین کرد و با آسانسور به طبقه پایین رفت. تغییر رئیس «ساواک» یکی از مهمترین تصمیماتی بود که در آن سال مهم گرفته شد، ولی افسوس که دیر هنگام بود. تصمیم شاه در این مورد، چند روز پیش گرفته شده بود.

«اتحاد جماهیر شوروی» و کمونیستها بود. همچنین گفته می‌شد که او و مأمورانش توانسته‌اند در شبکه‌های فلسطینیان که پشتیبان و زندگی‌بخش گروه‌های مخالف و تروریست ایرانی بودند، نفوذ کنند - به‌حدی که اسرائیلیان، اغلب اوقات از اطلاعات آنان سود می‌گرفتند. در این مورد «موساد» و «ساواک» از مدتها پیش با یکدیگر همکاری داشتند. اما «علی معتمد» چندان با مسائل درون کشور آمیخته نبود. هنگامی که شاه نظر «امیرعباس هویدا»، وزیر دربار آن زمان را در مورد رئیس آینده «ساواک» خواست، او بر انتخاب «معتمد» - که چندان هم علاقه‌ای به او نداشت - بسیار پای فشرده. زیرا می‌دانست سپهبد «مقدم» در مورد او و اقداماتش در هنگام ریاست دولت، داوری منفی و انتقادی دارد. علاوه بر آن «مقدم»، «امیرعباس هویدا» را یکی از مسؤولان اوضاع بحرانی کشور می‌دانست و بی‌مهری‌اش را از او پنهان نمی‌کرد.

با آن که «ناصر مقدم» از اعضای پرسابقه «ساواک» بود، اما در آن سازمان او را به عنوان کسی که «از بیرون آمده» می‌نگریستند. آمریکاییها نظر خوبی نسبت به «مقدم» داشتند و او روابط شخصی گسترده‌ای با دنیای روشنفکران و مذهبیانی داشت که در مملکت اغتشاش می‌کردند.

او را جشن بگیرند. حدود ساعت ۸ شب، سید گل بسیار زیبایی به همراه پیمای گرم - به شیوه‌ای که «هویدا» خوب می‌دانست - از سوی او به دست «معتمد» رسید. اما تلفنی که در انتظارش بود، نشد.

همان روز تیمسار «نصیری» به سفارت ایران در پاکستان، که تأییدش از «اسلام‌آباد» ۴۸ ساعته گرفته شده بود، منصوب شد. «علی معتمد» نیز فرمان سفارت سوریه را دریافت کرد. دمشق ظاهراً در پذیرش او اندکی تردید داشت، که دلایل آن را می‌توان حدس زد. به‌ویژه که سفیر ایران در آنجا، دیپلماتی بود که پس از سالها روابط تیره و تار تهران و دمشق را بهبود بخشیده بود. او از دنیای اطلاعات و جاسوسی دور بود، که سوریه‌ای‌ها در آن دست داشتند. او از طرفداران «جبهه ملی مصدق» نیز بود، اما این دل بستگی مانعی در زندگی حرفه‌ایش به وجود نیاورده بود. انتخاب «معتمد» باعث شد که زندگی او نجات یابد. هنگامی که انقلاب روی داد، مستقیماً به لندن رفت، درخواست پناهندگی سیاسی کرد که پذیرفته شد، و چند سال بعد در اثر بیماری‌ای طولانی بدرود حیات گفت.

تیمسار «مقدم»، رئیس تازه «ساواک» چند هفته پیش از انتصابش، گمان می‌کرد که دوران خدمتش به پایان رسیده



ناصر مقدم



نعمت‌الله نصیری

است! در ماه آوریل ۱۹۷۸، اندکی پس از شورش تبریز، تیمسار «مقدم» به من تلفن کرد و خواست که با یکدیگر محرمانه و مفصلاً ملاقات و گفتگو کنیم. با آن که با هم روابط دوستانه و تقریباً خانوادگی داشتیم، این رویه از سوی یک نظامی سطح بالا، عادی نبود. تصمیم گرفتیم در یکی از تالارهای موزه «رضا عباسی»، با هم ناهار بخوریم. او ساعت دوازده با لباس غیر نظامی آمد. گزارشی را که در ۲۳ صفحه پیرامون رویدادهای مملکت و وخامت و خطر آن تهیه کرده بود به من داد و خواست آن را بخوانم. این کار را کردم. نوشته‌ها، با صداقت و رک‌گویی چشمگیری نوشته شده بود و در آنها از فساد مالی چند تن از نزدیکان اعلیحضرتین، با ذکر نام و همه جزئیات اعمال آنان سخن رفته بود: ←

بنابراین، شاه وی را برگزید. شگفت‌انگیز بود که پافشاری «هویدا» برای گزینش تیمسار «معتمد» کارگر نیفتاد. اما شاه بیش از پیش به مردی که ۱۳ سال نخست وزیرش بود بدبین شده بود و او را به خاطر پاره‌ای از تصمیماتش، از جمله انتشار مقاله کذایی علیه «روح‌الله خمینی»، سرزنش می‌کرد. با این حال چنین وانمود کرده بود که پیشنهاد وزیر دربار را می‌پسندد. «هویدا» که گمان می‌کرد تصمیم شاه گرفته شده، به «معتمد» اطلاع داد. «معتمد» در تمام طول شب سیزدهم، در انتظار تلفنی از کاخ یا نخست وزیر بود تا ساعت شرفیابی را به او ابلاغ کنند. «نصیری» هم صبح آن روز خداحافظی‌هایش را کرده بود. حتی چند تن از نزدیکان «معتمد» در خانه او گردآمده بودند تا انتصاب

او بین دو تن تردید بسیار داشت. نخست سرلشکر «علی معتمد» نفر دوم «ساواک» که حوزه کار او بیشتر اطلاعات خارجی و ضد جاسوسی بود و دیگر سپهبد «ناصر مقدم» که زیر فرمان سرلشکر «پاکروان» رئیس خوشنام پیشین «ساواک» خدمت کرده و به شاگردی او افتخار می‌کرد. سپس در ابتدای تصدی «نصیری» با او همکاری کرده بود. چند سالی هم بود که ریاست رکن دو ستاد ارتش برعهده‌اش بود. هم «معتمد» و هم «مقدم» به درستکاری، کارآمدی و احترام گذاشتن به قانون شهره بودند. با آن که «علی معتمد» دستیار مستقیم ارتشبد «نصیری» بود، اما به عنوان شریک زیاد روی‌های او شناخته نمی‌شد. شهرت او بیشتر در پیروزیهای چشمگیری در مبارزه با جاسوسی‌ها و جاسوسان

## او یک ایرانی آزاده بود؛ «از سنگ ناله خیزد روز وداع یاران»

● او همشهری من بود و دوستی ما پس از حدوث انقلاب از دانشگاه تبریز آغاز شد. من که بنا بود در دانشگاه ملی ایران در تهران و یا دانشکده نفت آبادان تدریس کنم، با پیشنهاد دانشگاه تبریز که «اینجا شهر توست و روا نیست بجای دیگر روی، بیا و همت کن که یک گروه اقتصاد نیرومند در دانشگاه تبریز بسازی»، در آنجا آغاز به تدریس کرده بودم.

● در سال نخست، تنی چند از درس خوانده‌های چند دانشگاه معتبر در رشته‌های گوناگون وارد دانشگاه شده و پیش از طی مراحل اداری استخدام رسمی آغاز به تدریس کردند. یکی از این چهره‌ها سیدجواد طباطبائی بود که علوم سیاسی درس می‌گفت و در اندک مدتی در نزد دانشجویان، محبوبیت فراوان به دست آورد بطوری که کلاس‌های درس او با دانشجویان رشته‌های گوناگون پر می‌شد.

● با آغاز «انقلاب فرهنگی» همه آب‌ها از آسیاب افتاد و جریان‌های اداری استخدام استاد نیز متوقف شد و بدینسان دکتر طباطبائی هم در میان خیل دیگر نامزدان کار دانشگاهی بلاتکلیف و بدون حقوق رها گردید.

● در گرماگرم «انتخابات خرداد ۷۶» بود که حجت‌الاسلام سیدمحمد خاچی نامزد ریاست جمهوری بود و مردم در این توهم که از بیغوله جمهوری اسلامی نقبی به اصلاح امور می‌زنند، طباطبائی برای سفری به پاریس آمد. از شعارها و وعده‌هایی سخن رفت که فضای تب‌زده انتخابات را سرشار کرده بود. از طباطبائی پرسیدم آیا او به راستی امیدوار است خاچی چنان خواهد کرد که می‌گوید و او گفت آری. و من گفتم آیا فکر می‌کنی وی یا هر شخص دیگری می‌تواند در ذیل نظام «اسلامی» تبعیض میان زن و مرد، شیعه و سنی، و مسلمان و غیرمسلمان را- بر خلاف نص قرآنی- بردارد؟ که پاسخ او امیدوارانه بود ولی من موافق نبودم. بعدها نظر او تغییر کرد.

حسن منصور - دکتر سیدجواد طباطبائی به تاریخ نهم اسفند ۱۴۰۱ ناپهنگام پر کشید و دوستان خود را به سوگ نشاند. ایران امروز بیش از هر زمانی به او نیاز داشت. او همشهری من بود و دوستی ما پس از حدوث انقلاب از دانشگاه تبریز آغاز شد. من که بنا بود در دانشگاه ملی ایران در تهران و یا دانشکده نفت آبادان تدریس کنم، با پیشنهاد دانشگاه تبریز که «اینجا شهر توست و روا نیست بجای دیگر روی، بیا و همت کن که یک گروه اقتصاد نیرومند در دانشگاه تبریز بسازی»، در آنجا آغاز به تدریس کرده بودم و در این اندیشه بودم با گرد آوردن استادانی از دانشکده‌های ادبیات، کشاورزی و فنی و جذب چند اقتصاددان خوب یک بخش اقتصاد پدید آورم.

در سال نخست، تنی چند از درس خوانده‌های چند دانشگاه معتبر در رشته‌های گوناگون وارد دانشگاه شده و پیش از طی مراحل اداری استخدام رسمی آغاز به تدریس کردند.

«تیمور بختیار» که در آن زمان رئیس «ساوک» بود، ریخت. اما شاه از طریق یک خرچین خصوصی و گویا چند نظامی آمریکایی، از آن طرح با خبر شد. در نتیجه «بختیار» که محبوبیتی نیز در میان مردم نداشت، بلافاصله از کار برکنار شد و اصلاحات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای انجام گرفت تا اوضاع را آرام و منتقدان را ساکت کند. آیا بار دیگر نخواستند بوند شاه را متوجه فوریت انجام کارهایی تازه در سیاست داخلی، برای تحکیم قدرت و رویارویی با دسیسه‌هایی که علیه‌اش کرده بودند، نمایند؟ دلیلی برای این امر ندارم، ولی به هر حال پرسشی شایسته پرسیدن است.

### مردی که زیاد می‌دانست

«ناصر مقدم» مردی بسیار درستکار و صدیق، پدری خوب برای خانواده‌اش - ویژگی که ایرانیان بسیار دوست داشتند - و در کار خود به حدی استثنایی حرفه‌ای بود. بی هیچ تردیدی او از کرختی، سکون و بی حرکتی شاه سرخورده شده بود. پس از ۱۲ فوریه ۱۹۷۹، «مهدی بازرگان» نخست وزیر «خمینی» از او خواست بر سر کار خود بماند. «مقدم» در دفتری کوچک و مبدل، که تابلو یک شرکت ساختمانی را بر درش نصب کرده بودند، چند روزی کوشید خسارتهای را در حد اقل نگاه‌دارد، و تشکیلاتی را که پاکسازی کرده و به‌راهی نوین انداخته بود، نجات دهد. اما اندکی بعد، به‌دستور شخص «خمینی»، دستگیر و کشته شد. او مردی بود که زیاد می‌دانست. هنگامی که روزنامه‌نگاران در مورد خبر قتل او از «بازرگان» پرسیدند، او گفت: من خبر قتل تیمسار را از رادیو شنیدم. رفتار «مقدم» را در چند هفته قبل از پایان کار، بسیاری از همکارانش تأیید می‌کنند و بر آن نقطه سؤال می‌گذارند. اطلاعات من آنقدر نیست که بتوانم در این مورد داوری کنم.

شاه با برکناری «نصیری» که فردی تنگ‌مايه، شهره بر بدی ولی حتی تا حد ناپیایی و بدون قید و شرط وفادار بود، به‌درستی می‌پنداشت اقدام سیاسی مهمی انجام داده است. رئیس تازه سازمان اطلاعات، مأموریت یافته بود آن مؤسسه را بازسازی و پاکسازی کند و به‌ویژه تماس و گفتگو با جامعه مدنی، روشنفکران، بازاریان و روحانیون را همچون زمان تیمسار «پاکروان» از سر گیرد و وجهه سازمان را بالا برد.

چند ماه پیش از آن، در سپتامبر ۱۹۷۷، شاه «امیراصلان افشار» را که سفیر کبیر بود، به‌ریاست کل تشریفات شاهنشاهی برگزید. به او مأموریت داده بود که آن تشکیلات را که از لحاظ استراتژیک - همچون سازمان امنیت، البته از جهاتی دیگر - اهمیت بسیار داشت، پاکسازی و سازماندهی کند. با آن که «هویدا» مدام به «افشار» توصیه می‌کرد با حذف مزایای اعضای خانواده سلطنتی، خود را با آنها درنیزاند، او این کار را انجام داد و موفق نیز شد. ساختار، روشهای کار و شیوه‌های روابط عمومی دربار یکسره دگرگون شد و زیاده‌رویهایی که به‌تأیید همگان به وجهه دربار لطمه می‌زد، حذف گردید. نتایج این اقدامات، کاملاً آشکار و محسوس بود. شاه می‌اندیشید که با تیمسار «مقدم» نیز می‌تواند همین تجربه را البته با ملامت، تکرار کند. ولی زمان کم بود و هیچ یک از اقدامات آمده در گزارش «مقدم»، جامه عمل نپوشید. اما به هر حال «محمدرضا شاه» با حسن نیت این اقدامات را صورت داده و به نتایج مثبت تصمیمات خود ایمان داشت. دولت به آزادسازی فضای سیاسی ادامه داد و ارتباطهایی هم با روحانیون برقرار شد. شاه گمان می‌کرد بحران را خنثی کرده است. اما او هنوز به ابعاد و سرچشمه خارجی پی نبرده بود.

(ادامه دارد)

از باج‌گیریهایی «اتاق اصناف» در زمان نخست وزیر «هویدا» (البته تأکید می‌کنم که «مقدم»، نخست وزیر پیشین را مردی مطلقاً درستکار و صادق می‌دانست)، فساد و بدکاری تیمسار «نصیری»، دلایل اصلی افزایش قیمت‌ها که به‌ویژه موجب نارضایتی بیش از پیش مردم طبقه متوسط می‌شد، و از نتایج فاجعه‌بار اختلاف با روحانیون که روز به‌روز بالا می‌گرفت. «مقدم» نتیجه‌گیری کرده بود که: «فوراً و بی هیچ وقفه» باید اقداماتی چشمگیر و قاطعانه برای مقابله با این اوضاع صورت گیرد.

از من خواست عقیده‌ام را در مورد آن یادداشتها بگویم. در یادداشتها لحنی خشن و عریان به‌کار گرفته شده و نامها به‌صراحت و بی هیچ پرده‌پوشی ذکر شده بود. و اینها چیزی نبود مگر مطالبی که پیش از آن، در دو گزارش دیگر، یکی از سوی گروه «بررسی مسائل ایران» که خود من ریاستش را داشتم، و دیگری از سوی ستاد کل ارتش آمده بود. در نگارش گزارش دوم، احتمالاً خود او نقشی ایفا کرده بود. هر دو گزارش، سه سال پیش از آن تسلیم شاه شده بود.

پس از خواندن گزارش، در حالی که به‌راستی تحت تأثیر قرار گرفته بودم، برخاستم و او را در آغوش گرفتم و گفتم: «به شما تبریک می‌گویم، ولی می‌دانید دارید چه خطری می‌کنید؟»

در پاسخ گفت: «می‌دانم. اکنون یک هفته است من و همکارانم، تهیه این گزارش را به‌پایان رسانده‌ایم. اما اگر خودم مستقیماً این را به علیحضرت بدهم، فوراً از کار برکنار می‌کنند و این حقایق را می‌پوشانند. من، مسؤولیت کامل این پرونده را برعهده می‌گیرم. اما آیا شما می‌خواهید یا می‌توانید آن را به اطلاع شهبانو برسانید (چند ماه پیش از آن، شاه مرا به ریاست دفتر شهبانو گمارده بود) و از ایشان بخواهید آن را به‌شاه بدهند؟ به این ترتیب من چند شاهد خواهم داشت. فوراً بپذیرفتم. یادداشت کوتاهی برای شهبانو نوشتم و به‌همراه گزارش، در پاکتی سربسته به‌وسیله پیک فرستادم. تیمسار اندکی پیش از سه بعد از ظهر مرا ترک کرد. چیزی پس از شش بعد از ظهر، شهبانو به من تلفن کرد:

«آیا پرونده‌ای را که برایم فرستاده‌اید، خوانده‌اید؟  
- البته، خود تیمسار از من خواست بخوانم و چون از محتوای آن آگاه شدم، فوراً برای علیحضرت فرستادم.  
- بسیار ترجیح می‌دادم شما از این مطالب اطلاع پیدا نمی‌کردید.

واقعیت این بود که پای برخی از «دوستان» و نزدیکان شهبانو، در یادداشتها به میان کشیده شده بود.  
- تیمسار از من خواست گزارش را بخوانم تا در موردش نظر بدهم. پس از خواندن، اندیشیدم وظیفه من است که آن را به حضور علیحضرت تقدیم کنم.  
- اما در این کاغذها چیزهایی است که به‌راستی بهتر بود از آنها بی‌خبر می‌ماندید.

بسیار متأسف شدم، و حتی امروز افسوس می‌خورم که با بیرحمی پاسخ دادم:  
- علیحضرت بدون شك نمی‌دانند که آنچه در این گزارش پیرامون برخی اشخاص آمده، یک دهم چیزهایی نیست که به‌درست یا غلط، مردم در محافل و قهوه‌خانه‌ها برای همدیگر بازگو می‌کنند.

شهبانو با خشونت تلفن را قطع کرد، ولی گزارش به شاه داده شد. تیمسار «مقدم» نه از کار برکنار شد و نه مورد سرزنش قرار گرفت. گمان می‌کنم آن نوشته دقیق و خشن، آشکارا در سال ۱۹۷۸ اختطاری از سوی آمریکاییان یا پاره‌ای از نظامیان آمریکایی به شاه بود که نگران دسیسه‌های بودند که در واشنگتن علیه ایران نطفه بسته و در حال کامل شدن بود. در زمان «کندی»، «کاخ سفید» طرح کودتایی را به‌وسیله

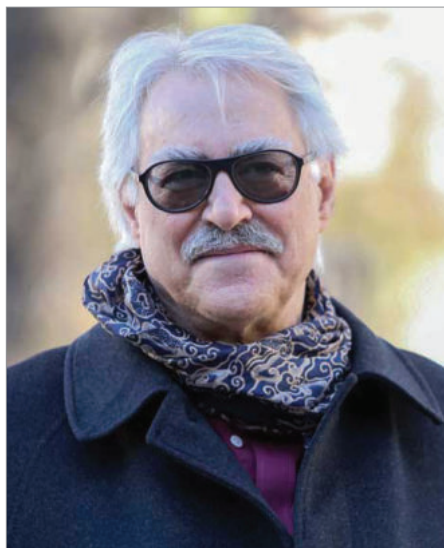
می‌زنند. طباطبائی برای سفری به پاریس آمد. در جمعی از مهتران فکری و سیاسی ایرانی در پاریس نظر خود درباره انتخابات را توضیح داد. امیدوار بود که محمد خاتمی اوضاع را بر خواهد گرداند و خود خاتمی به طباطبائی سخنی گفته بود بدین مضمون که «آنقدر نیرو آزاد می‌کنم که نفس‌شان بریده شود». از شعارها و وعده‌هایی سخن رفت که فضای تبزده انتخابات را سرشار کرده بود. از طباطبائی پرسیدم آیا او به راستی امیدوار است خاتمی چنان خواهد کرد که می‌گوید و او گفت آری. و من گفتم آیا فکر می‌کنی وی یا هر شخص دیگری می‌تواند در ذیل نظام «اسلامی» تبعیض میان زن و مرد، شیعه و سنی، و مسلمان و غیرمسلمان را- بر خلاف نص قرآنی- بردارد؟ که پاسخ او امیدوارانه بود ولی من موافق نبودم. بعدها نظر او تغییر کرد.

بعدها یکی دو سالی برای مطالعه و پژوهش در پاریس بود که مجال‌های گفتگوی بیشتری فراهم آورد. گاه به همراه دختر دوست داشتنی‌اش آراین به خانه ما می‌آمدند؛ به خاطر آراین همیشه سالاد میوه تهیه می‌کردیم که دوست می‌داشت.

طباطبائی در ایران و فرانسه و آلمان پیگیرانه به پژوهش و نگارش کتاب‌های ارزنده خود نظیر این خلدون و علوم اجتماعی، خواجه نظام‌الملک، دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران، امتناع تفکر، جدال قدیم و جدید، تأملی درباره ایران، مکتب تبریز و مبانی تجددخواهی، ملت، دولت و حکومت قانون، جدال قدیم و جدید در الهیات و سیاست، فلسفه ایرانی و فلسفه تطبیقی، زوال اندیشه سیاسی در ایران، تاریخ اندیشه سیاسی جدید، مفهوم ولایت فقیه، سقوط اصفهان به روایت کروسینسکی و ترجمه‌هایی از جمله متن کامل کتاب تاریخ فلسفه اسلامی از هانری گربن و آثار دیگر پدید آورد که بسیاری از آنها آذین‌بخش کتابخانه من است. او فلسفه سیاسی غرب را خوب می‌شناخت و رساله دکترای دولتی خود را در باب هگل نوشته بود. آشنائی او با سنت اسلامی نیز ریشه‌دار بود. او ایران را در دو لایه فرهنگ باستانی پیش از اسلام و هنجارهای پس از اسلام می‌شناخت و بر آن بود که ایران برخلاف دیگر کشورهای «اسلامی شده» بن‌مایه‌های فرهنگی باستانی خود را- گرچه به شکلی مخدوش- در ناخودآگاه فرهنگ ملی خود نگهداشته و از این رو با هیچ کشور اسلامی قیاس‌پذیر نیست. او درباره ملیت ایران، بر آن بود که ایران سده‌ها پیش از ابداع مفهوم «دولت-ملت» در اروپا، ملت بوده و در عین تکتب تبارها، زبان‌ها، قبیله‌ها و ایل‌ها، دین‌ها و سنت‌ها، واحد یگانه ملت ایران را پدید آورده است. او این فرهنگ پرمایه را فرهنگ ایرانی‌شهری می‌دانست که مرزهای آن از مرزهای جغرافیائی فراتر می‌رود. در باب زبان‌های دیگر ایران مانند ترکی، کردی، لری، بلوچی، ترکمنی و هر زبان دیگری که به مردم ایران تعلق دارد وی به جد باور داشت که همه این زبان‌ها و آثار ادبی آنها به گنجینه فرهنگی ایران تعلق دارند و باید در نگهداری و پرورش آنها کوشش کرده و در دانشگاه‌ها تدریس کنیم ولی زبان فارسی زبان مشترک فرهنگی ملت واحد ایران و حامل مفاهیم و پیوندهای فرهنگ ایرانی‌شهری است.

یاد این دوست نازنین و اندیشمند ارزنده و ایران‌دوست جاودانه خواهد ماند.

.....  
La politique et le politique\*



سیدجواد طباطبائی

دست به گریبان شده بودند! به دنبال این درگیری‌ها به فاصله کمتر از نیم ساعت فوج چند ده نفره‌ای از مردم کوچه و خیابان - که پیشاپیش تدارک شده بودند- وارد دانشگاه شدند. در میان آنان، چهره‌های شناخته شده‌ای از منحرفین جنسی میدان بارفروشان و بازار هم بودند که دختران و پسران دانشجو را به عنوان «طعمه جنسی» نگریسته و در پی دستمالی آنان بودند و بدینسان «انقلاب فرهنگی اسلامی» کلید خورد؛ اعضای تیم انقلاب فرهنگی معرفی شدند؛ درهای دانشگاه‌های سراسر کشور بسته شدند؛ جریان «پاکسازی‌ها و اخراج‌ها»، بازداشت‌ها، زندان‌ها و شکنجه‌ها و کشتارها سکه‌ی روز شد و در کمتر از سه سال ۸۸۰۰ استاد و ۵۷ هزار دانشجو تارومار شدند. «انقلاب فرهنگی»، ایلغار بردن یک فرهنگ مرده بود به کانون اندیشه مدرن.

با آغاز «انقلاب فرهنگی» همه آب‌ها از آسیاب افتاد و جریان‌های اداری استخدام استاد نیز متوقف شد و بدینسان دکتر طباطبائی هم در میان خیل دیگر نامزدان کار دانشگاهی بلاتکلیف و بدون حقوق رها گردید. وی از این فرصت استفاده کرد و برای تکمیل رساله‌اش به سوربن برگشت ولی من دو سال دیگر مانند تا زمانی که همه روزنه‌ها برای تدریس و پژوهش و چاپ کتاب مسدود شد و من نیز در فرصت محدودی که برای سفر به خارج پدید آمده بود کشور را اندوهگینانه رها کرده و به خارج آمدم. دیدار من با طباطبائی تا سال ۱۹۹۲ که من از سوئد به پاریس منتقل شدم به تعویق افتاد ولی در پاریس روابط ما نزدیکتر شد و او از دوستان خانوادگی ما شد. در حلقه نزدیک دوستان، او را «سید» خطاب می‌کردیم و او همواره با شوخ‌طبعی و مهربانی در جمع‌های خانوادگی حضور داشت. او از رساله دکترای دولتی خود در سوربن دفاع کرد و مدتی در پاریس ماند و پس از سالی چند به ایران برگشت. بودند روشنفکرانی که بازگشت او به ایران جمهوری اسلامی را دستمایه شامت گرفتند و عقده‌گشائی کردند.

در گرماگرم «انتخابات خرداد ۷۶» بود که حجت‌الاسلام سیدمحمد خاتمی نامزد ریاست جمهوری بود و مردم در این توهم که از بیغوله جمهوری اسلامی نقبی به اصلاح امور

→ یکی از این چهره‌ها سیدجواد طباطبائی بود که علوم سیاسی درس می‌گفت و در اندک مدتی در نزد دانشجویان، محبوبیت فراوان به دست آورد بطوری که کلاس‌های درس او با دانشجویان رشته‌های گوناگون پر می‌شد.

روزی از من دعوت کردند که در جریان «مصاحبه استخدامی» دکتر طباطبائی حاضر شوم. دعوت‌کننده یکی از استادان مبرز دانشگاه بود که عملاً - «و نه رسماً»- مدیریت گروه علوم اجتماعی را به دست داشت. پرسیدم «چه کسانی می‌خواهند با او مصاحبه کنند؟» این پرسش از آن رو بود که در تمامی گروه، کسی را نمی‌شناختم که صلاحیت علمی مصاحبه با طباطبائی را داشته باشد. پاسخ این بود که «اعضای گروه علوم اجتماعی!» نظر من این بود که برای مصاحبه علمی با وی باید استاد علم سیاست و فلسفه سیاسی داشته باشیم و شخص من هم صلاحیت ندارم ولی نظر وی این بود که «این یک تشریفات است». بهر تقدیر در جلسه حضور یافتم. مصاحبه با پرسشی از سوی همان استاد مبرز آغاز شد: «آقای دکتر ممکن است بفرومائید تفاوت میان لا پولیتیک و لو پولیتیک چیست؟» پرسشی که یک آماتور می‌تواند از یک نامزد استادیاری دانشگاه بپرسد! و سپس نوبت به دیگران رسید و من حس کردم «کفگیرها به ته دیگ خورده‌اند» و پرسش در خوری برمی‌خیزد! گفتم پیشنهاد «کفایت مصاحبه» را می‌کنم که بلافاصله مورد قبول واقع شد و قبولی طباطبائی پرونده شد تا به وزارت علوم گزارش شود.

بدینسان، تدریس طباطبائی در انتظار رسمی شدن استخدام وی ادامه یافت. یکی از روزها، انجمن‌های دانشجویی که پا گرفته بودند اعلامیه بزرگی در ورودیه دانشکده نصب کرده بودند که نام دکتر طباطبائی به همراه چهار نام دیگر به عنوان استادان محبوب و مورد درخواست به دیوار نصب شده بود و به دیگر استادان هشدار می‌داد که اگر به زودی خود را به حد آن پنج نفر نرسانند از ورود آنان به کلاس جلوگیری خواهند کرد!

این محبوبیت طباطبائی که او را برای دانشجویان به صورت محک ارزشیابی دیگر استادان درآورده بود، «حسادت» برخی از استادان را چنان برانگیخت که در جریان استخدام رسمی او «موش‌دوانی» آغازیدند و آنقدر قضیه را کش دادند که فاجعه تبهکارانه «انقلاب فرهنگی» بر دانشگاه‌های کشور فرود آمد و موضوع استخدام وی نیز منتفی شد.

نیمروز ۲۶ فروردین سال ۱۳۵۹ بود که من تدریس در کلاس برنامه‌ریزی اقتصادی را تمام کرده و راهی منزل بودم که در ورودی دانشگاه تبریز با جیب‌های حامل چند تن به همراه حجت‌الاسلام اکبر هاشمی رفسنجانی روبرو شدم. دانشگاه انتظار وی را نداشت و ظاهراً وی به دعوت گروهی از حزب‌اللهی‌ها برای ادای سخنرانی دعوت شده بود و یگراست به سوی تالار دانشکده پزشکی رفت.

من با مشاهده این صحنه به دانشگاه برگشتم. نیم ساعتی نگذشته بود که آشوب برخاست. گفته می‌شد دانشجویان چپ‌ی که هاشمی رفسنجانی را فردی دغل و صاحب املاک و چاه‌های عمیق می‌دانستند به حضور او در دانشگاه اعتراض کرده و خواسته بودند که وی به پرسش‌های آنان پاسخ دهد ولی وی گفته بود که تنها به پرسش‌های کتبی پاسخ خواهد داد و پرسش شفاهی مجاز نیست. سالن به آشوب کشیده شده و کسانی با یکدیگر





# انقلاب «زن» زندگی آزادی» در موزه هنرهای اسلامی اورشلیم

باخت. قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی نقطه آغاز انقلابی بود که به سراسر ایران گسترش یافت و از مرزهای این کشور نیز گذشت و جهانی شد. هشتگ #مهسا\_امینی در همان اولین روزهای این خیزش باشکوه از مرز ۳۰۰ میلیون گذشت و رکورد تاریخ توئیتر را شکست. اورلی کوهن که سال گذشته منتخبی از اشعار مهدی موسوی را با عنوان «میدان خون گرفته آرادی» به زبان عبری

ایرانی در داخل و خارج کشور در رابطه با انقلاب «زن» زندگی آزادی» است. این نمایشگاه که با عنوان «زن، زندگی، آزادی - پنج زن» دوم مارس (۱۱ اسفند) درهای خود را گشود و تا اول آوریل (۱۲ فروردین) ادامه خواهد یافت ۵۲ اثر از هنرمندان ایرانی به نمایش گذاشته شده است. آثار به نمایش درآمده در مورد پنج زن و میدان «آزادی» به عنوان نماد مبارزه برای گذر از جمهوری اسلامی و دستیابی به

● موزه هنرهای اسلامی اورشلیم در این روزها میزبان نمایشگاهی از کارهای ۵۲ هنرمند ایرانی داخل و خارج از کشور در رابطه با انقلاب «زن زندگی آزادی» است. ● کارهایی که در این نمایشگاه به نمایش گذاشته شده‌اند در رابطه با پنج زنی هستند که در مبارزات اخیر علیه حجاب اجباری و برای آزادی نقش داشتند: ویدا موحد، مهسا (ژینا) امینی، حدیث نجفی، غزل رنجکش و دختر



ترجمه و منتشر کرده است، در ادامه صحبت با کیهان لندن می‌گوید «ویدا موحد نیز که همه او را با نام «دختر خیابان انقلاب» می‌شناسند یکی دیگر از این پنج زن است.» ویدا موحد ۶ دی ۱۳۹۶ روسری سفیدی را بر سر شاخه‌ای کرده و روی سکوئی در خیابان «انقلاب» به اهتزاز درآورد. حرکتی که پس از بازداشت او حداقل ۲۹ زن دیگر نیز تکرار کردند. ویدا موحد، ۳۲ ساله و مادر یک دختر خردسال، به خاطر این حرکت به اتهام «تشویق مردم به فحشا و فساد» به یک سال زندان محکوم شد. حدیث نجفی دختر جوان ۲۳ ساله‌ای که در مهرشهر کرج به ضرب سه گلوله نیروهای سرکوب به قتل رسید نیز

آزادی در ایران است. اورلی کوهن پژوهشگر اسرائیلی ایرانی‌تبار که طراح و گزینشگر این آثار است به کیهان لندن می‌گوید «ما پنج زنی را که در مبارزات اخیر علیه حجاب اجباری و برای آزادی شرکت داشتند و نماد این مبارزات بودند انتخاب کردیم.» یکی از این پنج زن نمی‌توانست مهسا (ژینا) امینی نباشد. دختر جوانی که در جریان سفری از سقز به تهران روز ۲۲ شهریور در خروجی ایستگاه مترو به علت چند تار مو که از روسری‌اش بیرون زده بود توسط به اصطلاح پلیس امنیت اخلاقی بازداشت شد و سه روز بعد در بیمارستان کسری در پایتخت به خاطر ضرباتی که به سرش وارد شده بود جان

خردسال فرشته احمدی. ● در موزه هنرهای اسلامی اورشلیم، فیلم موزیکال «پایان شیرین» آرش سبحانی نیز که در مورد اعدام در جمهوری اسلامی است برای اولین بار در اسرائیل اکران خواهد شد. ● همزمان با روز جهانی زن، نشستی مجازی نیز با شرکت نازنین انصاری مدیرمسئول کیهان لندن و کیهان لایف و زهره میزراحی حقوقدان، با عنوان «زنان ایران بین اعتراض و انقلاب» برگزار خواهد شد. احمد رأفت - موزه هنرهای اسلامی اورشلیم در اسرائیل این روزها میزبان نمایشگاهی از کارهای هنرمندان معاصر



یکی دیگر از این پنج نهاد زنانه مبارزه علیه جمهوری اسلامی است. پزشکی قانونی در گواهی قتل حدیث نوشته است علت کشته شدن این دختر جوان «عملکرد وسایل جنگی در خارج از جنگ» است. مراسم چهلم حدیث نجفی نیز به درگیری میان شرکت کنندگان و تیراندازی نیروهای سرکوبگر به سمت آنان انجامید. حدیث قبل از مرگ در حساب کاربری‌اش در اینستاگرام نوشته بود «خیلی دوست دارم الان که دارم می‌رم، آخرش وقتی چند سال گذشت خوشحال باشم رفتم تظاهرات و همه چیز عوض شد.»

غزل رنجکش ۲۱ ساله دانشجوی حقوق در بندرعباس، ۲۴ آبان مورد اصابت گلوله‌های ساچمه‌ای قرار گرفت و یکی از چشمانش را از دست داد. غزل در حساب کاربری اینستاگرامش می‌نویسد «آدمی که روحش ضدگلوله است هیچی نمیتونه جلوی رشدش را بگیره». برای غزل «اما اگر این بهای آرزوی همه‌مون باشه، فدای سر همه‌مون.»

زن پنجم این نمایشگاه یک دختر ۷ ساله با نام باوان است. شیون او بر خاک مادرش، فرشته احمدی ۳۲ ساله، که ۷ آبان با گلوله‌ای که به سینه‌اش اصابت کرد به قتل رسید، یکی از تکان‌دهنده‌ترین ویدئوهای این انقلاب است که روزهای متمادی در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شد.

در کنار نمایش آثار هنرمندان ایرانی در موزه هنرهای اسلامی اورشلیم، فیلم موزیکال «پایان شیرین» آرش سبحانی نیز که در مورد اعدام در جمهوری اسلامی است و از حمایت «سازمان حقوق بشر ایران» نیز برخوردار است برای اولین بار در اسرائیل اکران خواهد شد.

همزمان با برگزاری این نمایشگاه دو نشست نیز برنامه‌ریزی



شده است. اولین نشست به صورت مجازی همزمان با روز جهانی زن، ۸ مارس با شرکت نازنین انصاری مدیرمسئول کیهان لندن و کیهان لایف و زهره میزراحی حقوقدان و از مشاوران «حزب مشروطه ایران - لیبرال دمکرات»، با عنوان «زنان ایران بین اعتراض و انقلاب» برگزار خواهد شد.

در نشست دوم با عنوان «داستان واقعی ملکه استر» تامار ایلام گندین ایران‌شناس و مایان اشکولی روزنامه‌نگار صحبت خواهد کرد.

موزه هنرهای اسلامی اورشلیم در سال ۲۰۱۶ میلادی نیز نمایشگاه دیگری که ۶۰ پوستر از ۲۷ گرافیک‌ساز ایرانی را در بر می‌گرفت با عنوان «نشانی از ایران» برگزار کرده بود.

توافق پنهان جمهوری اسلامی و روسیه:

## احتمال بازگرداندن اورانیوم غنی‌شده به ایران از روسیه در صورت عدم «احیای برجام»



یک بشکه حاوی «کیک زرد» که توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مهر و موم شده است در تأسیسات غنی‌سازی اصفهان در حضور بازرسان آژانس جایجا می‌شود (۸ اوت ۲۰۰۵) عکس: Getty Images

گزارش‌های اطلاعاتی محرمانه که ادعا شده اظهار نظر نخواهیم کرد، اما در هر صورت برجام ماه‌هاست در دستور کار قرار نگرفته است.»

ربکا کوفلر تحلیلگر سابق آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا، می‌گوید: «برای من منطقی است که آنها با این نوع معامله جانبی توافق کنند.» او می‌افزاید: «تا جایی که دانش من از دکتربین روسیه و تجارت دولتی اجازه می‌دهد، روس‌ها در این ارتباط یک بازی دوگانه دارند. از یکسو، آنها نمی‌خواهند ایران سلاح هسته‌ای داشته باشد. از سوی دیگر، خواهان استفاده از کمک‌های ایران هستند... به ویژه در جنگ اوکراین.»

کوفلر همچنین می‌گوید: «روس‌ها سعی می‌کنند به ایرانی‌ها نشان دهند که مانند برنامه هسته‌ای غیرنظامی ایران به آنها کمک خواهند کرد. در عین حال آنها ممکن است بخواهند آمریکا را برای انجام این توافق تحت فشار قرار دهند. این فقط بخشی از محاسبات استاندارد پوتین برای بازی با حریفان است.»

رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پس از بازگشت از تهران در یک کنفرانس خبری گفت، «بر سر اعزام تیمی به ایران، راه‌اندازی دوباره تجهیزات نظارتی و افزایش ۵۰ درصدی بازرسی در سایت فُردو» توافق شده اما مقامات رژیم ایران این سخنان را تکذیب کردند.

از اواسط سال ۱۳۹۴ همزمان با توافق برجام مقرر شد روس‌ها اورانیوم غنی‌شده ایران را به قزاقستان منتقل کنند. در ایران آنانکه منافع حکومت را در معامله با آمریکا می‌دانند از جمله حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس سابق کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی معتقدند روس‌ها چه در مورد برجام و فعالیت‌های اتمی و چه در مورد جنگ اوکراین جمهوری اسلامی را بازی دادند.

● منابع اطلاعاتی آگاه از مذاکرات میان مسکو و تهران به فاکس‌نیوز گفته‌اند ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه موافقت کرده در صورت شکست مذاکرات، ذخایر اورانیوم را که بر اساس برجام از ایران به روسیه منتقل شده است بازگرداند.

● ربکا کوفلر تحلیلگر سابق آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا، می‌گوید: «برای من منطقی است که آنها با این نوع معامله جانبی توافق کنند.» او می‌افزاید: «تا جایی که دانش من از دکتربین روسیه و تجارت دولتی اجازه می‌دهد، روس‌ها یک بازی دوگانه دارند. از یکسو، آنها نمی‌خواهند ایران سلاح هسته‌ای داشته باشد. از سوی دیگر، خواهان استفاده از کمک‌های ایران هستند... به ویژه در جنگ اوکراین.»

در شرایطی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تأسیسات فُردو آثار اورانیوم با غلظت ۸۴ درصد کشف کرده است «فاکس نیوز» به نقل از منابع آگاه خارجی گزارش داد که رژیم ایران به صورت مخفیانه با روس‌ها توافق کرده در صورت شکست مذاکرات «احیای برجام» اورانیوم انباشده خود در روسیه را از آن کشور پس‌گیرد.

منابع اطلاعاتی آگاه از مذاکرات میان مسکو و تهران به فاکس‌نیوز گفته‌اند ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه موافقت کرده در صورت شکست مذاکرات، ذخایر اورانیوم را که بر اساس مفاد برجام از ایران به روسیه منتقل شده است بازگرداند.

این منبع به فاکس‌نیوز می‌گوید: «به عنوان بخشی از توافق میان دو کشور، روسیه متعهد شده اگر آمریکا به هر دلیلی توافق هسته‌ای با ایران را ترک کند، تمام اورانیوم غنی‌شده را در اسرع وقت به ایران بازگرداند.» سخنگوی وزارت خارجه آمریکا می‌گوید: «ما در مورد

## ارسال تسلیحات نظامی جمهوری اسلامی برای روسیه جنگ علیه اوکراین را طولانی تر می کند



علی خامنه‌ای در جمع شماری از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران و ارتش

افزایش است.»

دلیل تأمین پهپادهای روسیه در جنگ اوکراین محکوم می‌کند و وعده داده‌اند با تمام توان با انتقال محموله‌های نظامی از ایران به روسیه مقابله کنند اما در پشت درهای بسته، همین مقامات اذعان می‌کنند که هیچ راه واقع‌بینانه‌ای برای جلوگیری از ورود تجهیزات نظامی ایران به روسیه وجود ندارد.

یکی از مقامات ارشد اروپای شرقی که موضوع را پیگیری می‌کند، گفت: «متأسفانه بجز تحریم‌ها کاری که می‌توانیم انجام دهیم تا این اتحاد شوم را متوقف کنیم محدود است.»

این پرسش که واشنگتن و متحدانش آیا می‌توانند اقدامی برای مختل کردن همکاری میان مسکو و تهران انجام دهند یا نه، آزمون برای تسریع در پایان دادن به جنگ اوکراین است. ضرورت این کار قطع رگ‌های تغذیه روسیه با تأمین‌کنندگان خارجی سلاح از جمله رژیم ایران، بلاروس، کره شمالی و احتمالاً چین است.

در حال حاضر، مقامات ایالات متحده و ناتو و کارشناسان مستقل می‌گویند که حمایت نظامی ایران از روسیه برای تغییر روند جنگ به نفع روسیه کافی نخواهد بود، اما به طولانی‌تر شدن جنگ و افزایش تلفات منجر می‌شود.

در ادامه این گزارش آمده سرعت پیشروی همکاری‌های نظامی بین مسکو و تهران می‌تواند به نیروهای روسیه در موارد خاص در میدان نبرد برتری داده و به روسیه اجازه دهد تا زیرساخت‌های غیرنظامی اوکراین را با پهپادهای انتحاری ساخت ایران هدف قرار دهد.

یک مقام ناتو می‌گوید: «اینطور نیست که ایران پایگاه صنعتی نظامی عظیمی دارد که می‌تواند ناگهان آغاز به کار کند. اما آنها زیرساخت صنعتی آن را دارند و می‌توانند تجهیزات نظامی نسبتاً پیشرفته‌ای بسازند و اکنون می‌توانند آنها را برای روس‌ها نیز بفروشند در حالیکه هر حمایت مضاعفی از روسیه بد است.»

تا همین اواخر، بیشتر تمرکز اتحادیه اروپا روی برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی بود و نه فعالیت‌های نظامی برون‌مرزی سپاه پاسداران اما دولت‌های اروپایی بطور جدی از اقدام رژیم ایران برای تأمین پهپادهای روسیه علیه اوکراین نگران شده‌اند.

لندنبرگیس که اخیراً با مقامات اسرائیل دیدار کرده است می‌گوید، «مذاکرات بسیار جدی در بروکسل در مورد تعیین سپاه به عنوان یک سازمان تروریستی در حال انجام است.»

او افزود: «توافق بر سر این تصمیم رو به افزایش است. مسائل عملی و حقوقی وجود دارد که باید حل شود، اما فکر می‌کنم که ممکن است به این تصمیم برسیم.»

کمتر از یک ماه پیش از این، پارلمان اروپا از نهادهای اجرایی اتحادیه اروپا خواست تا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به عنوان یک سازمان تروریستی معرفی کند. لندنبرگیس گفت که در سفر اخیر خود به اسرائیل، «از همتایان اسرائیلی خود خواسته است تا به اوکراین کمک نظامی کنند... به ویژه در مورد مقابله با پهپادهای جمهوری اسلامی.»

وزیر خارجه لیتوانی گفت که در سفر خود به اورشلیم با اسحاق هرتزوگ رئیس جمهوری و الی کوهن وزیر امور خارجه اسرائیل جلسه داشته است.

نشریه «فارین پالیسی» (مسائل بین‌المللی) به نقل از پنج مقام آمریکایی و ناتو گزارش داد، جمهوری اسلامی قراردادهای نظامی جدیدی با روسیه بسته که می‌تواند جنگ در اوکراین را طولانی‌تر کند و راه‌های حیات اقتصادی و دفاعی جدیدی را برای دور زدن تحریم‌ها پیش روی تهران قرار دهد. این قراردادهای همدستی نظامی رژیم ایران و روسیه را دو برابر می‌کند.

مقامات بلندپایه آمریکا و متحدانش، رژیم ایران را به

● گابریلیوس لندنبرگیس وزیر خارجه لیتوانی به آکسیوس گفت: «اتفاق نظر کشورهای عضو اتحادیه اروپا درباره تروریست شناخت سپاه به دلیل حمایت نظامی آن از روسیه در جنگ اوکراین در حال افزایش است.»

● لندنبرگیس گفت که در سفر اخیر خود به اسرائیل، از همتایان اسرائیلی خود خواسته است تا به اوکراین کمک نظامی کنند... به ویژه در مورد مقابله با پهپادهای جمهوری اسلامی.»

● نشریه «فارین پالیسی» به نقل از پنج مقام آمریکایی و ناتو گزارش داد، جمهوری اسلامی قراردادهای نظامی جدیدی با روسیه بسته که می‌تواند جنگ در اوکراین را طولانی‌تر کند و راه‌های حیات اقتصادی و دفاعی جدیدی را برای دور زدن تحریم‌ها پیش روی تهران قرار دهد. این قراردادهای همکاری نظامی رژیم ایران و روسیه را دو برابر می‌کند.

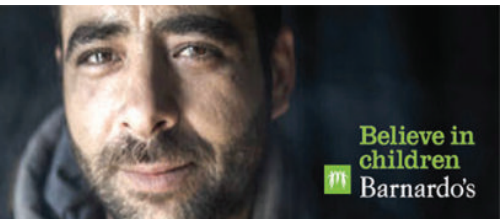
● مقامات ارشد آمریکا و ناتو می‌گویند سرعت پیشروی همکاری‌های نظامی بین مسکو و تهران وضعیت جنگ را به نفع روسیه تغییر نمی‌دهد اما می‌تواند به نیروهای روسیه در موارد خاص در میدان نبرد برتری داده و به روسیه اجازه دهد تا زیرساخت‌های غیرنظامی اوکراین را با پهپادهای انتحاری ساخت ایران هدف قرار دهد.

در شرایطی که شنیده می‌شود در اتحادیه اروپا توافق بر سر قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی بیشتر شده، مقامات آمریکایی و شماری از مقامات ناتو می‌گویند همکاری‌های نظامی روسیه و جمهوری اسلامی از جمله در اوکراین رو به افزایش است.

گابریلیوس لندنبرگیس وزیر خارجه لیتوانی سوم مارس (۱۲ اسفند) به آکسیوس گفت: «اتفاق نظر کشورهای عضو اتحادیه اروپا درباره تروریست شناخت سپاه به دلیل حمایت نظامی آن از روسیه در جنگ اوکراین در حال

**Boloh** مشاوران سازمان کمک‌دهنده  
با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:  
**۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵**  
تماس بگیرید.



Believe in  
children  
Barnardo's



## ایران در رتبه پنجم از آخر در رده‌بندی بانک جهانی درباره قوانین کسب و کار زنان

● ایران با کسب امتیاز ۳/۳۱ (از صد امتیاز)، بعد از نوار غزه، یمن، سودان و قطر بدترین وضعیت را از لحاظ قوانین مربوط به کسب و کار زنان در جهان دارد.

● گزارش بانک جهانی نشان می‌دهد زنان هنوز سه چهارم حقوق قانونی مردان را دارند و حدود ۴/۲ میلیارد زن در سن کار هنوز از حقوق قانونی برابر با مردان برخوردار نیستند.

● میزان مشارکت اقتصادی در ایران در تابستان امسال ۴۱ درصد گزارش شده که سهم زنان از آن تنها ۷/۱۳ درصد است. در تازه‌ترین گزارش بانک جهانی درباره «زنان، تجارت و قانون»، ایران در رتبه پنجم از آخر در بین ۱۹۰ کشور جهان قرار گرفته است.

گزارش سالانه «زنان، تجارت و قانون» بانک جهانی نشان می‌دهد ایران از نظر وضعیت کسب و کار و مشارکت اقتصادی در قعر جدول رده‌بندی قرار دارند. این گزارش همچنین به اعتراضات زنان ایرانی برای رهایی از تبعیض جنسیتی و داشتن حقوق برابر با مردان در ماه‌های گذشته اشاره کرده است.

در این رده‌بندی ایران با کسب امتیاز ۳/۳۱ (از صد امتیاز)، بعد از نوار غزه، یمن، سودان و قطر بدترین وضعیت را از لحاظ قوانین مربوط به کسب و کار زنان در جهان دارد. میانگین جهانی امتیاز «زنان، تجارت و قانون» در سال ۲۰۲۲ از صد امتیاز، ۱/۷۷ شده که تنها نیم امتیاز بیشتر از سال قبلش بوده است.

امتیاز صد را در قوانین مربوط به کسب و کار، ۱۴ کشور از جمله فرانسه، آلمان، یونان، ایسلند، ایرلند، هلند، پرتغال، اسپانیا و سوئد کسب کرده‌اند و به این معنی است که زنان این کشورها در تمامی زمینه‌های اندازه‌گیری شده، موقعیت حقوقی برابری با مردان دارند.

بانک جهانی تأکید کرده که ایران در قوانینی که دستمزد را تحت تأثیر قرار می‌دهد امتیاز ۵۰ را دارد، در قوانینی که بر شغل زنان پس از بچه‌دار شدن اثر می‌گذارد ۶۰، در کارآفرینی ۷۵ و در تبعیض جنسیتی در تقسیم اموال و ارث ۸۰ امتیاز کسب کرده است.

در این گزارش تأکید شده است که عاملیت زنان از طریق آزادی پویایی، نخستین گام به سمت توانمندسازی اقتصادی است و اشاره می‌کند که محدود کردن تحرک فیزیکی زن، اغلب به عنوان راهی برای تضمین امنیت او توجیه می‌شود. در ادامه گزارش آمده که ۵۵ کشور در سطح جهان با اعمال محدودیت‌ها مانع از «پویایی زنان» می‌شوند و جمهوری اسلامی و سودان جنوبی در شاخص تحرک زنان،

امتیاز صفر گرفته‌اند. قوانین محدودکننده آزادی سفر، قوانین محدودکننده آزادی تعیین محل کار و محدودیت‌های قانونی مربوط به ازدواج سه بخشی بودند که ایران در آنها امتیاز صفر گرفته است.

در قوانین فقهی جمهوری اسلامی اجازه زنان در مواردی چون سفر، اجازه کار یا تعیین محل زندگی در دست پدر و پس از ازدواج همسر است. در سال‌های گذشته در مواردی همسران ورزشکاران زن با ممنوع الخروج کردن آنها مانع از حضور این ورزشکاران در عرصه رقابت‌های بین‌المللی شدند. اعتراضات درباره قوانین متحرکی که در حوزه زنان وجود دارد سبب افزودن تبصره‌هایی به این قوانین شده است. برای نمونه زنان می‌توانند با ثبت شکایت در قوه قضاییه مواردی چون ممنوع الخروجی را با دستور قاضی لغو کنند اما این پروسه زمان‌بر و دارای تبعاتی برای زنان در خانواده است.

بانک جهانی شاخص‌های دیگری را نیز بررسی کرده که ایران در آنها هم امتیازهای پایینی کسب کرده است. ایران در پنج شاخص دیگر شامل قوانین تبعیض‌آمیز جنسیتی در دریافت دستمزد امتیاز ۵۰، قوانین حمایتی از زنان شاغل بعد از بچه‌دار شدن امتیاز ۶۰، محدودیت‌های کارآفرینی امتیاز ۷۵، تبعیض در اموال و ارث امتیاز ۸۰، و قوانین مؤثر بر میزان مستمری زنان امتیاز ۲۵ دریافت کرده است.

بطور کلی گزارش بانک جهانی نشان می‌دهد زنان هنوز سه چهارم حقوق قانونی مردان را دارند و حدود ۴/۲ میلیارد زن در سن کار هنوز از حقوق قانونی برابر با مردان برخوردار نیستند. در این میان اما برخی کشورهای خاورمیانه که سال‌ها در گزارش‌های مشابه بانک جهانی در رده کشورهای با امتیاز پایین در زمینه «زنان، تجارت و قانون» به شمار می‌رفتند توانسته‌اند با بازنگری در قوانین رتبه خود را ارتقا ببخشند.

برای مثال بحرین در سال گذشته میلادی اصلاحات مثبتی در حوزه قوانین بانزشتستگی انجام داد و به موجب این اصلاحات نه تنها سن بانزشتستگی زنان و مردان یکسان شد، بلکه زنان و مردان بحرینی از مزایای بانزشتستگی یکسانی نیز برخوردار شدند. عراق نیز با ممنوع اعلام کردن اعمال تبعیض جنسیتی در ارائه خدمات مالی، توانست در سال ۲۰۲۲ اصلاحاتی به نفع برابری جنسیتی به اجرا درآورد.

در این گزارش تأکید شده است که عاملیت زنان از طریق آزادی پویایی، نخستین گام به سمت توانمندسازی اقتصادی است و اشاره می‌کند که محدود کردن تحرک فیزیکی زن، اغلب به عنوان راهی برای تضمین امنیت او توجیه می‌شود. قوانین تبعیض‌آمیز در ایران سبب کاهش مشارکت اقتصادی

زنان و افزایش نرخ بیکاری آنها شده است. فاطمه مقیمی رئیس کانون زنان بازرگان ایران اول اسفندماه طی سخنانی با تأکید بر لزوم تغییر نگرش جنسیتی در جامعه گفته بود: «بر اساس گزارش دیده‌بان جهانی، میزان کارآفرین بودن بستگی به خودباوری، تحصیلات، شغل، میزان سرمایه اولیه و مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی دارد. بنابراین اگر بخواهیم زنان در کارآفرینی نقش داشته باشند، ابتدا باید تغییر فرهنگی صورت گیرد و تضادهای موجود میان حضور فعال زنان در جامعه و دیگر نقش‌های آنان در خانواده از بین برود.»

فاطمه مقیمی افزوده بود که «بر اساس بیانیه مرکز آمار ایران، بیکاری زنان در ایران سه برابر میزان بیکاری زنان در جامعه جهانی است. متأسفانه شاغلان زن در ۱۸ سال اخیر ۲۸۱۰۰۰ نفر کاهش داشته‌اند. نرخ مشارکت اقتصادی، یعنی نسبت جمعیت فعال شاغل و بیکار به کل جمعیت ۱۵ سال به بالای زنان که اجازه کسب و کار دارند، در سال ۱۳۸۴، ۱۷ درصد بوده و در بهار ۱۴۰۱ به ۷/۱۳ درصد رسیده است. یعنی از ۳۱ میلیون و ۷۸۳ هزار نفر زنان بالای ۱۵ سال، تنها ۴ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر جمعیت فعال هستند و این به معنای عدم استفاده از بخش قابل توجهی از پتانسیل کشور برای افزایش توان اقتصادی است.»

پیشتر نیز مرکز آمار ایران در گزارشی اعلام کرده بود که «میزان اشتغال خالص در تابستان سال جاری نسبت به سال گذشته، ۳۷۳ هزار نفر افزایش یافته است. سهم زنان از این افزایش، حدود ۱۱۴ هزار نفر (تقریباً ۳۰ درصد) اعلام شده است. میزان مشارکت اقتصادی نیز در تابستان سال جاری ۴۱ درصد گزارش شده که سهم زنان از آن تنها ۱۳/۷ درصد است. آمار سال‌های قبل هم بهتر از این ارقام نیستند. نرخ مشارکت اقتصادی از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ (قبل از شروع همه‌گیری ویروس کرونا) برای مردان حدود ۶۴ درصد و برای زنان ۱۴ درصد تخمین زده شده است. نرخ مشارکت اقتصادی زنان ایرانی نسبت به متوسط جهانی بسیار پایین‌تر است.»

طبق گزارش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و همچنین مرکز آمار ایران، در حالی که نرخ NEETها (مخفف: بی‌تحصیل، بی‌کار، بی‌ مهارت) برای مردان ایرانی بین سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ حدود ۱۵ تا ۱۷ درصد بوده، در بین زنان این نرخ از ۴۷ درصد در سال ۱۳۹۴ به ۳۹ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است. آمارهای سال ۱۴۰۰ تعداد زنان در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال را ۵ میلیون و ۹۰ هزار نفر تخمین زده‌اند که از این تعداد یک میلیون و ۹۸۵ هزار نفر از آنها جزء جمعیت NEETها هستند.

## مهین میلانی و «صدرالدین الهی دستم بگرفت و پا به پا برد...»



● مهین میلانی در کتابی که به تازگی به دست چاپ سپرده است، علاوه بر خاطرات خودش از دکتر صدرالدین الهی، به مصاحبه‌های این روزنامه‌نگار برجسته با سیدضیاء، نادر نادرپور و پرویز خانلری پرداخته و نیز اشاره‌ای دارد به گفتگوی طولانی کیهان لندن با صدرالدین الهی که در سال ۱۳۷۹ انجام و منتشر شد.

مهین میلانی نویسنده و مترجم به تازگی کتابی به چاپ رسانده به نام «صدرالدین الهی دستم بگرفت و پا به پا برد...» که «شرکت کتاب» در آمریکا آن را در فوریه ۲۰۲۳ منتشر کرده است. بخشی از این کتاب به خاطرات نویسنده از دکتر صدرالدین الهی نویسنده و روزنامه‌نگار فقید بر می‌گردد که سال‌ها با مؤسسه کیهان پیش از انقلاب و پس از آن با کیهان لندن همکاری داشت و از نخستین استادان دانشکده خبرنگاری و علوم ارتباطات در ایران بود که آن نیز به ابتکار مؤسسه کیهان تأسیس شده بود.

مهین میلانی در این کتاب همچنین به مصاحبه‌های صدرالدین الهی با سیدضیاء، نادر نادرپور و پرویز خانلری پرداخته و نیز اشاره‌ای دارد به گفتگوی طولانی کیهان لندن با این روزنامه‌نگار برجسته که در مهر ۱۳۷۹ انجام شد. صدرالدین الهی ۸ دی ۱۴۰۰ در سن ۸۷ سالگی در کالیفرنیا درگذشت. بخش‌هایی از کتاب «صدرالدین الهی دستم بگرفت و پا به پا برد...» در اختیار کیهان لندن قرار گرفته است که در ادامه می‌خوانید.

\*\*\*\*\*

در ماجرای دعوت فدراسیون فوتبال کانادا از تیم ملی فوتبال ایران در ونکوور به تاریخ مه ۲۰۲۲، خبرنگاری که نامش را ذکر نکرده‌اند در شهر «سنت جان» میان پرسش سؤال‌هایش از جاستین تروود نخست وزیر کانادا می‌گوید کسانی که عزیزانشان را در سقوط هواپیمای اوکراین به کانادا در ایران از دست دادند این بازی فوتبال را «یک سیلی به چهره» قلمداد کرده‌اند. در اینجا آنچه مد نظر هست اینکه همین یک اشاره‌ی کوتاه و موجز ماجرا را به بسیاری از رسانه‌های کانادایی می‌کشاند. در پاسخ این خبرنگار تروود گفت که این انتخاب فوتبال کانادا کار خیلی درستی نبوده است. و بعد از مدتی کوتاه شهردار ونکوور این دعوت را نادرست اعلام کرد و سپس دبیر حزب «ان دی پی».

این مبحث را در آغاز این نوشتار می‌آورم تا اهمیت تیزبینی و وقت‌شناسی و موقعیت‌شناسی یک روزنامه‌نگار را در جهان امروز که بجز معدود روزنامه‌های دنیا اغلب کپی و تکرار و تلگرافی است بیان دارم. بیان نکته‌ای که دیگر نه بازی فوتبال بلکه شرایطی را که اشغالگران آخوند در چهل و اندی سال در ایران به وجود آوردند، در مرکز حرف‌ها در کانادا قرار بدهد. و بیان این مطلب جهت ابراز واقعیت وجودی یک روزنامه‌نگار، دکتر صدرالدین الهی، است که ما به تازگی از دستش داده‌ایم؛ اویی که نه تنها یکی از بانیان اساسی روزنامه‌نگاری مدرن در ایران بود چرا که خودش مدرن بود، نه تنها با شناخت ویژگی‌های هر کدام از شاگردانش می‌دانست چگونه آنها را هدایت کند، بلکه در کنار گزارش‌های جنگ الجزایر، در کنار تأسیس کیهان ورزشی، و در کنار پاورقی‌هایش، مصاحبه‌هایی انجام داده است که فقط یک روزنامه‌نگار تیزبین که تاریخ و ادبیات و شعر ایران را خوب می‌شناسد می‌تواند به‌موقع به آن فکر کند و از پس آن برآید. و روزنامه‌نگاری که می‌داند حقیقت

حرف‌هایی که در آغاز ورود خمینی و از آخرین مصاحبه‌ی شاه می‌زند و چند مطلب پراکنده‌ی دیگر اغلب از دوران نیمه‌ی اول است. بیشتر کارهای آن دوران و خاطرات زندگی کودکی و جوانی‌اش را بازنشر می‌کند و سپس آنها را به صورت کتاب‌هایی مجلد زیر چاپ می‌برد. همانگونه که مصاحبه‌هایش را. انگار در نیمه‌ی دوم هیچ چیز جالبی وجود ندارد که طرح شود. زندگی همه در آن گذشته‌ی نوستالژیک است. خلأ نبوده، پر بوده است از زیبایی‌هایی که دیگر نیست.

\*\*\*

در یکی از آخرین مصاحبه‌ها با صدرالدین الهی، وی حرفی را که بارها زده بود در برابر سؤال «اکنون چه می‌خواهید از زندگی؟» یا «آیا حسرتی در زندگی دارید؟» باز تکرار می‌کند: «حسرت؟ هیچی. زندگی‌م را کرده‌ام، ناراضی نبودم و ناراضی هم نیستم. من همیشه این شعر سعدی را مثال می‌آورم که می‌گوید: «وطن آنجاست کآزای نباشد/ کسی را با کسی کاری نباشد». هر جا که تو توانستی به خودت برسی و تنها باشی و در این تنهایی به جمع فکر کنی، همانجا وطن ما است» (مجله هفته و مصاحبه به مناسبت درگذشت خانلری). به نظر این ادعا در تناقض است با آن زندگی نیمه‌ی اول که قرار می‌نمود و تنهایی فقط شاید هنگام مطالعه معنا داشت. اما دکتر صدرالدین هیچگاه در پاسخ کم نمی‌آورد. و البته که اعتقاد داشت به آن کاری که می‌کرد حتی اگر دست سرنوشت وادارش کرده بود. در واقع مگر نه اینست که به نوعی تمام زندگی را سرنوشت جلوی پایت می‌گذارد از زمانی که به این دنیا ناخواسته پرتاب می‌شوی به جایی که خودت تصمیم نگرفته‌ای و به راهی می‌روی که خانواده و جامعه و فرهنگ تو را به آنجا می‌کشند و حوادث و فجایع و تراژدی‌ها نیز تو را هل می‌دهند که درجهایی قرارگیری که گمان می‌کنی خودت اراده کرده‌ای.

\*\*\*

را باید از منبع اصلی و با دانش و حکمت یافت. ببینید دکتر الهی خود چگونه حرفه‌اش را توصیف می‌کند: «روزنامه‌نویسی، یعنی ایستادن بر سر شط تاریخ و با قلاب هشیاری ماهی چاق و چله‌ی حادثه را صید کردن. خوب به آن خیره شدن، رنگ و شکل و حالش را به خاطر سپردن و آنگاه او را در آن شط دوباره رها کردن و به سراغ ماهی بعدی رفتن. به خاک انداختن این ماهی کار بازار است یا آنها که می‌خواهند از این راه در بستر تاریخ به طرز محیرالعقولی با جیمی و تارزان و کلتوپاترا و ایاز و اصغر قاتل و حوریان بهشت هم‌بستر شوند.»

صدرالدین الهی با کسانی مصاحبه کرده است که فقط ذکر نام‌شان سبب می‌شود خیلی آدم‌ها کبیر بزنند. زیرا مصاحبه‌شوندگان حرف‌هایی زده‌اند که گاهی خلاف باورهای متعارف است و تهمت‌های عداوت‌جویانه‌ی بدین سبب بار آنها کرده‌اند. باورهایی که یا جانبدارانه‌اند و یا از روی ناآگاهی. از جمله مصاحبه با سیدضیاء طباطبائی که خود را مرد اول کودتای ۱۳۹۹ می‌داند با شواهد بی‌روبرگردی که نشان می‌دهد. این کودتایی‌ست که رضاحان قزاق را رضاشاه کرد؛ مصاحبه با نادر نادرپور مخالف سرسخت «شعر متعهدانه‌ی دروغین» که در آن جلال آل احمد و براهنی و شاملو و مجله‌ی فردوسی عباس پهلوان را عناصر اصلی آن می‌داند؛ و مصاحبه با پرویز ناتل خانلری که نیما را علی‌رغم تشخیص درستش در مشکل شعر کلاسیک یک شاعر الکن می‌نامد.

\*\*\*

هیچگاه اما دکتر الهی نخواست به ایران برگردد. می‌گفت می‌دانم خیلی چیزها بدجوری تغییر کرده‌اند و من نمی‌خواهم آن خاطرات خوب را از دست بدهم. در واقع صدرالدین الهی نیمه‌ی دوم زندگی‌اش را نیز نه در کالیفرنیا که در ایران زندگی کرده بود. به آثارش در تبعید اگر نگاه کنیم همه یادآور آن خاطرات است و بجز چند مطلب و از جمله



کارد کشته می‌شود تا راز عوامل اصلی با خود قاتل به زیر گور رود. و این هنوز راز است که در پس آن قبل از هر چیز می‌بایست به فرهنگی اشاره داشت که حذف حرف اول را می‌زند. و اگرچه سیاستمداران قدری در سمت صدراعظم شاه جوان را رهنمون بودند اما فضا خالی است از آن زاویه دیدی که همگان را گرد هم آورد و وحدتی متکثر فراهم سازد. تلاش ساعد برای اینکه چینی‌های ترک خورده را بند بزند فقط گاهی بطور موقت می‌توانست کارآ باشد. و این یادگاریست از آن نسل‌ها که همچنان به نسل‌های بعد نیز منتقل شده است. و اما اینجا این «کر و کور» به گفته‌ی خود دکتر صدرالدین الهی که نتوانسته بود به این دلیل نه به نیروی دریایی راه یابد و نه بازیگر شود، چه با چشم و گوش باز نمایی تحویل می‌دهد با ارکستراسیون سازهایی که هرکدام یک ساز می‌زنند. یک کس لازم تا آن را در یک سریال مانند دایی جان ناپلئون به رشته کشد این بخش‌های مهم تاریخ ما را که دکتر الهی فشرده و جامع خطوط اساسی‌اش را اینهمه زنده ترسیم کرده است. در مصاحبه با سیدضیاء طباطبائی، وی بسیار صریح و نترس است و صدرالدین الهی آگاه است از تاریخی که بر کشور گذشته و تاریخی که بخشا با آن زندگی کرده است در زمان محمد رضا شاه و در دوران کودکی‌اش در زمان رضاشاه. سیدضیاء روزنامه‌نگاری بوده است زبل. روزنامه‌نگاری که آنقدر دقیق و ژرف در کارهایش که بیشتر از هر سیاستمدار دیگری می‌فهمد رجال سیاسی چگونه دارند دو دستی کشور را می‌دهند دست اجانب در زمان احمدشاه جوان بی‌کفایت. در این مصاحبه با صدرالدین الهی، نادرپور دانشنامه و تاریخ صدسال شعر نو ما را در بستر تاریخ سیاسی- اجتماعی تحولات، همراه با ارائه‌ی نمونه‌هایی برگزیده و در مقایسه با دیگر شعرای هم‌عصر و میزان شهرت و علت شهرتشان به ما ارائه می‌دهد. به همت صدرالدین الهی و پرسش‌هایش به نظر می‌رسد هیچیک از شعرا در صدسال گذشته در درجات مختلف شهرت و توانائی در این مصاحبه نادیده گرفته نشده‌اند. شعرایی که هرکدام ویژگی‌های خاص خود را دارند و در چهار رده‌ی خاصی که نادرپور بر می‌شمارد قرار داده می‌شوند. و تمام اینها را در بستر وقایع سیاسی جامعه‌ی ما رقم می‌زند. واقعه ۲۸ مرداد ۳۲ را «نه تنها سرآغاز فصلی تازه در تاریخ ایران، که جلوه‌گاه نسلی تازه در ادب فارسی» می‌خواند و نسلی که کاملا سیاسی بود و «شعرش نیز چنان به سیاست آلوده شد که در اغلب موارد شکل شعار یافت.» به گفته‌ی او «اگر اوج هیجانات حزبی و اجتماعی را شرکت وزیران 'توده‌ای' در کابینه 'قوام' و حضيض‌اش را سقوط 'دموکرات‌ها' در آذربایجان بدانیم و سپس تحول و تبدیل آن هیجانات 'چپگرایان' را در جهت احساسات ملی دنبال کنیم (که اینبار بر اثر مجاهدات دکتر مصدق، بجای رنگ 'ایران باستانی'، رنگ 'ضداستعماری' گرفته بود)، می‌بینیم که نه تنها شاعران جوان نسل ما (نادرپور و صدرالدین الهی)، نظیر سایه و شاملو و کسرابی و اخوان و عاصمی (شرنگ)، که حتی سخنوران دو نسل قبل از ما مثل نیما و توتلی نیز به اشعار شعارگونه رو نهاده سروده بودند.

\*\*\*

نادرپور نیز مانند خانلری معتقد است که هیچ نوآوری نمی‌توان یافت که از بطن «سنت» بیرون نیامده باشد. نادرپور ادبیات ایران چه نظم و چه نثر را عربگرا می‌داند بعد از اسلام تا انقلاب مشروطه، چرا که وی چیرگی اعراب را فقط حاصل شکست نظامی ساسانیان می‌داند، بلکه مولود کششی نیز می‌شمارد که «ایرانیان را به سوی دین اسلام، همچون پیامی تازه و در عین حال آشنا، سوق می‌داد.» نادرپور نخستین شناسندگان نیما یعنی خانلری و

حکایت‌هایی که می‌نویسد، حتی بعدتر که آنها را به صورت کتاب درآورده و عرف مطبوعاتی بی‌طرفی را رعایت می‌کند، اما گاهی به آنسو توجه بیشتری نشان می‌دهد که کمتر در آن روزهای دور درگیر آن بوده است، و می‌توان در آن روایت‌ها عشق وی را به علیحضرت و باورش را به عشق شاهنشاه به وطن دید آنچنانکه در وصفش بگوید که برای تبدیل کشور به تمدن بزرگ، محمدرضاشاه «به یقین صداقتی در حد ایمان ناب داشت.» نقل وصف رضاشاه و قوام السلطنه با سه روایت گوناگون که همه با نگاهی مثبت به این دو



دکتر صدرالدین الهی

می‌نگرند نیز حاکی از نقل احترام‌آمیز است. و با ۱۴ روایت (از روایت رسمی تا روایت لوتی تا روایت محمد رضاشاه و تا ابتهاج و کیانوری و ساعد و سید ضیاء) در باب تیراندازی به شاه در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ حتی با نتیجه‌گیری‌هایی در انتها کهماکان دکتر صدرالدین الهی هنوز حکمی نمی‌دهد ولی چیدمانیست که به نظر من بیشترین گمان را به توطئه‌ای می‌برد از پیش فکر شده تا دست بخصوص حزب توده را از امور و از آزادی فعالیت کوتاه کند. و تیراندازی بهانه‌ای می‌شود بلافصله تا اختناق و سرکوب و بگیر و ببند کسانی که بر علیه قانون منع ترویج مرام اشتراکی (مورخ خرداد ۱۳۱۰) آزادانه فعالیت می‌کردند. این قانون در عین حال عملی شدن تغییر قانون اساسی برای افزایش اختیارات شاه را به وجود می‌آورد و صدرالدین الهی از آن نتیجه می‌گیرد که ایران به جرگه‌ی جناح ضد روسی آن زمان می‌پیوندد. چیدمان روایت هم چون سکانس‌های یک فیلم کارآگاهی است که هرکسی را که در آن زمان می‌توانسته با شاه خرده یا کلان اختلافاتی داشته باشد وارد ماجرا می‌کند. از رزم‌آرا بعد از قرارداد قوام با روسیه تا سیدضیاء و حزب توده. بلشویستیست. همه زاغ همدیگر را چوب می‌زنند و هیچکس به دیگری اعتماد نمی‌کند در شرایطی که فضای ضد کمونیستی نه فقط خاورمیانه که جهان را گرفته است. و در فضایی که مانند همیشه غرب و روسیه چشم دارند بر سرزمین‌های ژرف‌تند خاورمیانه و به خصوص ایران در آن مقطع خاص. چیدمان روایت‌ها به گونه‌ایست که گویا هرکس به تنهایی نقشه‌ی قتل شاه را کشیده است. چیزی شبیه قتل رزم آرا که اگرچه کار به دست فدائیان اسلام صورت می‌گیرد اما توافقی نانوشته از جانب همه‌ی جناح‌ها خواستار قتل او بوده است. از مصدق و کاشانی تا شاه و لیبرال‌ها و فدائیان اسلام. اما در این تیراندازی به شاه، قاتل از جانب کسی ملقب به ناصر فنر و یک لات زبردست در تیراندازی، از فاصله‌ی نزدیک تیرش به خطا می‌رود و توسط

→ مصاحبه با سیدضیاءالدین طباطبائی یکی از زیباترین مصاحبه‌هایی است که شما در مطبوعات داخلی و هم خارجی می‌توانید ببابید. سید ضیاءالدین نیز روزنامه‌نگار هم بوده است. لذا صرافت و صداقت را توأمان دارد. دو روزنامه‌نگار قدر اینجا درواقع روبروی هم قرار دارند. صدرالدین الهی زیر و بم تاریخ آن زمان را خوب می‌داند و زوایای زندگی سید ضیاء را نیز خوب می‌شناسد و به همین دلیل این چنین در مقابل هریاسخ سئوال بعدی فی‌البداهه را بی‌تأمل پیش پای او می‌گذارد؛ و سید ضیاء نه همچون هر سیاستمدار «ترسو و محتاط و جاسنگین و سخن به مثقال خرج‌کن مانند آقای حکیم‌الملک... که خود را به کری بزند» بلکه «این مدیر رعد شب سوم حوت ۱۳۹۹» در میان «خباثت پاچه ورمالیده‌های چکمه به پا و عمامه به سر» که لباس آخوندی‌اش را شب کودتا درآورده و کلاهی شده بود می‌گوید همه‌ی راز نفر اول بودنش را در انجام این کودتا.

مصاحبه‌گر در اینجا به گفته‌ی الهی بقرات، مصاحبه را به «یک اتفاق یا حادثه تبدیل می‌سازد. گفتگوکننده خنثی نیست در فضای کلیشه‌ای یک مشت سئوال و یک مشت جواب» از پیش آماده‌شده بی‌ربط. دکتر الهی در این مصاحبه به بقرات می‌گوید: «مصاحبه‌های من حاصل نگاه صمیمانه‌ی من به مصاحبه‌شونده است. من نمی‌روم که مصاحبه‌شونده را به چارمیخ بکشم و یا پنبه‌اش را بزنم. این کار را در بخش اول به جلادان اوین محول کرده‌ام و در بخش دوم به پنبه‌زن‌های دوره‌گرد. من در مصاحبه‌هایم با انسان آنطور روبرو می‌شوم که باید شد. سوژه‌ام را دوست دارم حتا اگر دشمنم باشد. برای استخراج سئوال به سراغ معدن جواب نمی‌روم. فضا سازی اگر می‌کنم یک کار طبیعی است. در کنار سوژه‌ام او را در متن زندگی می‌بینم و همین.» و «فکر راه یافتن و راه تازه یافتن و گریختن از تکرار و ابتذال، همیشه جوهر و جان کارم با بچه‌ها بوده است» و «من هروقت به مصاف خیر می‌روم یا برای مصاحبه‌ای آماده می‌شوم، فکر می‌کنم تمام خطرها بر سر راهم هست و این منم که باید کار را به سامان برسانم. از پیچ و خم آن بیرون بیایم. نگذارم پشتم به خاک بیاید و در عین حال از پشت به سوژه‌ام خنجر زنم. واقعا اعتیاد است. خود سرکار [خطاب به الهی بقرات] تازه معتاد شده‌اید. اگر ناراحتید بروید بیمارستان ترک اعتیاد. اما من از این اعتیاد کیف می‌کنم. بیشتر از پنج پک قلاچ به چپق حشیش و یک پنج سیری عرق کشمش سر حالم می‌آورد و به قول اینجایی‌ها 'های' می‌شوم. چشم و گوشم مثل چشم و گوش سگ حسن دله دنبال خبر است و خرساز و آنچه می‌تواند روزم را پر کند. گاهی از فکر اینکه فردا چطور با حادثه‌ی ندانسته روبرو خواهم شد شب خوابم نمی‌برد و باور کنید راست می‌گویم.»

\*\*\*

«چقدر دلم می‌خواهد این روزنامه‌ای را که برای اولین بار اسم من در آن چاپ شده بود، داشته باشم. جادوی مرکب این اسم تا امروز هم مرا رها نکرده است. هنوز هم از دیدن اسمم توی روزنامه حظ می‌کنم. آن روز هم حظ کردم. این حظ بردن از اسم چاپ شده را از رضا شاه دارم. شاید او بود که باعث شد اسم من در اطلاعات چاپ شود و بعد من حال بیش از پنجاه سال است که اسمم در روزنامه‌ها چاپ می‌شود و حظ می‌کنم. فقط دلواپسم که چرا نمی‌توانم اسم چاپ شده‌ام را در آگهی مجلس ترحیم ببینم.»

\*\*\*

در کتاب «سیدضیا مرد اول یا دوم کودتا» اگرچه دکتر الهی به صورت داستانی زنده و شیرین روایت می‌کند این تاریخی را که در آن همه با هم جنگ دارند، و اگرچه ظاهرا خود را به ارزیابی آلوده نمی‌کند اما در نگاه تیزبین از ورای

## بلومبرگ: ایران به دنبال خرید سیستم‌های پدافندی «S-400» از روسیه است



سیستم رهگیری «باور ۳۷۳»

جمله در زمینه موشکی، الکترونیک و پدافند هوایی» پیشنهاد داده و ممکن است جت‌های جنگنده [سوخو-۳۵] به تهران ارسال کند.

کرملین و وزارت دفاع روسیه به درخواست‌ها برای اظهار نظر پاسخ ندادند، دفتر نتانیاهاو نیز از اظهار نظر در اینباره خودداری کرد.

از وقتی بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی رسیدن غلظت اورانیوم در ایران به ۸۴ درصد را تأیید کردند، نگرانی در مورد فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی افزایش یافته است. به گفته یک مقام ارشد اسرائیلی و یک مقام ارشد سابق آمریکایی، تا پایان سال ۲۰۲۳ ایران به اندازه کافی اورانیوم غنی شده ۶۰ درصدی برای تولید ۱۰ مپ اتم را خواهد داشت.

اسرائیل هنوز امیدوار است که ایالات متحده رهبری هرگونه حمله احتمالی را به عهده بگیرد. این در حالیست که اگرچه دولت بایدن احتمال اقدام نظامی را رد نکرده است، اما همچنان ابزار دیپلماسی را ترجیح می‌دهد.

جرمی بینی کارشناس دفاعی خاورمیانه در مؤسسه اطلاعات دفاعی «جینز» مستقر بریتانیا می‌گوید «S-400» که می‌تواند اهداف هوایی را در بُرد ۲۵۰ کیلومتری مورد هدف قرار دهد، یک «منطقه قرمز برای هواپیماهایی است که قادرند در ارتفاع بالا پرواز کنند».

یوسی کوپروسا یکی از مقامات ارشد سابق اطلاعات نظامی اسرائیل که اکنون محقق ارشد در انجمن دفاع و امنیت اسرائیل است، می‌گوید: «هرچه دفاع هوایی رژیم ایران بیشتر باشد، ضربه زدن به آنها دشوارتر می‌شود. نیروهای امنیتی [اسرائیل] در حال تجزیه و تحلیل هستند که مناسب‌ترین زمان برای اقدام چه زمانی است.»

روسیه در سال ۱۳۹۴ پس از یک دهه کشمکش و جدال سرانجام تصمیم به تحویل سیستم‌های پدافندی «S-۳۰۰» به جمهوری اسلامی گرفت. با این حال مقامات روسی چند سال بعد خودشان گفتند جمهوری اسلامی به سیستم‌های پیشرفته‌تر نیاز پیدا خواهد کرد اما از تحویل آن خودداری کردند. مقامات ارشد نظامی در ایران ادعا می‌کنند سیستم‌های «باور» و «خرداد» جایگزین قابل اطمینان برای پدافند «S-۴۰۰» روسیه است.

● بلومبرگ درباره احتمال دریافت سیستم‌های پدافندی روسیه توسط ایران می‌گوید چنین تهدیدات آشکاری ترکیبی پیچیده از نیت و ارسال پیام است که هدف آن تهران و واشنگتن است. اسرائیل سایت‌های هسته‌ای عراق را در سال ۱۹۸۱ و تأسیسات هسته‌ای سوریه را در سال ۲۰۰۷ بمباران کرد. ● جرمی بینی کارشناس دفاعی خاورمیانه در مؤسسه اطلاعات دفاعی «جینز» مستقر بریتانیا می‌گوید «S-۴۰۰» که می‌تواند اهداف هوایی را در بُرد ۲۵۰ کیلومتری مورد هدف قرار دهد، یک «منطقه قرمز برای هواپیماهایی است که قادرند در ارتفاع بالا پرواز کنند».

با جدی‌تر شدن موضوع درباره احتمال اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی خبرگزاری بلومبرگ پنجشنبه دوم مارس (۱۱ اسفند) به نقل از منابع مطلع گزارش داد که ایران به دنبال خرید سامانه‌های پیشرفته دفاع هوایی جدید از روسیه است با این هدف که احتمال حمله به برنامه هسته‌ای خود را کاهش دهد. افرادی در اسرائیل و ایالات متحده که از مذاکرات مطلع بودند گفتند که چشم‌انداز دریافت سامانه‌های «S-۴۰۰» توسط ایران می‌تواند تصمیم‌گیری در مورد حمله احتمالی را تسریع کند. روسیه علناً نگفته است که آیا این تسلیحات را تأمین خواهد کرد یا نه، اما مسکو و تهران از زمان حمله مسکو به اوکراین بهم نزدیک‌تر شده‌اند. برای عملیاتی شدن این سیستم پدافندی کمتر از دو سال زمان لازم است.

بنیامین نتانیاهاو نخست‌وزیر اسرائیل هفته گذشته در یک کنفرانس امنیتی در تل‌آویو، درباره حمله به جمهوری اسلامی گفت: «هرچه بیشتر منتظر بمانید، اقدام سخت‌تر می‌شود... صبر ما تمام شده است. من می‌توانم به شما بگویم که هر کاری که در توانم باشد برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای انجام خواهم داد.»

چنین تهدیدات آشکاری ترکیبی پیچیده از نیت و ارسال پیام است که هدف آن تهران و واشنگتن است. اسرائیل سایت‌های هسته‌ای عراق را در سال ۱۹۸۱ و تأسیسات هسته‌ای سوریه را در سال ۲۰۰۷ بمباران کرد. اکنون یک درگیری نظامی با ایران می‌تواند آتش جنگ در منطقه را شعله‌ور کند.

جان کربی سخنگوی شورای امنیت ملّی آمریکا پیش از این گفته بود که روسیه به ایران «همکاری دفاعی بی‌سابقه از

توللی و گلچین گیلانی را دارای سهم کافی از میراث غنی سخن فارسی می‌شناسد. و نیز مانند خانلری علت پسند شعر بی‌وزن و قافیه را که نیما بانی آن بود، آسان بودن (یعنی نداشتن هیچ‌گونه قانون و قاعده‌ی مسلم) می‌شناسد. و اما از نظر وی بخشی از این هواداران (شناسندگان بعدی نیما) که از آن به نام «آزادگویان» نام می‌برد، در فاصله‌ی بین ۱۳۴۲ و ۱۳۵۷، شعرشان به نام پیشروترین و متعهدترین مکتب شعر به جوانان تحمیل شد از طریق اشغال صفحات ادبی جرید «به مدد تردستی‌های شگفت مطبوعاتی و تهیدات زیرکانه‌ی تبلیغاتی» و برنامه‌های فرهنگی رادیو و تلویزیون که در آن «مضامین کهنه و افکار سطحی را با بیانی تازه‌ها و غلط‌انداز» شاهکارهای آزادگویان پیشرو تلقی می‌کردند. نادرپور در ادامه می‌گوید که بین سال‌های ۴۲ و ۵۷ دو نوع سانسور حاکم بود. یک نوع ممیزی از جانب مقامات امنیت حکومت قبل از انقلاب و دیگری توسط اُژدانف‌های وطنی و هرکدام سعی می‌کردند که در رام کردن صاحبان قلم بیشتر از حریف قدرت‌نمایی کنند.» و مثلاً می‌گوید که «گل سرخ» را ساواک سانسور می‌کرد و حدیث نفس و شعر عاشقانه را جلال احمد نسبت به اشعاری که شاعران «مربع مرگ» (کسرابی، نادرپور و مشیری) می‌سرودند.

\*\*\*

در وصف نیما، خانلری می‌گوید او «یک جاذبه‌ی مرادی داشت که سبب جذب مرید می‌شد. و در این راه قیافه، طرز حرف زدن و رفتار مخصوص و افکار تازه و عجیبش در این راه به او کمک می‌کرد.» (همان. ص. ۲۱۴) خانلری در این مصاحبه رویکرد تجدد در شعر فارسی از جانب نیما را به علت کینه‌ی او نسبت به شعر کهن فارسی می‌داند و می‌گوید که نیما تقریباً تمام ادبیات کلاسیک ما را به بهانه‌ی اینکه سخنوران مداحان حاکمان بوده‌اند رد می‌کرد و «تمام اشعار اولیه‌ی زبان فارسی را، که اگر ما دوام و بقایی داریم مدیون و مرهون شعر آنها هستیم، به زبان زشتی هجو کرده بود.» و کلا آدمی بود که دوست داشت به جنگ سنت برود. در حالی که برای سنت‌شکنی باید با سنت آشنا بود و برای آگاهی بیشتر در این زمینه ارجاع می‌دهد به مقاله‌ی «مقام سنت در ادبیات» نوشته‌ی دکتر فاطمه سیاح در مجله ماهانه «ایران امروز» سال ۱۳۱۸ یا ۱۳۱۹ خانلری همچنین می‌گوید که نیما چون نمی‌توانست از راه شعر کلاسیک به جایی برسد فکر کرد که باید به راهی پرود که دیگران نرفته‌اند. چند شعر کلاسیک که سروده بود متوسط بود. او ادبیات کلاسیک را در حد همان تعلیمات ابتدایی با مادرش آموخته بود و نه بیشتر. دکتر خانلری با ذکر اینکه نیما درد را درست تشخیص داده بود، مانند نادرپور اشاره دارد به شاعران عصر مشروطه و نیاز به تحول موضوع و حتی قالب شعر فارسی. اما کار نیما را در حد شکسته‌بندهای دوره‌گرد می‌دید که می‌دانستند باید استخوان را جا انداخت و با کمی تجربه‌ی متکی به تشخیص غیرطبی گاهی استخوان کج جوش می‌خورد و خواندن اشعار نیما را سخت می‌کرد. یعنی شما با یک دست جوش خورده طرف هستید. خانلری معتقد است که نیما مدعی ابداع وزن تازه شده بود اما از تحقق بخشیدن به فرضیه‌اش عاجز بود. در حالی که شاعران بعد از او مانند اخوان آن را در میدان عمل به تجربه گذاشتند «بطوری که وقتی اشعار اخوان را می‌خوانید دچار ترمز خواندن نمی‌شوید. شعر او مثل یک جاده‌ی مواج است که شما هنگام رانندگی در آن از پیش می‌دانید که کجا باید آهسته رفت و کجا تند»، در حالی که شعر نیما «ناگهان به دست‌اندازی می‌افتد و هنوز از تکان آن به خود نیامده، چاله‌ای جلوی شما سبز می‌شود.» و علت این گرفتاری: «آگاهی‌های کم او از شعر قدیم فارسی و عروض فارسی از یکسو و تصور اطلاع از ادبیات اروپایی از سوی دیگر».

# جلوگیری از اعزام رضا نوروزی زندانی مشروطه خواه به بیمارستان با وجود وضعیت وخیم جسمی



رضا نوروزی

در کنار وی حضور داشت. رضا نوروزی چند روز بعد از بازداشت به همراه همسرش توسط مأموران امنیتی در تهران بازداشت شد. او پس از دو ماه نگهداری در سلول انفرادی وزارت اطلاعات و اتمام مراحل بازجویی به بند عمومی زندان اوین منتقل شده بود. این فعال مشروطه خواه توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری به اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» و «تبلیغ علیه نظام» محاکمه و مجموعاً به ۱۰ سال حبس محکوم شد. حکم رضا نوروزی در دادگاه تجدید نظر هم تأیید شد که و اساس قوانین جمهوری اسلامی مجازات اشد این اتهامات یعنی ۵ سال زندان او قابل اجراء است. رضا نوروزی از جمله زندانیان سیاسی است که به دلیل مشروطه خواه بودن با فشارهای سنگین روانی و امنیتی حتی در دوران سپری کردن حکم زندان روبروست. او امرداد امسال در پی گشایش پرونده‌ای جدید توسط شعبه ۱۲۰۶ دادگاه انقلاب به اتهام «اخلال در نظم زندان» با ایجاد درگیری با مسئولان زندان تفهیم اتهام شد.

بر اساس گزارش‌ها، رضا نوروزی «در جریان درگیری با چند زندانی مالی و تعدادی از افسر نگهبان‌های بند ۴ به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت و به اتهام توهین به مسئولین زندان و اخلال در نظم زندان به مدت ۸ روز به صورت تنبیهی به بند ۲۴۰ منتقل شد.»

رضا نوروزی در نهایت توسط دادگاه به پرداخت ۱۸ میلیون جزای نقدی و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. اما اقدام تنبیهی دیگر برای او محرومیت از کار در زندان بود که تنها منبع درآمد خانواده او را نیز قطع کرد!

کیهان لندن تیرماه ۱۴۰۱ در گزارشی اعلام کرد که رضا نوروزی دوران محکومیت پنج ساله خود را با فشار مضاعف در زندان سپری می‌کند و به دلیل منع کار در زندان، خانواده‌اش نیز تحت فشار شدید مالی قرار گرفته‌اند.

آرش صادقی زندانی سیاسی پیشین نیز همزمان نوشته بود که وضعیت رضا نوروزی و خانواده‌اش به دلیل فشارهای مسئولان زندان بسیار نامناسب است و او را از فعالیت کاری در زندان نیز به قصد کسب درآمد برای خانواده‌اش ممنوع کرده‌اند.

آرش صادقی افزوده بود «نوروزی به خاطر مشکلات شدید مالی در زندان کار می‌کرد و پول دریافتی را برای خانواده خود ارسال می‌کرد.»

رضا نوروزی متولد ۱۳۴۹، اهل شهرستان سراب، پدر دو پسر خردسال است که تا پیش از زندانی شدن با وانت خود باربری و کسب درآمد می‌کرد.

مشکوک به ضربه مغزی، او از رسیدگی مناسب پزشکی محروم مانده و مسئولان زندان از اعزام او به بیمارستان خارج از زندان و حتی بهداری زندان خودداری می‌کنند.»

این منبع آگاه گفته که رضا نوروزی بعد از چهار روز بی‌خبری به زندان «رجایی شهر» بازگردانده شده است. وی افزوده که «رضا نوروزی در این چهار روز در بازداشتگاه وزارت اطلاعات موسوم به بند ۲۰۹ زندان اوین محبوس بود.» رضا نوروزی پیشتر در تماس تلفنی از زندان «رجایی شهر» کرج گفته بود در بند ۲۰۹ زندان اوین سه روز بطور مداوم شکنجه‌اش کرده‌اند تا علیه گروه‌های مختلف اپوزیسیون اعتراف اجباری کند. او گفته آنقدر به سرش ضربه زدند که از هوش رفته است. این زندانی مشروطه خواه افزوده که اگر



رضا نوروزی و خانواده‌اش / اردیبهشت ۱۴۰۰

اتفاقی برای خودش و خانواده‌اش بیفتد خامنه‌ای مقصر است. رضا نوروزی اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۰ با همسر و دو فرزند خردسالش در تهران و در اوج اخبار ایرانفروشی جمهوری اسلامی به چین با قرارداد ۲۵ ساله، در یکی از میادین تهران اتومبیل خود را به آتش کشید و طی سخنانی از مردم خواست به جمهوری اسلامی «نه» بگویند.

او در این اقدام اعتراضی فریاد می‌کشید که «برای این سرزمین می‌جنگم. برای بازگشت شاهزاده رضا پهلوی می‌جنگم». همسر جوانش نیز در حالی که دست پسر دو ساله‌اش را گرفته و پسر چند ماهه‌اش را در آغوش داشت،

● مادر رضا نوروزی در ویدئویی به زبان آذری به مردم می‌گوید: پسر من به خاطر ایران و ایرانی در زندان به حال مرگ افتاده است، کمکش کنید!

● رضا نوروزی اردیبهشت ۱۴۰۰ با همسر و فرزندان در یکی از میادین تهران وانت خود را به آتش کشید و خواستار «نه به جمهوری اسلامی» شد. وی گفت: برای این سرزمین می‌جنگم. برای بازگشت شاهزاده رضا پهلوی می‌جنگم.

● رضا نوروزی پیشتر در تماس تلفنی از زندان «رجایی شهر» کرج گفته بود در بند ۲۰۹ زندان اوین سه روز بطور مداوم شکنجه‌اش کرده‌اند تا علیه گروه‌های مختلف اپوزیسیون اعتراف اجباری کند.

● رضا نوروزی از جمله زندانیان سیاسی است که به دلیل مشروطه خواه بودن با فشارهای سنگین روانی و امنیتی حتی در دوران سپری کردن حکم زندان روبروست. وضعیت جسمانی رضا نوروزی زندانی مشروطه خواه در پی فشارهای شدید برای اعتراف علیه خود بحرانی شده اما حفاظت اطلاعات زندان مانع از انتقال این زندانی به بیمارستان می‌شود. مادر و پدر رضا نوروزی با انتشار ویدئویی خواستار حمایت مردم از فرزندشان شده‌اند.

رضا نوروزی زندانی مشروطه خواه که از دو سال پیش در زندان بسر می‌برد، به تازگی برای اعتراف علیه خود از زندان «رجایی شهر» کرج به سلول انفرادی در بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد. او در زندان مورد شکنجه شدید جسمی قرار گرفت بطوری که با ضربات بازجوها به سرش از هوش رفت و اکنون با سردرد و سرگیجه و ادرار خونی روبروست.

در شرایطی که بهداری زندان «رجایی شهر» کرج درخواست اعزام رضا نوروزی به بیمارستان به دلیل وخامت حال جسمی را دارد اما حفاظت اطلاعات زندان مانع از انتقال این زندانی به بیمارستان شده است.

مادر و پدر رضا نوروزی زندانی مشروطه خواه با انتشار ویدئویی با ابراز نگرانی از وضعیت وخیم فرزندشان در زندان خواستار حمایت مردم از او شده‌اند. مادر رضا نوروزی در این ویدئو به زبان آذری می‌گوید: «پسر من به خاطر ایران و ایرانی در زندان به حال مرگ افتاده است، کمکش کنید!» خبرنگاری «هرانا» در گزارشی به نقل از یک منبع آگاه نوشته که «رضا که اخیراً مدت چهار روز را در بازداشتگاه وزارت اطلاعات موسوم به بند ۲۰۹ زندان اوین بسر برده بود، به دلیل ضرب و شتم، فشارها و ضربات وارده دچار مصدومیت شدید شده و دارای علاقهی همچون سر درد، سرگیجه و ادرار خونی است. علیرغم داشتن این علائم

## امیر نصر آزادانی، یکی دیگر از قربانیان اتهامات بی‌پایه



امیر نصر آزادانی

اولی هم که خبر بازداشت او اطلاع‌رسانی شد او را خیلی آزار دادند و تصور می‌کردند که کار مادر امیر است. وقتی متوجه شدند خانواده او نقشی در پخش خبر دستگیری او ندارند، رفتارشان کمی تغییر کرد. بعد از انتقال از انفرادی هیچ چیزی به ما نگفتند، حتی مادرش هم بسیار محتاط‌تر شده. در حال حاضر امیر فقط می‌تواند با مادرش دو بار در هفته تماس داشته باشد.»

به گفته این منبع نزدیک به خانواده امیر نصر آزادانی، آنطور که وکیل امیر گفته «قرار است نتیجه حکم تجدید نظر پرونده امیر بیست روز دیگر صادر شود و به احتمال زیاد آن ۱۶ سال حبس حذف می‌شود و می‌ماند ۱۰ سال که آنهم به مرور کمتر می‌شود، البته در روز اول هم به ما گفته بودند ۴ تا ۱۶ سال حکم می‌گیرد، یک ماه پیش گفته بودند نتیجه تجدید نظرش ده روز بعد می‌آید ولی هر بار به تعویق می‌انداختند.»

وی در ادامه می‌گوید: «امیر در مورد نحوه بازداشت‌اش به ما گفته بود که اصلاً در حال خروج از کشور نبوده. همچنین در تماس‌های تلفنی با خانواده چیزی در مورد شکنجه نمی‌گفت یا سکوت می‌کرد یا اجازه نمی‌داد در موردش حرف بزنیم. ولی مدام می‌گفت دیگر متهمان پرونده را نمی‌شناسد و فقط چند نفر را می‌شناخته چون در یک محله بوده‌اند و آن چهار نفری که تره شدند را اصلاً نمی‌شناسد.»

او اضافه می‌کند: «روز اول دادگاه امیر را به ما اطلاع ندادند که ۲۷ یا ۲۶ آذر بود؛ هنوز هم به ما نمی‌گویند که در چه تاریخی برگزار شده. در جلسه دوم دادگاه هم امیر را ندیدیم. در جلسه سوم دادگاه، امیر نفر سومی بود که می‌توانستیم او را ببینیم. حالش بسیار بد بود. سهیل جهانگیری نفر دوم بود و می‌خندید؛ نفر اول سعید یعقوبی بود که اصلاً نمی‌توانست راه برود و او را روی زمین می‌کشاندند. امیر سرش پایین بود. از قبل پای راست‌اش آسیب دیده بود و مدام می‌لنگید، اصلاً نمی‌توانست

و اطلاع داد که او را بازداشت کرده‌اند اما نمی‌دانستیم که در اصفهان است یا در شهر دیگری. خواهش می‌کرد کمکش کنند، التماس می‌کرد به مادرش که کاری برایش انجام دهند و پیگیری‌ها شدند و حتی خواست برایش وکیل بگیرند. البته تا مدتی اجازه داشتن وکیل به او نمی‌دادند. در جلسه دوم دادگاه اجازه دادند می‌تواند وکیل داشته باشد و مادرش برای او وکیل گرفت.»

او ادامه می‌دهد: «در روزهای اول می‌گفتند به هیچ رسانه‌ای اطلاع‌رسانی نکنید که این فرد بازداشت شده، سر یک هفته به خانه بر می‌گردد؛ هیچ چیزی نگویند! دو هفته گذشت و اتفاقی نیفتاد. به یکی از دوستان امیر که ورزشکار شناخته شده‌ایست گفته بودند که ما در پرونده امیر نوشته‌ایم این فرد به خاطر اینکه فوتبالیست بوده توانسته اسلحه وارد کند. یکی دیگر از متهمان این پرونده گفته بود که اسلحه متعلق به او بوده و ظاهراً از قبل خریداری شده بود. در همان روزها به خانواده امیر گفته بودند اگر ساکت باشید و یک مقدار پول نقد بدهید و وثیقه بگذارید او را آزاد می‌کنیم و اصلاً نمی‌گوئیم این فرد بازداشت شده، البته در ازای هر اطلاعاتی که به خانواده امیر می‌دادند هر بار مبالغه مختلفی از آنها طلب می‌کردند.»

این فرد همچنین با بیان اینکه امیر نصر آزادانی در روز ۱۸ بهمن و روز تولد ۲۷ سالگی‌اش نیز همچنان در انفرادی بسر برد اضافه می‌کند: «امیر از ۲۵ آبان یعنی روز بازداشت‌اش تا ۱۳ دی‌ماه در انفرادی اطلاعات سپاه اصفهان بود و بجز روز اول، اجازه تماس گرفتن نداشت. در صورتی که متهمان دیگر این پرونده با خانواده‌های خود ملاقات داشتند، مادر امیر در طول مدت نگهداری وی در انفرادی به هیچ عنوان نتوانست با پسرش ملاقات یا تماس تلفنی داشته باشد. امیر بعداً به ما گفته بود وقتی موضوع من اطلاع‌رسانی نشده بود خیلی روی من فشار می‌آوردند. اما وقتی خبر رسانه‌ای شد در زندان به او کمتر فشار آوردند. البته در چند روز

این فوتبالیست در پرونده مربوط به کشته شدن اسماعیل چراغی سرهنگ نیروی انتظامی و دو بسیجی به نام محمدحسین کریمی و محسن حمیدی به اتهام عضویت در دستجات غیرقانونی به قصد برهم زدن امنیت کشور به ۵ سال حبس تعزیری، برای اتهام اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضد امنیت به ۵ سال حبس تعزیری و برای اتهام معاونت در محاربه به تحمل ۱۶ سال حبس تعزیری محکوم شده است.

● یک فرد آشنا با وضعیت امیر نصر آزادانی در مورد برداشت وی به کیهان لندن می‌گوید: «در روزهای اول می‌گفتند به هیچ رسانه‌ای اطلاع‌رسانی نکنید که این فرد بازداشت شده، سر یک هفته به خانه بر می‌گردد؛ هیچ چیزی نگویند! دو هفته گذشت و اتفاقی نیفتاد.»

● «روز اول دادگاه امیر را به ما اطلاع ندادند که ۲۷ یا ۲۶ آذر بود؛ هنوز هم به ما نمی‌گویند که در چه تاریخی برگزار شده. در جلسه دوم دادگاه هم امیر را ندیدیم. در جلسه سوم دادگاه، امیر نفر سومی بود که می‌توانستیم او را ببینیم. حالش بسیار بد بود.»

● بعد از دادگاه و «انتقال به زندان شرایط روحی او بهتر شد و شوخی می‌کرد. به تازگی هم که او را دیدیم حالش خیلی بهتر شده بود.»

● آنطور که وکیل امیر گفته «قرار است نتیجه حکم تجدید نظر پرونده امیر بیست روز دیگر صادر شود و به احتمال زیاد آن ۱۶ سال حبس حذف می‌شود و می‌ماند ۱۰ سال که آنهم به مرور کمتر می‌شود.»

فیروزه نوردستروم - امیر نصر آزادانی متولد ۱۸ بهمن ۱۳۷۴ در اصفهان، بازیکن پیشین تیم فوتبال تراکتورسازی تبریز در لیگ برتر ایران که سابقه بازی در تیم فوتبال سپاهان اصفهان، باشگاه فوتبال راه‌آهن، تراکتورسازی تبریز و باشگاه فوتبال «گل‌ریحان» البرز را در کارنامه ورزشی خود دارد به دلیل شرکت در اعتراضات گسترده مردمی در انقلاب ملی ایران، روز ۲۷ آبان ۱۴۰۱ در اصفهان بازداشت شد.

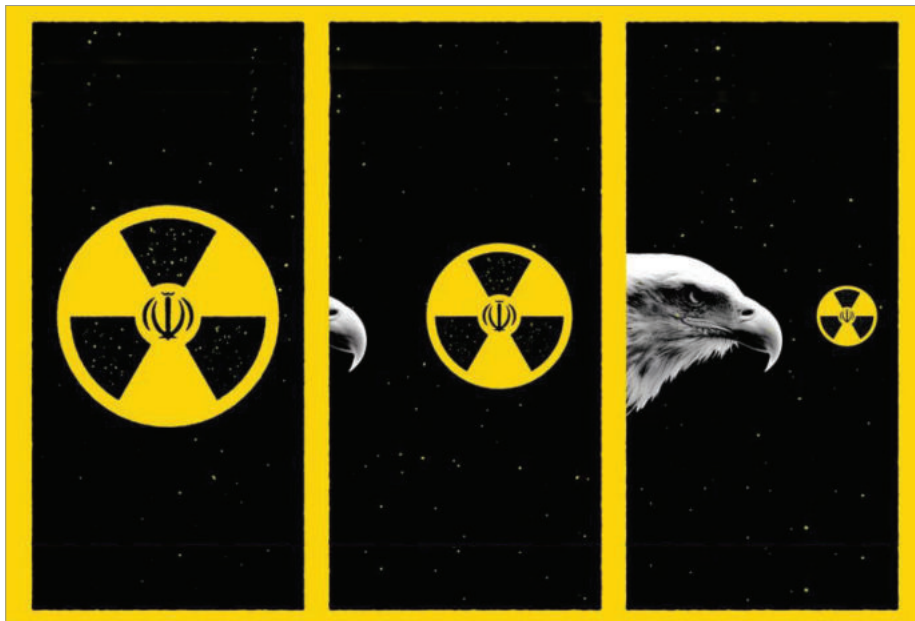
این فوتبالیست در پرونده مربوط به کشته شدن اسماعیل چراغی سرهنگ نیروی انتظامی و دو بسیجی به نام محمدحسین کریمی و محسن حمیدی به اتهام عضویت در دستجات غیرقانونی به قصد برهم زدن امنیت کشور به ۵ سال حبس تعزیری، برای اتهام اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضد امنیت به ۵ سال حبس تعزیری و برای اتهام معاونت در محاربه به تحمل ۱۶ سال حبس تعزیری محکوم شده است.

کیهان لندن برای بررسی بیشتر وضعیت این فوتبالیست و زندانی سیاسی دربند در زندان دستگرد اصفهان با یکی از نزدیکان وی گفتگو کرده است.

این فرد آشنا با وضعیت امیر نصر آزادانی می‌گوید: «۲۵ آبان ماه بود که گفتند در فلکه علیخانی خانه اصفهان تیراندازی شده و چند نفر کشته شده‌اند. من با امیر تماس گرفتم، جواب نداد. مدام به او پیام می‌دادم جواب نمی‌داد، به مادرش زنگ زدم گفت برای مسافرت به جنوب کشور رفته. بعد در ۲۹ آبان یک فیلمی دیدم و از طریق چهره و تاتوی بدن یکی از بازداشت شدگان در آن فیلم متوجه بازداشت امیر شدم. به مادرش زنگ زدم؛ گریه می‌کرد؛ از چند روز قبل گفته بود قصد سفر دارد ولی به کسی نگفته بود چه زمانی به سفر می‌رود. در دوم آذر بود که زنگ زد



## نشریه آتلانتیک: جمهوری اسلامی خیال می کند آمریکا مانع حمله اسرائیل به تأسیسات اتمی ایران خواهد شد



طرح: گتی ایمجز - آتلانتیک Matt Chase

ریاست جمهوری وی در مقاله‌ای که پنجم مارس (۱۴ اسفند) در نشریه «آتلانتیک» با عنوان «ایران باید تهدید آمریکا را باور کند» می‌نویسد اگر ایالات متحده برای جلوگیری از حرکت رژیم ایران به سمت ساخت سلاح اتمی اقدام قهرآمیز انجام ندهد، اسرائیل این کار را خواهد کرد که این یک سناریوی بسیار خطرناک‌تر است.

در مقدمه این مقاله آمده در شرایطی که جامعه بین‌الملل بر سالگرد حمله روسیه به اوکراین متمرکز بود، بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی آثار اورانیوم با غلظت ۸۴ درصد کشف کردند.

تحلیلگران معتقدند مواد شکاف‌پذیر با درجه تسلیحاتی معمولاً از اورانیوم با غلظت ۹۰ درصد ساخته می‌شود، اما لازم به یادآوری است که مپ اتمی که ایالات متحده در اوت ۱۹۴۵ روی هیروشیما انداخت، حدود ۸۰ درصد غنی‌سازی شده بود. ممکن است رژیم ایران ادعا کند که اورانیوم را بیش از ۶۰ درصد غنی‌سازی می‌کند، اما کشف ذرات اورانیوم با غلظت ۸۴ درصد یک زنگ خطر است.

رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گوید غنی‌سازی ۶۰ درصدی هیچ کاربرد غیرنظامی ندارد. بدیهی است تولید مواد شکاف‌پذیر با درجه تسلیحاتی به معنای تلاش برای داشتن مپ نیست، اما این مواد مهم‌ترین عنصر مورد نیاز برای ساخت مپ است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ممکن است هنوز نداند که آیا ۸۴ درصد صرفاً رسوباتی از آبشارهاست یا اینکه اقدام آگاهانه از سوی جمهوری اسلامی برای غنی‌سازی تا نزدیک به درجه تسلیحات است. اما ما می‌دانیم که برای دومین بار در یک ماه گذشته، ایران در یک سایت غنی‌سازی دست به فعالیت مشکوک زده است. جمهوری اسلامی مخفیانه در تأسیسات اتمی فردو برای دست‌یابی به غنی‌سازی

● دنیس راس دستیار ویژه باراک اوباما رئیس جمهوری پیشین آمریکا در نشریه «آتلانتیک» نسبت به افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم در ایران هشدار داده و می‌نویسد ممکن است رژیم ایران ادعا کند که اورانیوم را بیش از ۶۰ درصد غنی‌سازی می‌کند، اما کشف ذرات اورانیوم با غلظت ۸۴ درصد یک زنگ خطر است.

● «تحلیلگران معتقدند مواد شکاف‌پذیر با درجه تسلیحاتی معمولاً از اورانیوم با غلظت ۹۰ درصد ساخته می‌شود، اما لازم به یادآوری است که مپ اتمی که ایالات متحده در اوت ۱۹۴۵ روی هیروشیما انداخت، حدود ۸۰ درصد غنی‌سازی شده بود».

● «کشف اورانیوم با غلظت نزدیک به کاربرد تسلیحاتی توسط آژانس مپ تأیید بر این باور عمیق اسرائیل است که رویکرد فعلی آمریکا و متحدانش در نهایت منجر به دستیابی ایران به مپ خواهد شد؛ با وجود اینکه آمریکا و جامعه جهانی چنین مسئله‌ای را انکار می‌کنند ولی به نظر می‌رسد آماده کنار آمدن با قضیه هستند در حالی که برای اسرائیل اینطور نیست».

● «جمهوری اسلامی باید در عمل ببیند که آمریکا در حال تمرین حملات هوایی و تمرینات منظم منطقه‌ای است. رزمایش مشترک بزرگ اخیر با اسرائیل برای اولین گام خوب بود که نیاز به تکرار دارد».

● «تهران دچار دو اشتباه شده است: هم باور نکرده که آمریکا علیه آن دست به اقدام نظامی خواهد زد و هم حتا فکر می‌کند که آمریکا اسرائیلی‌ها را نیز از این کار باز خواهد داشت. دولت بایدن می‌تواند با ارائه تسلیحات و مهمات که حملات اسرائیل را مؤثرتر می‌کند، با این دو تصور مقابله کند».

دنيس راس دستيار ویژه پیشین باراک اوباما در دوران

→ درست راه برود، به شدت وزن کم کرده بود. موقعی که خانواده او را دیدند یک نفر به او گفت «امیر سرت را بگیر بالا؛ تو قهرمانی» وقتی سرش را بالا برده بود چشمانش پر از اشک بود. بعد از دادگاه به سهیل و سعید و امیر اجازه دادند که از برابر خانواده‌هایشان رد شوند ولی به بقیه متهمان اجازه ندادند چون خانواده‌هایشان در دادگاه سر و صدا می‌کردند. امیر اصلاً نمی‌خواست در آنجا بماند. به خانواده‌اش نگاه نمی‌کرد، نگاهش را می‌دزدید. مدام اصرار می‌کرد که برود و نمی‌خواست ما او را با آن حال و روز ببینیم. جلسه دادگاه که به پایان رسیده بود حتی اجازه داده بودند که مادر و خواهرش را بغل کند؛ هنگام دیدار با مادر و خواهرش خشک‌اش زده بود و مدام گریه می‌کرد، به همین دلیل سربازان او را کمی نگه داشتند چون نمی‌توانست تکان بخورد و حالش بد شده بود».

این فرد ادامه می‌دهد: «روز پنجشنبه بعد از دادگاه به او گفتند می‌تواند با خانواده تماس بگیرد، وقتی از او پرسیدیم در این مدت چه اتفاقاتی بر تو گذشته و در دادگاه چه گذشت، هیچ چیزی نمی‌گفت، بحث را عوض می‌کرد یا ساکت می‌شد، مشخص بود با تحت فشار است یا خودش نمی‌خواست حرف بزند، ولی بعد از انتقال به زندان شرایط روحی او بهتر شد و شوخی می‌کرد. به تازگی هم که او را دیدیم حالش خیلی بهتر شده بود».

این فرد نزدیک به خانواده امیر نصر آزادانی در ادامه توضیح می‌دهد: «البته سه هفته قبل از اینکه امیر را بازداشت کنند، آمدند و خانه امیر را بازرسی کردند، به او گفته بودند تو کوکتل و ترفه داری و باید حتماً خانهات را بگردیم؛ آمدند و نتوانستند چیزی پیدا کنند. همچنین به او گفته‌اند تو اگر آزاد هم بشوی به تو اجازه ادامه فعالیت ورزشی و بازی در فوتبال نمی‌دهیم. در حالی که امیر هیچ درآمد دیگری بجز فوتبال ندارد. همیشه می‌گفت شغل من فوتبال است و در هر تیمی که بود عاشقانه بازی می‌کرد».

او با اشاره به آغاز فعالیت حرفه‌ای امیر نصر آزادانی در ورزش فوتبال از سال ۱۳۹۱ در تیم «سپاهان» و بعد در تیم‌های مختلف مثل «تراکتور» و «گل‌ریحان» می‌گوید: «آخرین تیمی که بازی کرد «ایران جوان» بود که پارسال با این تیم یک سال قرارداد بست. اما بین تیم‌هایی که بازی کرده عاشق تراکتور بود، با اینکه چند سال است از این تیم جدا شده ولی وقتی به تمرین بازی‌هایش می‌آمد پیراهن تراکتور را می‌پوشید و هیجوقت نمی‌شد علیه این تیم حرفی بزند. او فردی اجتماعی است که کوچک‌ترین اتفاقی برای خانواده، دوستان، اطرافیانش یا حتی آدم‌هایی که نمی‌شناخت رخ می‌داد سعی می‌کرد کمک کند و مشکل‌شان را رفع کند».

او ادامه می‌دهد: «از همان روز اولی که مهسا کشته شد و اعتراضات مردم شروع شد معتقد بود که باید به مردم کمک و حمایت کرد؛ پشت مردم و صدای آنها باشد. به باور امیر، فوتبالیست‌ها در سطح جامعه می‌توانند تأثیرگذاری بیشتری نسبت به بقیه داشته باشند، وقتی امیر خبر کشته شدن نیکا را شنید بسیار تحت تأثیر قرار گرفت و ناراحت شد، در مورد نیکا هر چیزی که می‌خواند یا می‌شنید به گریه می‌افتاد. در عین حال، عاشق فوتبال بازی کردن بود و هروقت حالش بد می‌شد سعی می‌کرد با ورزش کردن و دویدن یا فوتبال حالش را بهتر کند، هرچند مدتی از لیگ برتر دسته یک و دسته دو دور بود و در دسته سه بازی کرده بود ولی هیجوقت نمی‌شد به تمرین نرود. اما از وقتی اعتراضات مردم شروع شد انگیزه‌اش کمتر شده بود، نمی‌توانست در تمرین‌ها حاضر شود، روحیه نداشت، کاملاً انگیزه خودش را از دست داده فکر می‌کرد باید به شکل دیگری به مردم کمک کند».

۶۰ درصدی دو آبخیز سانترفیوژ را بهم متصل کرد. صرف نظر از توضیح حکومت ایران، آنها به غنی‌سازی با درجه تسلیحاتی نزدیک‌تر می‌شوند و با سرعت کنونی می‌توانند به راحتی مواد شکاف‌پذیر برای ساخت ۱۰ مپب را ذخیره کنند.

نویسنده این گزارش تأکید می‌کند این واقعیت دو پیامد دارد: اول اینکه رژیم ایران به نحوی رفتار می‌کند که گویا غنی‌سازی تا حد تسلیحات و انباشت مقادیر زیادی مواد شکاف‌پذیر هیچ خطری برای آنها ندارد و دوم فکر می‌کنند اسرائیل عقب‌نشینی خواهد کرد و احتمال اقدام نظامی علیه ایران برای حفظ موجودیت خود را یک توهم می‌دانند.

ممکن است اسرائیل درگیر مسائل داخلی و مسئله فلسطین باشد، اما رهبران آن از همه طیف‌های سیاسی نگرانی‌های بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر را اهی شدن جمهوری اسلامی و میزان مواد شکاف‌پذیر که در ایران ذخیره شده و... مستحکم شدن زیرساخت‌های هسته‌ای رژیم، که نابودی آن را برای اسرائیل بیش از پیش دشوار کرده، درک می‌کنند.

بنیامین نتانیاهو پیش از این به مقامات آمریکایی و امانوئل ماکرون رئیس جمهوری فرانسه گفته بود که اگر به زودی برای جلوگیری از پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران دست به کار نشوند، اسرائیل چاره‌ای جز حمله نخواهد داشت.

به باور نویسنده این گزارش در آتلانتیک، کشف اورانیوم با غلظت نزدیک به کاربرد تسلیحاتی توسط آژانس مهر تأیید بر این باور عمیق اسرائیل است که رویکرد فعلی آمریکا و متحدانش در نهایت منجر به دستیابی ایران به مپب خواهد شد؛ با وجود اینکه آمریکا و جامعه جهانی چنین مسئله‌ای را انکار می‌کنند ولی به نظر می‌رسد آماده کنار آمدن با قضیه هستند در حالی که برای اسرائیل اینطور نیست.

وی پیشنهاد می‌دهد اگر دولت بایدن می‌خواهد جمهوری اسلامی را وادار کند تا ریسک‌های مسیر خطرناکی را که در پیش دارد بفهد و اسرائیلی‌ها را نیز متقاعد کند که راهی برای مقابله با برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی وجود دارد، باید در مورد افزایش سطح غنی‌سازی در ایران به ۸۴ درصد پاسخ داشته باشد. ایرانی‌ها، اسرائیلی‌ها و سایرین در منطقه مطمئناً منتظرند تا ببینند ایالات متحده چه می‌کند.

نویسنده سپس توضیح می‌دهد برای مؤثر بودن، این پاسخ باید یک استراتژی چهارگانه شکل بگیرد:

اول: دولت بایدن باید سیاست اعلام‌شده‌ی خود را تغییر دهد. اینکه آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا در مصاحبه‌ای گفت، «همه گزینه‌ها روی میز خواهد بود»، هیچکس حتی جمهوری اسلامی را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. در مقابل بلینکن یا جو بایدن باید اعلام کنند که اگرچه ایالات متحده موافق راه حل دیپلماتیک برای حل و فصل مسئله اتمی ایران است، اما رژیم ایران نشان داده خواهان این راه حل نیست و به ساخت مپب اتم نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود و آمریکا متعهد است با آن مقابله کند.

بنابراین جمهوری اسلامی را باید متوجه کرد که با این اقدامات کل زیرساخت‌های هسته‌ای خود را به خطر می‌اندازد. اعلام این امر نشان خواهد داد که ایالات متحده شروع به آماده ساختن افکار عمومی آمریکا و جامعه بین‌المللی برای اقدام نظامی احتمالی علیه برنامه هسته‌ای ایران کرده است.

مقامات جمهوری اسلامی ادعا کرده بودند «وجود

ذره یا ذراتی (particle) از اورانیوم با غنای بالای ۶۰ درصد در محل شیر برداشت محصول از طریق نمونه برداری متداول است.»

دوم: برای قدرت بخشیدن به این مواضع، جمهوری اسلامی باید در عمل ببیند که آمریکا در حال تمرین حملات هوایی و تهرینات منظم منطقه‌ای است. رزمایش مشترک بزرگ اخیر با اسرائیل برای اولین گام خوب بود که نیاز به تکرار دارد. به موازات این، دولت بایدن باید علنی با اسرائیلی‌ها، سعودی‌ها، اماراتی‌ها و دیگران در مشاوره‌ها و تهرین‌هایی که برای کم کردن هرگونه حمله احتمالی رژیم ایران علیه این کشورها طراحی شده‌اند، مشارکت داشته باشد. این نشان خواهد داد که دولت بایدن نه تنها برای حمله احتمالی آماده می‌شود، بلکه پیش‌بینی می‌کند که جمهوری اسلامی ممکن است چطور علیه متحدان آمریکایی در منطقه انتقام بگیرند و ایالات متحده برای خنثی کردن آن چگونه برنامه‌ریزی کرده است.

سوم: تهران دچار دو اشتباه شده است: هم باور نکرده که آمریکا علیه آنها دست به اقدام نظامی خواهد زد و هم حتا فکر می‌کند که آمریکا اسرائیلی‌ها را نیز از این کار باز خواهد داشت. دولت بایدن می‌تواند با ارائه تسلیحات و مهمات که حملات اسرائیل را مؤثرتر می‌کند، با این دو تصور مقابله کند. با توجه به فاصله درگیری و عدم دسترسی به پایگاه‌های پیشرو، اسرائیل به تانکرهای هوایی سوخت‌رسان نیاز دارد تا بتواند اهداف مستحکم در ایران را چندین بار هدف قرار دهد. برای تأمین این سوخت‌رسان‌ها با شرکت بوئینگ قرارداد بسته اما اولین تانکر اواخر سال ۲۰۲۵ تحویل خواهد شد. دولت بایدن می‌تواند اطمینان حاصل کند که اسرائیلی‌ها در صف اول هستند و تانکرها همین امسال می‌رسند.

ایالات متحده همچنین می‌تواند تسلیحات قدرتمندتری نسبت به آنچه اسرائیل در حال حاضر برای هدف‌گیری اهداف مستحکم [زیرزمینی] در اختیار دارد، ارائه دهد. این کمک‌های نظامی خاص به اسرائیل پامی را با صدای بلند و واضح ارسال می‌کند: ایالات متحده مانع اسرائیل برای حمله احتمالی نخواهد شد.

در پایان این مقاله آمده حملات یکجانبه اسرائیل به برنامه هسته‌ای ایران باعث حملات موشکی حزب‌الله و احتمالاً حماس به اسرائیل خواهد شد بنابراین آمریکا باید با صراحت نشان دهد که کنار اسرائیل خواهد ایستاد. حتا جمهوری اسلامی ممکن است حملات تلافی‌جویانه علیه سعودی‌ها و دیگر دشمنان منطقه‌ای خود انجام دهد تا نشان دهد اگر به آن هزینه تحمیل شود بقیه هم باید هزینه بپردازند. اگر دولت بایدن مسیر خود را تغییر ندهد، احتمال زیادی وجود دارد که با یک درگیری منطقه‌ای در خاورمیانه مواجه شود.

برای جلوگیری از جنگ با یک دشمن مهاجم، آنها باید باور داشته باشند که شما از زور استفاده خواهید کرد. یک پیام واضح از سوی آمریکا اکنون نه تنها جهت متوقف کردن رژیم ایران برای ساخت سلاح هسته‌ای ضروری است، بلکه به چین و روسیه نشان خواهد داد که ایالات متحده قادر است با چندین تهدید همزمان مقابله کند. این کار می‌تواند محاسبات چینی‌ها و روس‌ها را نیز در مورد برنامه‌های توسعه‌طلبانه‌ی آنان در سایر نقاط جهان تغییر دهد.

\*منبع: نشریه آتلانتیک

\*نویسنده: دنیس راس دستیار ویژه پیشین باراک اوباما و مشاور ویلیام دیویدسون در «مؤسسه واشنگتن»

\*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

## بیانیه فراکتنانه وزارت کشور درباره حملات بیولوژیک به مدارس؛ راه‌اندازی شعب ویژه قوه قضاییه برای سرکوب اظهارنظرکنندگان!

● وزارت کشور مدعی شد: بیش از ۹۰ درصد ابراز ناراحتی دانش‌آموزان ناشی از اضطراب و نگرانی‌های ایجادشده در فضای کلاس و مدرسه بوده است.

● عضو کمیته حقیقت‌یاب مجلس شورای اسلامی روز گذشته اعلام کرد تا ۱۵ اسفند بیش از پنج هزار دانش‌آموز در ۲۵ استان و حدود ۲۳۰ مدرسه هدف حملات شیمیایی تروریستی قرار گرفته‌اند.

● هنوز نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی نتوانسته‌اند آمران و عاملان این حملات وحشیانه را پیدا کنند اما محسنی‌اژه‌ای گفته که در هر استانی برای احضار کسانی که درباره مسمومیت دانش‌آموزان مطالبی می‌نویسند، شعبه‌ای دایر می‌شود!

وزارت کشور جمهوری اسلامی شامگاه دوشنبه با صدور بیانیه‌ای درباره نتیجه بررسی‌های علت مسمومیت دانش‌آموزان مدعی شده که مسمومیت‌ها ناشی از «اقدامات ماجراجویانه» بوده و «در کمتر از پنج درصد» از موارد بستری عامل مسمومیت وجود داشته و «بیش از ۹۰ درصد ابراز ناراحتی دانش‌آموزان ناشی از اضطراب و نگرانی‌های ایجادشده در فضای کلاس و مدرسه بوده است.» حملات بیولوژیک/ شیمیایی به مدارس همچنان ادامه دارد و شمار دانش‌آموزان پسر و دانشجویانی که هدف این حملات قرار گرفته‌اند نیز در دو روز گذشته افزایش یافته است. هرچند آمار رسمی و قابل اعتمادی از سوی نهادهای حکومتی درباره حملات ارائه نشده اما محمدحسن آصفری عضو کمیته حقیقت‌یاب مجلس شورای اسلامی روز گذشته اعلام کرد تا ۱۵ اسفند بیش از پنج هزار دانش‌آموز در ۲۵ استان و حدود ۲۳۰ مدرسه هدف حملات شیمیایی تروریستی قرار گرفته‌اند.

صبح امروز سه‌شنبه ۱۶ اسفند ۱۴۰۱ نیز چند مدرسه در نقاط مختلف کشور از جمله دبستان دخترانه «مهديه» در بلوار کشاورز و دبیرستان دخترانه «قریشی» در خیابان فاضلی شهر زاهدان مورد این حملات قرار گرفتند.

در این میان، علی صالحی دادستان تهران اعلام کرد علیه مدیران مسئول رسانه‌های «هم‌میهن»، «رویداد ۲۴» و «شرق» و همچنین اشخاصی از جمله آذر منصوری، صادق زیبا کلام و رضا کیانیان به دلیل نوشته‌هایشان درباره حملات شیمیایی به دانش‌آموزان اعلام جرم کرده و برای آنان پرونده تشکیل داده است.

روز گذشته محسنی‌اژه‌ای رئیس قوه قضاییه گفته بود «کسانی که همراه با دشمن التهاب‌آفرینی می‌کنند





مسمومیت دانش‌آموزان دبیرستان «امت» در تهرانپارس - ۱۰ اسفند ۱۴۰۱

امروز با گستردگی شبکه‌های اجتماعی و راه‌های ارتباطی، رسانه دیگر معنای گذشته را ندارد. این باور کی قرار است در ذهن مسئولان ما جا بیفتد؟ برای حل یک مشکل با ابعاد ملی، باید آن را پذیرفت. حتی اگر یک دانش‌آموز هم بر اثر استنشاق گاز سمی روانه بیمارستان شده باشد، اوضاع باید رصد شود.»

اینهمه در حال است که به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی در شرایطی که مدارس در آستانه تعطیلات نوروزی قرار دارند به دنبال «جمع کردن» موضوع است بدون آنکه برای افکار عمومی مشخص شود آمران و عاملان این حملات چه کسانی هستند. محمدرضا احمدی عضو کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی امروز سه‌شنبه ۱۶ اسفند ۱۴۰۱ گفته که به زودی مسئله مسمومیت‌ها «جمع» می‌شود!

عضو کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلام گفته که «دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی، مسئولان آموزش و پرورش و بهداشت و درمان همه پای کار هستند خواست دشمن این است که جلوی توسعه، پیشرفت و آموزش ما را بگیرند قطعا مردم نگران نباشند ما و مسئولین پیگیر کار هستیم و به زودی قضیه جمع خواهد شد.»

یکی از موارد مهم در موضوع مسمومیت دانش‌آموزان آشفتگی دولت و دیگر نهادها و سازمان‌ها در اقدامات و پیگیری‌هاست. در حالی که وزارت کشور شب گذشته با صدور بیانیه‌ای در عمل مسمومیت‌ها را به «اضطراب جمعی» و «ماجرایوبی» کاهش داده، سازمان بازرسی کل کشور از «ورود» به موضوع مسمومیت‌ها و بررسی «ترک فعل دستگاه‌های اجرایی» خبر داده است.

ذبیح‌الله خداییان رئیس سازمان بازرسی کل کشور اعلام کرده که «پس از مسمومیت سریالی دانش‌آموزان، دستگاه‌های مختلف به موضوع ورود کردند که سازمان بازرسی کل کشور هم بر اساس وظایف قانونی ورود کرد.» رئیس سازمان بازرسی کل کشور افزوده که «هنوز نمی‌توان گفت در این ماجرا دستگاهی ترک فعل کرده و باید منتظر نتایج بررسی‌ها و آزمایش‌ها باشیم. در خصوص بازداشت افراد، وزارت کشور اطلاع‌رسانی می‌کند اما بر اساس آخرین اطلاعاتی که دارم هنوز کسی بازداشت نشده است.»

اطلاع‌رسانی یا اظهار نظر درباره مسمومیت‌ها می‌پردازند تهدید کرده است: «تعدادی از عناصر مغل روان و سلامت جامعه که با نشر اکاذیب و تشویش اذهان در کنار هیاهوی کور بیگانگان در ایجاد جو ملتهب و اضطراب تلاش داشته‌اند، توسط مراجع قضایی تحت پیگرد قرار گرفته‌اند که رسیدگی فوری و قاطع مورد انتظار است.»

مصطفی قانعی دبیر علمی کمیته بررسی علل مسمومیت دانش‌آموزان هم دوشنبه‌شب در برنامه خبری صداوسیما جمهوری اسلامی گفت که «در بحث علمی ما سه دسته از موارد کشنده را به سرعت رد کردیم. از همان ابتدا مشخص شد با یک ماده محرک مواجه هستیم. ماده محرک، طیف وسیعی است که در خون اثرگذار است. در بررسی‌ها

متوجه شدیم میزان آسیب پایین است و تمام نمونه‌ها از محیط و... جمع‌آوری شده و حدود ۵ درصد دانش‌آموزان در معرض ماده محرک قرار گرفته‌اند. ماده محرک در چند نوع بیان شد و سمی نبوده است. بنابراین استفاده از واژه مسمومیت، درست نیست.»

سارا فلاحی عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی هم مدعی شده که «چنین اقدامی یکی از برنامه‌هایی است که خارج از ایران طراحی شده و گفته‌اند باید کاری کنیم که حس ناکارآمدی ساختار سیاسی به مردم القا شود. اینهم در راستای همان استراتژی «مرگ با هزار شمشیر» است که صهیونیست‌ها طراحی و برنامه‌ریزی کردند. هدف آنها این است که از هرسو یک ناامنی برای جمهوری اسلامی ایجاد کنند و کلاما را به مسائل داخلی مشغول کنند تا نتوانیم در حوزه خارجی موفقیتی داشته باشیم!»

برخلاف انکارها و فراقکنی‌های مقامات دولتی و رسانه‌های تندرو، برخی رسانه‌های داخلی نیز طی روزهای گذشته تلاش کردند جمهوری اسلامی را مجاب کنند که دست از تکذیب و پنهانکاری بردارد و با پذیرش این بحران در ابعاد ملی، مسیر درست را برای شناسایی علت بروز این حملات در پیش بگیرد. از جمله روزنامه «جهان صنعت» در مطلبی با عنوان «مسمومیت‌های زنجیره‌ای و نمایش ناکارآمدی» نوشته که «اگر رسانه‌ها به صورت دستجمعی تتری واحد بزنند و خبر از پایان ماجرا بدهند، مشکل حل خواهد شد؟

➔ احضار می‌شوند» و «اگر مطلبی بدون استناد بیان شده که بر دلهره جامعه بیافزاید نباید از آنان گذشت.»

در حالی که هنوز نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی نتوانسته‌اند آمران و عاملان این حملات وحشیانه را پیدا کنند اما محسنی اژه‌ای گفته که در هر استانی برای احضار کسانی که درباره مسمومیت دانش‌آموزان مطالبی می‌نویسند، شعبه‌ای دایر می‌شود!

پیشتر حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه کیهان چاپ تهران خواستار بازداشت و بازجویی فعالان سیاسی شده بود که درباره مسمومیت‌ها اظهار نظر می‌کنند. او خواستار احضار و بازجویی فعالانی شد که نیروهای مذهبی و نظام را متهم به مسموم کردن دانش‌آموزان می‌کنند. این روزنامه افزوده که مراجع قضایی و امنیتی می‌توانند با احضار و بازجویی از آنان، «سرنخ‌هایی از اتاق عملیات فتنه اخیر به دست آورند.»

با گذشت بیش از سه ماه از حملات شیمیایی به مدارس ایران و پس از دو ماه و نیم سکوت و فراقکنی مقامات حکومتی، گسترش حملات به اکثر نقاط کشور و مسمومیت هزاران دانش‌آموز در شهرهای مختلف در نهایت مقامات جمهوری اسلامی را مجبور کرد به این حملات واکنش نشان دهند. واکنش مقامات و رسانه‌های حکومتی از اعتراف به حملات بیولوژیک سازمانیافته توسط گروهی حرفه‌ای و سازمانیافته تا پافشاری بر انکار حملات شیمیایی و جو‌زدگی دانش‌آموزان متفاوت است.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی پس از بیش از سه ماه سکوت درباره حملات شیمیایی به مدارس، روز گذشته در حاشیه درختکاری در حیاط خانه‌اش در دو جمله کوتاه و البته با ابراز تردید درباره اینکه این حملات واقعی باشد، آن را «یک جنایت بزرگ و غیرقابل اغماض» خواند و خواستار اشد مجازات عوامل آن شد. وی گفت: «اگر مسمومیت دانش‌آموزان اثبات شود، باید عوامل این جنایت به اشد مجازات برسند.»

در پی سخنان خامنه‌ای، عصر دوشنبه در حاشیه نشست هیئت دولت ابراهیم رئیسی خواستار پیگیری جدی موضوع مسمومیت‌ها شد اما ساعاتی بعد وزارت کشور که از سوی دولت مسئول بررسی موضوع شده است، در بیانیه‌ای حملات سازمانیافته را بطور کلی رد کرد و فاجعه‌ای در سطح ملی را به موارد محدود و از سر ماجراجویی کاهش داد!

در بیانیه وزارت کشور آمده که «در آزمایش‌های انجام‌شده در کمتر از پنج درصد مراجعین مواد محرکی یافت شده که منجر به بدحالی دانش‌آموزان و بروز علائمی شده است که خوشبختانه هیچ‌کدام منجر به مخاطرات و عوارض پایدار برای فرزندانمان نشده است، این می‌تواند یک اقدام عاقلانه و جنایتکارانه باشد و تحقیقات در این زمینه توسط دستگاه‌های اطلاعاتی و انتظامی ادامه دارد.»

در ادامه اما آمده است: «در نشست مشترک کمیته علمی وزارت بهداشت و درمان، بنا به اطلاعات ارائه‌شده استانداران مرتبط با موضوع و سایر بخش‌های مربوطه، معلوم شد که بیش از ۹۰ درصد ابراز ناراحتی دانش‌آموزان ناشی از اضطراب و نگرانی‌های ایجادشده در فضای کلاس و مدرسه بوده است.»

این بیانیه همچنین افزوده که «برابر بررسی‌های به عمل آمده بخشی از مواردی که منجر به ایجاد التهاب در برخی از مدارس شده است، ناشی از اقدامات ماجراجویانه است که مسئله مورد رسیدگی قرار گرفته است.»

وزارت کشور همچنین روزنامه‌نگاران، فعالان مدنی، و فعالان صنفی آموزگاران و دیگر شهروندانی را که به

تحقیقات و بررسی‌ها برای کشف این موضوع ادامه دارد». حملات شیمیایی سازمانیافته به مدارس ایران از سه ماه پیش در نهم آذرماه آغاز اما از هفته گذشته به شدت گسترده شد. بر اساس آخرین آمار رسمی اعلام شده از سوی محمدحسن آصفری عضو کمیته حقیقت‌یاب مجلس شورای اسلامی تا ۱۵ اسفند بیش از پنج هزار دانش‌آموز در ۲۵ استان و حدود ۲۳۰ مدرسه هدف حملات شیمیایی تروریستی قرار گرفته‌اند.

حملات تروریستی و بیولوژیکی به مدارس ایران در ابتدا دبیرستان‌های دخترانه را هدف قرار داد اما طی دو هفته گذشته تعدادی از دبیرستان‌های پسرانه، دبستان‌های دخترانه و پسرانه و خوابگاه‌های دانشجویی و دانشگاه‌ها نیز هدف این حملات قرار گرفتند.

در ادامه بی‌کفایتی جمهوری اسلامی در شناسایی و اعلام نام آماران و عاملان حملات و در حالیکه بخش گسترده‌ای از افکار عمومی دست داشتن بخشی از نظام در این حملات را باور دارند، روز گذشته تجمعاتی اعتراضی از سوی آموزگاران و اولیا دانش‌آموزان و دیگر شهروندان در شهرهای مختلف ایران برگزار شد.

مشهد، شیراز، تهران، کرج، اهواز، کازرون، سمنان، بابل، رشت، کاشمر، هرسین، جلفا و دیواندره از جمله شهرهایی بودند که تجمعات اعتراضی در آنها شکل گرفت.

«فریاد، فریاد، از اینهمه بیداد»، «امنیت مدارس حق مسلم ماست»، «مسئول بی‌کفایت، استعفا استعفا»، «حمله شیمیایی محکوم باید گردد»، «مرگ بر حکومت بچه‌کش» و «آهای آهای نشسته‌ها، مسموم بعدی از شماست» از شعارهایی است که در تجمعات اعتراضی شهرهای مختلف سر داده شد.

واکنش‌ها به مسموم‌سازی دانش‌آموزان و دانشجویان به اشکال دیگری نیز ادامه دارد. از جمله دانشجویان دانشگاه «تربیت مدرس» تهران با انتشار بیانیه‌ای به «حملات شیمیایی به دانش‌آموزان» اعتراض کردند و نوشتند: «همانی که در خیابان به گلوله می‌بندد و در زندان تجاوز و شکنجه و اعدام می‌کند پشت این حمله‌های تروریستی به دانش‌آموزان است».

در بیانیه دانشجویان «تربیت مدرس» آمده که «اگر امروز جلوی این حملات تروریستی نایستیم به ساحت‌ها و فضاهای دیگر جامعه نیز کشیده خواهد شد و هیچ‌کس و هیچ‌جا ایمن نخواهد بود و فردای ایران را از امروز نیز تیره‌تر خواهد کرد».

این بیانیه با تأکید بر اینکه «راه مقابله با این تروریسم حکومتی مشابه قبل است: همبستگی جمعی و اعتراض در خیابان و دانشگاه و مدرسه» نوشته که «برونرفت از این وحشت جز به دست مردم ممکن نمی‌شود. هیچ نیروی اهریمنی‌ای را توان ایستادن در مقابل قدرت مردم نیست». از سوی دیگر سازمان نظام پزشکی کشور در بیانیه‌ای با محکوم کردن موضوع مسمومیت دانش‌آموزان، ضمن درخواست از مسئولین امر برای پیگیری این موضوع، آمادگی خود را برای همکاری با استفاده از ظرفیت جامعه پزشکی و انجمن‌های علمی مربوطه اعلام کرد.

در بیانیه سازمان نظام پزشکی آمده است: «فاجعه تاسف‌بار مسموم‌سازی دانش‌آموزان، که موجبات نگرانی جامعه، بخصوص خانواده‌های دانش‌آموزان را باعث شده است، جنایتی ضدبشری در حق دختران این سرزمین است که در این روزهای پایانی سال، سلامتی جسم و روح مردم کشورمان را نشانه گرفته است. این اقدام سبانه از سمت هر گروه و جریان و یا سرویسی باشد شدیداً مذموم و محکوم است».

## وزارت کشور مسمومیت دانش‌آموزان را پذیرفت اما گردن شهروندان معترض انداخت!



اقدامات خود را انجام می‌داده‌اند و طی روزهای اخیر با پرتاب گاز نیتروژن به داخل ۷ مدرسه در شهرستان لارستان باعث بدحالی ۵۳ نفر از دانش‌آموزان شده بودند».

سخنگوی فراجا با بیان اینکه ۳ خانم دستگیر شده ضمن انجام اقدامات از آن فیلمبرداری و به شبکه‌های معاند از جمله «ایران اینترنشنال» ارسال می‌کرده‌اند، گفته که «متهمان در تحقیقات انگیزه خود از این اقدامات را ایجاد جو بدبینی نسبت به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و همچنین ایجاد فضای ناامنی در مدارس اعلام کردند».

پیشتر نیز مجید میراحمدی معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور از دستگیری تعدادی در رابطه با این پرونده در پنج استان خبر داده و گفته بود که «البته مواردی هم که جنبه غیر معاندانه داشتند».

معاون امنیتی وزیر کشور، مسمومیت‌ها در برخی مدارس را به «شوخی میان دانش‌آموزان با دوستانشان» و «ماجراجویی» آنها مرتبط کرد و گفت چون قصد «معاندانه» نداشتند به آنها تذکر داده شد و «آگاه» شدند. او افزوده که «جای نگرانی جدی وجود ندارد و میزان موارد رخ داده در مدارس به صورت چشمگیری کاهش یافته است».

در ادامه تحقیقات برای شناسایی عوامل حملات گازی به مدارس مختلف، رئیس کل دادگستری استان البرز از تشکیل شعب ویژه برای رسیدگی به مسمومیت‌های اخیر دانش‌آموزان خبر داده است. حسین فاضلی هریکندی البته گفته است، علاوه بر عوامل دخیل در مسمومیت دانش‌آموزان، به اشخاصی که با دروغ‌پردازی ایجاد التهاب می‌کنند، نیز برخورد خواهد شد. از سوی دیگر فداحسین مالکی عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی اعلام کرد که با وجود برخی دستگیری‌ها، هنوز «سرنخ و عامل اصلی» مسمومیت‌های مشکوک دانش‌آموزان پیدا نشده است و

وزارت کشور در بیانیه جدیدی تلاش کرده شهروندان معترض را عامل مسمومیت دانش‌آموزان در بیش از ۲۵۰ مدرسه و در ۲۵ استان کشور معرفی کند.

سخنگوی ناچا گفته تیمی شامل دو مرد ۵۰ و ۲۲ ساله و سه زن که یکی از آنها دانش‌آموز مردودی ۲۱ ساله است در رابطه با مسموم‌سازی مدارس شهرستان لارستان دستگیر شدند.

معاون امنیتی وزیر کشور مسمومیت‌ها در برخی مدارس را به «شوخی میان دانش‌آموزان» و «ماجراجویی» آنها مرتبط کرد و گفت چون قصد «معاندانه» نداشتند به آنها تذکر داده شد و «آگاه» شدند.

وزارت کشور در سومین بیانیه خود درباره مسمومیت‌های سازمانیافته در مدارس مدعی شده که «برخی دستگیرشدگان دارای سابقه حضور در اغتشاشات و ارتباط با رسانه‌های معاند هستند». سخنگوی نیروی انتظامی نیز از دستگیری پنج نفر به اتهام دست داشتن در مسموم ساختن دانش‌آموزان شهرستان لارستان فارس خبر داده است.

وزارت کشور جمهوری اسلامی که مسئول تیم تشکیل شده از سوی دولت در رابطه با پرونده مسمومیت دانش‌آموزان است در بیانیه جدیدی تلاش کرده شهروندان معترض را عامل مسمومیت دانش‌آموزان در بیش از ۲۵۰ مدرسه و در ۲۵ استان کشور معرفی کند.

در این بیانیه آمده که «سه نفر از افراد دستگیرشده دارای سوء سابقه از جمله فعالیت در اغتشاشات اخیر هستند و ارتباط آنان با رسانه‌های معاند خارجی که نقش برجسته‌ای در اغتشاشات و جنگ ترکیبی اخیر داشته‌اند، محرز شده است».

این وزارتخانه در سومین بیانیه خود نوشته که چند «تیم» مظنون به دست داشتن در این مسمومیت‌ها را بازداشت کرده است. این بیانیه در ادامه مدعی شده که «برابر اطلاع واصله در مورد یکی از تیم‌های چهار نفره، سه نفر از آنان دارای سوء سابقه از جمله فعالیت در اغتشاشات اخیر هستند و ارتباط آنان با رسانه‌های معاند خارجی که نقش برجسته‌ای در اغتشاشات و جنگ ترکیبی اخیر داشته‌اند، محرز شده است».

در بیانیه وزارت کشور همچنین آمده که نیروهای امنیتی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی این افراد را «در شش استان خوزستان، آذربایجان غربی، فارس، کرمانشاه، خراسان و البرز» بازداشت کرده‌اند. در شرایطی که هویت این افراد اعلام نشده اما در ادامه ادعاها آنها به «تهیه مواد تحریک‌کننده و انتشار آن در بین دانش‌آموزان» متهم شده‌اند.

وزارت کشور در بیانیه پیشین خود که شامگاه دوشنبه ۱۵ اسفند منتشر شد موضوع مسمومیت دانش‌آموزان را رد کرده و درباره نتیجه بررسی‌های علت مسمومیت دانش‌آموزان مدعی شده بود که مسمومیت‌ها ناشی از «اقدامات ماجراجویانه» بوده و «در کمتر از پنج درصد» از موارد بستری عامل مسمومیت وجود داشته و «بیش از ۹۰ درصد ابراز ناراحتی دانش‌آموزان ناشی از اضطراب و نگرانی‌های ایجادشده در فضای کلاس و مدرسه بوده است».

سردار سعید منتظرالمهدی سخنگوی نیروی انتظامی از دستگیری پنج نفر به اتهام دست داشتن در مسمومیت دانش‌آموزان در شهرستان لارستان استان فارس خبر داد و گفت که این افراد «شامل دو مرد ۵۰ و ۲۲ ساله و سه زن هستند و یکی از زنان، یک دانش‌آموز مردودی ۲۱ ساله» است. منتظرالمهدی افزوده که «این افراد به صورت تیمی

بیش از ده میلیون نفر جمعیت در آذربایجان شرقی، غربی و حومه آن صورت گرفته می‌گیرد؟!  
به اصل موضوع و میزان اکتشاف لیتیوم اعلام شده در همدان نیز برگردیم و فارغ از درست یا غلط بودن آن به محاسبه کلی بر اساس معیارهای موجود بپردازیم.  
با احتساب ۱ تا ۵/۱ درصد اکسید لیتیوم (LiO<sub>2</sub>) بر

## کشف معدن لیتیوم؛ جنجال بر سر «هیچ»



اورمیة؛ عکس‌های کاوه منافزاده و حسین محمودی

میانگین معیار و خلوص جهانی که معادل ۱۸/۰ تا ۲۹/۰ درصد لیتیوم خالص می‌شود و با فرض اینکه عیار معدن مربوطه نیز در همین دامنه قرار داشته باشد، اگر این اعداد را در ذخیره ۵/۸ میلیون تنی اعلام شده ضرب کنیم، حجم ذخیره لیتیوم خالص این معدن بین ۱۵ تا ۲۴ هزارتن برآورد می‌شود که با احتساب قیمت هر کیلوگرم ۵۰ دلار در بازار جهانی و نوسانات نرخ آن به رقمی معادل ۷۰۰ تا ۹۰۰ میلیون دلار خواهیم رسید. آیا ایران اقبال فروش این کالای باارزش را در پی تحریم‌های پولی و بین‌المللی خواهد داشت یا این موضوع هم صرفاً به منزله اهرم فشاری دیگر برای مانور سیاسی و چانه‌زنی در موضوعات مورد منازعه خواهد بود، مضافاً اینکه آیا پس از کسر هزینه‌های استخراج و تولید، این محصول در مرحله سوددهی خواهد بود؟

نکته دیگر اینکه این حجم از ذخیره در مقایسه با ذخایر کشورهای نظیر شیلی (با ۹ میلیون و ۲۰۰ هزار تن ذخیره درجا)، استرالیا (با ۵ میلیون و ۷۰۰ هزار تن ذخیره درجا) و آرژانتین (با ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تن ذخیره درجا) مقدار زیادی محسوب نمی‌شود.

و اما اصلی‌ترین نکته اینکه استخراج و تولید هر تن لیتیوم به گفته کارشناسان، به نیم میلیون گالن آب (معادل دو میلیون لیتر آب) نیاز دارد، بطوری که در شیلی که بارش سالانه «نیم اینچ» (معادل ۷/۱۲ میلی‌متر) است، استخراج لیتیوم «حدود ۶۵ درصد» از منابع آبی منطقه را مصرف می‌کند و با دامن زدن به خشکسالی مشکلات مردم منطقه را بیشتر می‌کند.

این موضوع در حالی مطرح می‌شود که ایران طی دو دهه اخیر در بدترین شرایط از نظر میزان بارندگی و خشکسالی در وضعیت بحرانی قرار دارد بطوری که در مورد طرح‌های توجیهی و انتقال آب تصمیم گرفته شده و در حال اجراء است. و اما پرسش اساسی اینجاست: چه سیاستی در پس خشکاندن اقلیم ایران و طرح‌های انتقال آب و دیگر سیاست‌های غلط محیط زیست قرار داشته و همچنان نیز ادامه دارد. در پایان با توجه به تداوم تخریب محیط زیست ایران و پیش‌بینی‌هایی که بر اساس شواهد عینی درباره دهه‌های پیش رو می‌شود، باید گفت: اهورامزدا این کشور را از دشمن، از خشکسالی و از دروغ حفظ نماید.

باشد، بنابراین، امنیت عرضه لیتیوم به اولویت اصلی شرکت‌های فناوری در آسیا، اروپا و ایالات متحده تبدیل شده است. اما به ایران و خبر اکتشاف لیتیوم در هفته اخیر و تاریخچه این موضوع می‌پردازیم.

نیک‌آهنگ کوثر زمین‌شناس و روزنامه‌نگار حوزه آب در مصاحبه‌ای با صدای آمریکا VOA در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ می‌گوید، اگر انگیزه‌هایی برای جلوگیری از احیای دریاچه‌های شور ایران وجود داشته باشد، باید دید چه مجموعه‌هایی پشت این ماجرا می‌توانند باشند که اینقدر قدرت داشتند که بتوانند مانع ورود آب به دریاچه ارومیة بشوند، به گفته نیک‌آهنگ کوثر، «اگر خبر معدن‌کاوی لیتیوم به این نحو درست باشد، باید منتظر خسارت‌های بعدی هم باشیم.»

ایرنا خبرگزاری دولتی جمهوری اسلامی اواسط شهریور در گزارشی تأکید کرد که خشکیدن این منابع آبی مهم ایران «در پس خود منابع مالی زیادی» به واسطه «استخراج لیتیوم» به همراه دارد. در این گزارش بدون ذکر جزئیات بیشتر، با استناد به «گزارش‌های رسانه‌ای» اشاره شده است که «شاید» وجود لیتیوم در کف این دریاچه‌ها را بتوان به عنوان یک احتمال در تعلق مقامات حکومتی ایران در احیای دریاچه‌ها از جمله ارومیة مطرح کرد.

در این گزارش به خشک شدن دریاچه‌های نمک قم، حوض سلطان، بختگان، هامون، کافت، مهارلو، پریشان، طشک، جازموریان، و اینبار ارومیة، و همچنین تالاب گاوخونی اشاره شده است. از این میان بر اساس «اکتشافات پهنه‌های معدنی در سال ۱۳۹۳»، دریاچه نمک قم، تالاب حوض سلطان، و دریاچه ارومیة از جمله «مهمترین منابع غنی لیتیوم» نام برده شده‌اند.

لیتیوم در سفره‌های زیرزمینی زیر بیابان‌های نمکین یافت می‌شود و از نمک و سنگ سخت به دست می‌آید و رسوبات منابع آبی شور عیار بالاتری از آن را تأمین می‌کنند، بطوری که اقیانوس‌ها «حدود پنج هزار برابر» بیش از خشکی این عنصر گرانبها را در خود دارند.

آیا دلیل خشکاندن دریاچه‌های نمکی ایران و بخصوص دریاچه ارومیة می‌تواند به دلیل استخراج لیتیوم باشد؟ اگر چنین است آیا این امر واقعاً به قیمت آوارگی و کوچ اجباری

ایرنا خبرگزاری دولتی جمهوری اسلامی اواسط شهریور در گزارشی تأکید کرد که خشکیدن منابع آبی مهم ایران مانند دریاچه ارومیة «در پس خود منابع مالی زیادی» به واسطه «استخراج لیتیوم» به همراه دارد.

در این گزارش به خشک شدن دریاچه‌های نمک قم، حوض سلطان، بختگان، هامون، کافت، مهارلو، پریشان، طشک، جازموریان و تالاب گاوخونی نیز اشاره شده است. از این میان بر اساس «اکتشافات پهنه‌های معدنی در سال ۱۳۹۳»، دریاچه نمک قم، تالاب حوض سلطان و دریاچه ارومیة از جمله «مهمترین منابع غنی لیتیوم» نام برده شده‌اند.  
اصلی‌ترین نکته اینکه استخراج و تولید هر تن لیتیوم به گفته کارشناسان، به نیم میلیون گالن آب (معادل دو میلیون لیتر آب) نیاز دارد، بطوری که در شیلی که بارش سالانه «نیم اینچ» (معادل ۷/۱۲ میلی‌متر) است، استخراج لیتیوم «حدود ۶۵ درصد» از منابع آبی منطقه را مصرف می‌کند و با دامن زدن به خشکسالی مشکلات مردم منطقه را بیشتر می‌کند.

حمید انزایی - به تازگی یکی از مسئولین وزارت صمت خبر از کشف معدن لیتیومی با ذخیره ۸ میلیون و پانصد هزار تن کانسنگ لیتیوم داده است. اصل مطلب و خبر را می‌توان قابل توجه و اهمیت قلمداد کرد چرا که لیتیوم یک عنصر شیمیایی طبیعی و فلزی نرم و سبک با چگالی کم است که امروزه با گسترش تکنولوژی در زندگی بشر اهمیت بیشتری پیدا کرده و ممکن است کمیاب شود.

عنصر «Li» در جدول تناوبی، به یک عنصر حیاتی در عصر امروز تبدیل شده است و برای ساخت باتری‌های «لیتیوم یون» مورد استفاده در بسیاری از وسایل مصرفی روزانه از جمله کامپیوتر، لپ‌تاپ، تلفن‌های هوشمند، اتومبیل‌های الکتریکی و پهپادها به کار می‌رود.

با این حال، عدم دقت در متن خبر، باعث به وجود آمدن اشتباه محاسباتی شده که یک موج رسانه‌ای در خبرگزاری‌های داخلی و خارجی ایجاد کرده و این اشتباه تا جایی پیش رفته که اطلاعات آن در صفحه ویکی‌پدیا مربوط به کشورهای تولیدکننده لیتیوم، ایران در رتبه‌بندی سوم قرار گرفته و به نظر می‌رسد شخص ویرایش‌کننده دانش و یا درک درستی از این موضوع نداشته که در صفحه مربوط به تولیدکنندگان این عنصر دست به ویرایش زده، حال آنکه ما در ابتدای راه و تنها در صدر اخبار اکتشاف این عنصر قرار داریم.

قبل از پرداختن به این موضوع به اکتشاف و استخراج لیتیوم در جهان و کشورهای مهم و ذخایر آنها می‌پردازیم. طبق گزارش سازمان زمین‌شناسی ایالات متحده، چهار عملیات معدنی در استرالیا، دو عملیات آب نمک در آرژانتین و شیلی، و دو عملیات آب نمک و یک عملیات معدنی در چین بیشترین تولید جهانی لیتیوم را در سال ۲۰۲۱ به خود اختصاص داده‌اند.

بزرگترین تولیدکننده لیتیوم در جهان، Albemarle Corporation، در معدن «شیلی سالار د آتاکاما» با مشارکت دومین تولیدکننده بزرگ Sociedad Química y Minera de Chile (SQM) فعالیت می‌کند.

«سالار د آتاکاما» تقریباً یک چهارم عرضه کنونی لیتیوم جهان را در خود جای داده و از دهه ۱۹۸۰ فعال است.

بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰، مصرف لیتیوم در باتری‌ها بطور متوسط سالانه ۲۰ درصد افزایش داشته است.

در دهه بعد این رقم برای باتری‌ها به ۱۰۷ درصد در سال افزایش داشته و مصرف کلی لیتیوم بطور متوسط سالانه ۲۷ درصد افزایش یافت.

بر اساس گزارش بلومبرگ NEF پیش‌بینی می‌شود که تقاضا برای لیتیوم تا اواسط دهه تقریباً سه برابر از سطح سال گذشته

## دستورالعمل عجیب به مدیران مدارس درباره حملات بیولوژیک؛ نخستین واکنش خامنه‌ای پس از چند ماه!



آبادان/ ۱۴ اسفند ۱۴۰۱

تأیید کرد که حوالی ساعت ۸ شب در خوابگاه «حضرت فاطمه» دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، بویی شبیه به بوی سوختگی احساس شده و دانشجویان پس از استشمام این بو از خوابگاه خارج شدند.

گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد بیش از ۱۲۰ مدرسه مورد حمله تروریستی قرار گرفته و هزاران دانش‌آموز در شهرهای مختلف راهی بیمارستان شده‌اند.

یک منبع مطلع از کادر درمان در شهر اهواز به کیهان لندن گفته که «تنها در بامداد روز گذشته، یکشنبه ۱۴ اسفندماه، ۳۵۰ دانش‌آموز طی حمله به شش مدرسه در استان خوزستان در بیمارستان بستری شدند که البته آمار حملات به مدارس فقط در این استان تا ظهر به ۲۰ مدرسه افزایش یافت و در اهواز حداقل ۷۰۰ دانش‌آموز با علائم مسمومیت شدید در بیمارستان‌ها بستری شدند.»

او معتقد است حملات روز گذشته در شهر اهواز و بطور کلی استان خوزستان گسترده‌ترین موارد طی روزهای گذشته بوده است. بطوری که تقریباً در تمام محله‌ها مدرسی درگیر حمله شدند. او تأیید کرده که «بخشی از دانش‌آموزان قربانی به بیمارستان مراجعه نمی‌کنند؛ در اغلب موارد عدم مراجعه به بیمارستان از ترس پیامدهای آن و بی‌اعتمادی به حکومت است. آنها و اولیاءشان ترجیح می‌دهند نوجوانان در خانه و با مشاوره پزشکان آشنا دوران نقاهت خود را سپری کنند.»

به گفته این منبع «نیروهای امنیتی همیشه در بیمارستان‌ها و تحت عنوان حراست وجود داشتند اما در روزهای گذشته بطور ویژه در زمان انتقال دانش‌آموزان تعداد نیروهای لباس شخصی در بیمارستان افزایش پیدا می‌کند. من در بخش اورژانس شاغل نیستم اما از همکارانم شنیدم که برخورد با والدین دانش‌آموزان از سوی مأموران اصلاً مناسب

مسمومیت دانش‌آموزان بر اثر حمله شیمیایی و بیولوژیک به مدارس از چهارشنبه گذشته از نظر جغرافیایی و شمار مدارس هدف قرار گرفته به شدت گسترش یافته است. بر اساس دستورالعمل جدید امنیتی به مدارس در رابطه با مسمومیت‌ها، پخش شیرینی، صحبت با رسانه‌ها و خروج از مدرسه در صورت وقوع حمله ممنوع شده است.

دبیرستان دخترانه «پروین» و هنرستان دخترانه «هاجر» در شهرستان دیواندره، روز دوشنبه ۱۵ اسفند هدف حملات شیمیایی نظام تروریستی جمهوری اسلامی قرار گرفته و شماری از دانش‌آموزان مسموم به مراکز درمانی منتقل شده‌اند.

اندیمشک، کیش، شوش، گچساران، یزد، سلماس، دورود، لارستان، میانه، بانس، دهلران، جالاب، شاندرمن، ماسال، شیراز، قوچان، نیشابور، خدابنده، تهران و گرگان از دیگر شهرهایی هستند که در نخستین ساعات صبح دوشنبه ۱۵ اسفند مورد حملات شیمیایی قرار گرفتند.

هرچند دبیرستان‌های دخترانه بیشترین هدف حملات بیولوژیک هستند اما از یکسو این حملات به دبیرستان‌های پسرانه، دبستان‌های دخترانه و پسرانه و خوابگاه دانشجویان نیز کشیده شده و از سوی دیگر روز گذشته برای نخستین بار در پاساژ ساحل گلستان در اهواز نیز مسمومیتی مشابه رخ داد و تعدادی از شهروندان را راهی بیمارستان کرد.

شورای صنفی دانشجویان کشور نیز گزارشی منتشر کرده از حمله شیمیایی به دانشکده‌ی علوم پایه‌ی دانشگاه «محقق اردبیلی» و نوشته است که آمبولانس به محل حادثه اعزام شده است. بر اساس این گزارش پیش از وقوع حمله، برق ساختمان قطع و تهویه‌ها خاموش شده و سپس گاز در هوا منتشر شده است. این شورا شب گذشته نیز در گزارشی

● بر اساس دستورالعمل جدید امنیتی ابلاغ شده به مدارس در رابطه با مسمومیت‌ها، پخش شیرینی، صحبت با رسانه‌ها و خروج از مدرسه در صورت وقوع حمله ممنوع شده است.

● هرچند دبیرستان‌های دخترانه بیشترین هدف حملات بیولوژیک هستند اما از یکسو این حملات به دبیرستان‌های پسرانه، دبستان‌های دخترانه و پسرانه و خوابگاه دانشجویان نیز کشیده شده و از سوی دیگر روز گذشته برای نخستین بار در پاساژ ساحل گلستان در اهواز نیز مسمومیتی مشابه رخ داد و تعدادی از شهروندان را راهی بیمارستان کرد.

● یک منبع آگاه به کیهان لندن گفته که حملات روز گذشته در شهر اهواز و بطور کلی استان خوزستان گسترده‌ترین موارد طی روزهای گذشته بوده است. بطوری که تقریباً در تمام محله‌ها مدرسی درگیر حمله شدند.

● در حالی که آمران و عاملان حملات تروریستی به مدارس کشور آزاده پروژه خود را پیش می‌برند، نهادهای امنیتی علی‌پورطباطبایی خبرنگار ساکن شهر قم را که موضوع مسمومیت‌ها در این شهر را پیگیری می‌کرده بازداشت کردند.

● علی خامنه‌ای پس از چند ماه سکوت درباره این حملات روز دوشنبه ۱۵ اسفند در حاشیه کاشت درخت در حیاط خانه‌اش با ابراز تردید درباره این جنایات گفته که «اگر مسمومیت دانش‌آموزان اثبات شود، باید عوامل این جنایت به اشد مجازات برسند.»

● نهادها و سازمان‌های مختلفی که بر اساس مسئولیت و وظیفه با وقوع چنین بحران بزرگی در سطح ملی می‌بایست به صورت شایه‌روزی در تلاش می‌بودند، این روزها در بی‌اعتنایی و خون‌سردی بسر می‌برند و این موضوع بیش از پیش بر خشم مردم افزوده است.

قضای و امنیتی با احضار و بازجویی از متشرکنندگان این اتهام‌پراکنی‌های مشابه بتوانند سرخ‌هایی از اتاق عملیات فتنه اخیر به دست آورند؛ فتنه‌ای که مأموریت قانونی آن، ترور شخصیت نظام توسط یگان رسانه‌ای فتنه اخیر است.» جدا از اظهار نظرها اما نهادها و سازمان‌های مختلفی که بر اساس مسئولیت و وظیفه با وقوع چنین بحران بزرگی در سطح ملی می‌بایست به صورت شبانه‌روزی در تلاش می‌بودند، در نوعی بی‌اعتنایی و خونسردی بسر می‌برند و این موضوع بر خشم عمومی مردم افزوده است. عدم شناسایی و معرفی عوامل این حملات در سطح کشوری بیش از پیش احتمال دست داشت جریانات جمهوری اسلامی در این حملات را افزایش داده است.

ملک فاضلی عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی پیشتر گفته بود جلسات این کمیسیون از یک ماه پیش تشکیل نشده و در نتیجه گزارشی درباره این حملات در کمیسیون ندارند. اکنون محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی با تأخیری سه ماهه، کارگروهی برای پیگیری و شناسایی عوامل پشت پرده مسمومیت‌ها تشکیل داده و چهار رئیس کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری، کمیسیون امنیت ملی، کمیسیون امور داخلی و شوراها و کمیسیون بهداشت و درمان هم قرار است برای انتخاب اعضای این کارگروه، به زودی جلسه تشکیل دهند. اواخر هفته گذشته نیز در کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس جلسه‌ای با حضور ماموران امنیتی برگزار شد که هنوز خروجی آن مشخص نیست و اطلاع‌رسانی درباره آنچه در نشست رخ داده انجام نشده است.

جمهوری اسلامی آنقدر بی‌عملی و پنهانکاری و رفتارهای غیرمسئولانه درباره حملاتی که حالا وارد چهارمین ماه شده انجام داده که برخی مقامات تلاش می‌کنند با قسم و آیه بگویند این حملات کار جمهوری اسلامی نیست.

جلال رشیدی کوچی امروز دوشنبه ۱۵ اسفند در گفتگو با وبسایت «عصر ایران» با تأکید بر اینکه «این حملات جنبه امنیتی دارد» گفته که «شاهد این بودیم که این اتفاقات در قم از اواسط آذرماه شروع شد و بهتر این بود موضوع را مدیریت می‌کردند که فرصت را در اختیار دشمنان قرار ندهیم که انگشت اتهام را به ناحق به سمت نظام بگیرند. همه می‌دانیم که حاکمیت و نظام هیچوقت این کار را انجام نمی‌دهد البته احتمالاتی هم مطرح است عده‌ای می‌گویند کار تندرهای مذهبی است که هیچ سند و مدرکی برای این ادعا نیز وجود ندارد فقط با اتکا به اینکه در گذشته اینگونه رفتارها را البته نه در این سطح از این گروه‌ها شاهد بودیم. این احتمالات هم جای ابهام دارد و نباید به راحتی آن را مطرح کرد.»

شهریار حیدری عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی نیز امروز در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» گفته که «مسمومیت دانش‌آموزان کاملاً یک حرکت سازمانیافته است و باید وزارتخانه‌های مختلف با توجه به شرح وظایف‌شان در شورای امنیت کشور که قابل تفکیک است، سریعاً موضوع را بررسی کنند.»

شهریار حیدری گفته که «سال‌ها در حوزه وزارت کشور و امنیت کار کرده‌ام نوع رفتارها حکایت از یک کار سازمانیافته دارد که قاعدتاً از پیچیدگی خاص خودش برخوردار است.» این نماینده مجلس همچنین خبر داد که با وجود گذشت سه ماه و نیم از آغاز این مسمومیت‌ها، نهادها پیگیری لازم را انجام نداده‌اند. وی افزود که «برای پیگیری موضوع نیازمند جلسات مکرر و مستمر شورای امنیت کشور هستیم و شرح وظایف دستگاه‌ها باید در این شوراها مشخص شود.»

استان قزوین به جد پیگیر این موضوع است و بر اساس پیگیری‌های صورت گرفته از وضعیت عمومی دانش‌آموزان، گزارش شده که ۹۵ درصد آنان دچار استرس و اضطراب شدند.» و افزوده که «عاملان فتنه و اتفاقات اخیر پشت این ماجرا هستند و دشمنان نظام متوسل به این چالش و بحران در کشور شدند که اهدافشان کاملاً روشن است.»

مصطفی رستمی رئیس نهاد نمایندگی خامنه‌ای در دانشگاه‌ها نیز در اظهاراتی عجیب گفته که «امروز از همه ابزارها برای ایجاد تصویری مخدوش و سیاه از ایران استفاده می‌شود که یکی از آنها همین پروژه صهیونیستی مسموم‌سازی یا القای مسمومیت به دانش‌آموزان است.» در این میان اما برخوردهای امنیتی با دانش‌آموزان، خانواده‌هایشان و فشار به مدیران مدارس برای پنهانکاری درباره این حملات همچنان انگشت اتهام افکار عمومی را به سوی جمهوری اسلامی دراز کرده است. روزنامه «اعتقاد» خبر داده که ادارات آموزش و پرورش مناطق در جلساتی با مدیران مدارس از آنها خواسته‌اند از بخش کردن شیرینی در مدرسه ممانعت کنند، در صورت وقوع مسمومیت موضوع را به اورژانس اطلاع دهند، تا جای ممکن، از انتشار خبر آن در رسانه‌ها جلوگیری کنند و کسی از مدرسه بیرون نرود.

روزنامه «هم‌میهن» در گزارشی از تدابیر تازه مدارس برای جلوگیری از مسمومیت‌ها خبر داده و نوشته است: «مدیران، سرایدار و مستخدم را مقابل مدرسه مستقر کرده‌اند، پنجره‌ها بسته شده، کلاس‌های رو به خیابان، به سمت دیگری از ساختمان منتقل شده‌اند، فوق‌برنامه‌ها لغو شده، بوفه‌ها تعطیل و ساعت ورود و خروج دانش‌آموزان محدود شده است.»

روزنامه «مردم‌سالاری» نیز در مطلبی نوشته که «دوربین‌های مدرسه و دوربین‌های اطراف و همین مدرسه اگر بازبینی شود کسانی که امنیت کشور را به خطر انداخته‌اند احتمالاً شناسایی خواهند شد و با دستگیری آنان آرامش به جامعه بازخواهد گشت.» گستردگی مدارس از یکی دو شهر قم و بروجرد به دیگر شهرهای کشور و دربرگرفتن جغرافیای گسترده‌ای به استان‌های مختلف تا امروز ناشی از کوتاهی‌هایی بوده که تا کنون صورت گرفته است که اگر همین دستورالعمل یعنی بازبینی دوربین‌ها را در مدارس اولیه انجام داده بودیم قطعاً اجازه داده نمی‌شد این عوامل خارجی و اذتاب داخلی آنان از قم و بروجرد به دیگر استان‌ها و شهرهای کشور بتوانند اعمال جنایتکارانه خود را انجام دهند.»

روزنامه «شرق» نیز در مورد مسمومیت دانش‌آموزان نسبت به افزایش شکاف میان جمهوری اسلامی و مردم ابراز نگرانی کرده و نوشته که «فشل بودن مواجهه رسانه‌ای مسئولان با موضوع کار را به جایی رسانده که عملاً اطلاع‌رسانی درباره بحران از دست مقامات مسئول خارج و شبهات در سطح جامعه چنان عمیق و اساسی شده که اساساً امکان طرح و در نتیجه پاسخگویی به آنها از تریبون‌های رسمی وجود ندارد.»

در این مطلب تأکید شده که «کاهش یافتن و از بین رفتن «باورپذیری» حاکمیت نزد افکار عمومی، خسروانی جدی و ترمیم‌ناشدنی است که عامل اصلی آن، ناکارآمدی مسئولان در برقراری یک کانال اطلاع‌رسانی درست و موثق به افکار عمومی در بزرگراه‌های مختلف است. چیزی که امروز به وضوح پیش چشم‌مان در حال رخدادن است.»

روزنامه «کیهان» چاپ تهران هم راه حل پیگرد و بازجویی فعالان سیاسی و مدنی و کاربران شبکه‌های اجتماعی را برای ماجرای مسمومیت در مدارس دارد. این روزنامه در بخش اخبار ویژه نوشته است: «به نظر می‌رسد مراجع

نیست. اصرار عجیبی به پنهان ماندن و درز پیدا نکردن اطلاعات دارند؛ مثلاً مورد بوده که خانواده خواستار دریافت نسخه‌ای از آزمایش‌های فرزند مسموم‌شده خود بوده اما از دادن جواب آزمایش جلوگیری شده و مقاومت می‌کردند. منظور اینست که جو بی‌اعتمادی را همین کارها و برخوردهای امنیتی با مردمی که صرفاً قربانیان این حملات هستند و نه مقصر، افزایش می‌دهد.»

در حالی که آمران و عاملان حملات تروریستی به مدارس کشور آزادانه پروژه خود را پیش می‌برند، نهادهای امنیتی علی‌پورطباطبایی خبرنگار ساکن شهر قم و از گردانندگان وبسایت «قم نیوز» را بازداشت کردند. علی‌پورطباطبایی در هفته‌های اخیر اخبار مسمومیت دانش‌آموزان در مدارس این شهر را پیگیری می‌کرده و گزارش‌هایی در اینباره منتشر کرده بود. اکانت توییتری این روزنامه‌نگار با نام «خیزران» نیز پس از بازداشت وی از دسترس خارج شده است. نخستین حمله شیمیایی روز نهم آذرماه در هنرستان دخترانه «نور» در قم روی داد که برخی مقامات آنرا انکار کرده و برخی گفتند چیز مهمی نبوده است!

در قم مدارس برای روزهای دوشنبه و سه‌شنبه، ۱۵ و ۱۶ اسفند، غیرحضور شده و علیرضا رحیمی مدیرکل آموزش و پرورش استان قم دلیل آن را جشن «نیمه شعبان» در روز چهارشنبه ۱۷ اسفندماه و حضور گسترده زائران و میهمانان در این شهر اعلام کرده است.

یوسف نوری وزیر آموزش و پرورش که پیشتر گفته بود خبرهای مسمومیت دانش‌آموزان ناشی از «جو روانی» آنها و والدین‌شان است، بالاخره روز گذشته از وقایع پیش آمده درباره مسمومیت‌ها عذرخواهی کرد و گفت که «نگرانی والدین دانش‌آموزان را درک و بابت این اتفاقات عذرخواهی می‌کنیم. منتظر اعلام نتایج آزمایش‌ها هستیم. در استان‌های مختلف بطور جد پیگیر ماجرا هستیم و کمیته فوریت‌ها در ادارات مختلف آموزش و پرورش استان‌ها تشکیل شده است.»

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی نیز پس از چند ماه سکوت درباره حملات شیمیایی به مدارس امروز دوشنبه ۱۵ اسفند و در حاشیه کاشت درخت در حیاط خانه‌اش با ابراز تردید نسبت به این حملات گفته که «اگر مسمومیت دانش‌آموزان اثبات شود، باید عوامل این جنایت به اشد مجازات برسند.»

خامنه‌ای افزوده که «مسئولین باید موضوع مسمومیت دانش‌آموزان را با جدیت دنبال کنند؛ این یک جنایت بزرگ و غیرقابل اغماض است. اگر مسمومیت دانش‌آموزان اثبات شود، باید عوامل این جنایت به اشد مجازات برسند. در مورد این افراد هیچ عفو نخواهد بود.»

اینهمه در حالیست که بسیاری از مقامات جمهوری اسلامی همچنان به دنبال فرافکنی درباره این حملات هستند و بر غیرواقعی بودن حملات و جو‌زدگی دانش‌آموزان و یا انکار حملات شیمیایی اصرار دارند و آن را به «هیستری جمعی» نسبت می‌دهند.

در یکی از آخرین اظهارات، ابوالحسن کبیری معاون استانداری قزوین درباره حملات شیمیایی روز گذشته در مدارس این شهر گفته که «مسمومیت در مدارس قزوین ناشی از مواد سمی خطرناک نیست و به واسطه اسپری فلفل بوده است، هرچند که علت‌یابی این موضوع نیازمند بررسی تخصصی و دقیق‌تر است اما باید گفت که هیچ عامل خارجی در این زمینه دخیل نبوده و هر اتفاقی که صورت گرفته توسط خود دانش‌آموزان بوده است.»

معاون استانداری قزوین گفته که «سازمان اطلاعات

نداشتن امنیت شغلی و چپاولگری‌های پیمانکاران، فضای امنیتی مراکز کاری و پایین بودن استانداردهای زیستی و عدم ایمنی محیط‌های کار از دلائل اعتراضات و اعتراضات کارکنان صنعت نفت در ماه‌های گذشته بوده است.

یکی از اثرات افزایش جمعیت فقیر عدم امکان خرید مسکن است. بانک مرکزی گزارش داده که قیمت مسکن در تهران در مردادماه امسال نسبت به تیرماه ۵/۲ درصد افزایش داشته و به رکورد جدید ۴۲ میلیون و ۷۳۰ هزار تومان برای هر مترمربع رسیده است.

ولی اسماعیلی نایب رئیس کمیسیون اجتماعی به تلاقی اعلام کرده که حق مسکن ۶۵۰ هزار تومانی کارگران از اول مهرماه لازم الاجرا خواهد بود. معوقات آن نیز زمان‌بندی و اعلام بعدی، واریز خواهد شد. حالا با این میزان حق مسکن دریافتی یک کارگر بعد از چند وقت می‌تواند یک متر خانه در تهران بخرد؟

با این کمک هزینه که تازه از مهرماه پرداخت می‌شود یک کارگر باید حداقل حدود ۶۶ ماه یعنی ۵ سال و نیم منتظر بماند تا تنها یک متر خانه در تهران بتواند بخرد و برای خرید یک خانه ۴۰ متری حدود ۵/۲ قرن!

در همین رابطه مهدی هدایت مدیرعامل سازمان نوسازی شهر تهران سه‌شنبه ۱۶ اسفند ۱۴۰۱ در نخستین جلسه کارگروه هم اندیشی مسکن پایتخت گفت: «نیاز به مسکن در تهران و تمام کلان‌شهرها به وضوح احساس می‌شود. بیش از ۲۰۰ هزار پلاک ناپایدار در شهر تهران داریم. به صورت متوسط هر یک از این پلاک‌ها ظرفیت تولید پنج واحد مسکونی را دارند. همچنین، برای ایمن شدن تهران نیاز به یک میلیون ساخت و ساز مسکن استطاعت‌پذیر است.»

مدیرعامل سازمان نوسازی شهر تهران در ادامه افزوده که «بیش از ۵۰ درصد جمعیت تهران مستأجر هستند. شهروندان از بالای شهر به پایین شهر نقل مکان می‌کنند و در نهایت دهک متوسط جامعه در جریان روند افزایش قیمت مسکن در حال خروج از شهرند. مردم به جهت این روند افزایشی قیمت‌ها از تهران به حواشی شهر رانده می‌شوند.»

مهدی هدایت با بیان اینکه مسئله پیش فروش با بی‌اعتمادی برخی متقاضیان عجین شده، گفته که «در بخش خصوصی، گاهی پیش فروش و ساخت ملک‌ها ده سال طول می‌کشد. نیاز به سرمایه‌گذاری برای ساخت مسکن دیده می‌شود، اما پلتفرم یا بستر مناسب و امنی برای فروش آن‌ها وجود ندارد. یکی از دلایل فروش متری مسکن در بورس کالا نیز همین است.»

افزایش فقر و نابرابری یکی از دلائل ایجاد پتانسیل‌های اعتراضی در کشور و در شرایطی است که مردم ایران از شهریور امسال جنبش انقلابی علیه حکومت را آغاز کرده‌اند. به همین دلیل برخی کارشناسان و رسانه‌های حکومتی نیز با تأکید بر این نکته، به حکومت هشدار می‌دهند. روزنامه جمهوری اسلامی در شماره روز سه‌شنبه ۱۶ اسفند با تأکید بر اینکه «بحران اقتصادی متأسفانه اعتقاد مردم به اصول و ارزش‌های دینی و انقلابی را سست کرده و در مواردی به طور کامل از بین برده است» نوشته است «ادامه این وضعیت، نظام جمهوری اسلامی را با خطر جدی مواجه خواهد کرد.»

این روزنامه با اشاره به ناکارآمدی و بی‌کفایتی مسئولان جمهوری اسلامی، افزوده که «در کشور ثروتمندی همچون ایران، قابل قبول نیست که فقر به مردم چهره نشان بدهد و ارزش پول ملی به اندازه‌ای کاهش پیدا کند که مردم نتوانند برای زندگی روزمره خود برنامه‌ریزی کنند.»



یکی از اصلی‌ترین دلایل افزایش جمعیت فقیر کشور کاهش ارزش پولی ملی و افزایش تورم است؛ بدین معنا که ارزش واقعی درآمدهای خانوارها به دلیل کاهش ارزش پول ملی در حال کاهش است و در مقابل قیمت کالاها و خدمات به دلیل افزایش تورم در حال افزایش است. سید مصرفی و سفره خانوارها کوچک و بسیاری از آنها حتی امکان تأمین ضروری‌ترین هزینه‌های زندگی را ندارند.

به گزارش مرکز آمار ایران نرخ تورم نقطه‌ای در بهمن‌ماه امسال به ۴/۵۳ درصد رسیده که در مقایسه با ماه قبل ۱/۲ واحد درصد افزایش یافته است. تورم گروه مواد خوراکی نیز به بیش از ۷۰ درصد رسیده که نشان از تحمیل بیشترین فشار تورمی بر اقشار تنگدست و کم‌درآمد است.

دامنه تغییرات نرخ تورم سالانه در بهمن‌ماه ۱۴۰۱ برای دهک‌های مختلف هزینه‌ای از ۱/۴۵ درصد برای دهک دهم (ثروتمندترین) تا ۹/۵۴ درصد برای دهک اول (فقیرترین) است. به این ترتیب فاصله نزدیک به ۱۰ درصدی تورم فقیرترین و غنی‌ترین کماکان حفظ شده است.

مهدی فیضی استاد اقتصاد دانشگاه فرودوسی مشهد درباره توسعه فقر و نابرابری در کشور به دلیل افزایش تورم، با بیان اینکه «رکود اقتصادی سال‌های اخیر و نااطمینانی بالا در اقتصاد ایران، آسیب‌پذیری نابرابری تورمی را بیشتر کرده» توضیح می‌دهد که «بی‌توجهی به مساله نابرابری تورمی پیامدهای جدی برای درک ما از پویایی فقر و نابرابری درآمدی و اثربخشی سیاست‌های مالی دارد. فهم تفاوت تأثیر سیاست‌های پولی در مناطق مختلف کشور به سیاستگذار نشان می‌دهد که سیاستگذاری بر مبنای شاخص‌های میانگین، مانند تورم، وقتی گستره تغییرات شاخص (واریانس) بسیار معنادار است نه‌تنها می‌تواند تأثیر مثبتی نداشته باشد، بلکه حتی به بدتر شدن وضع شاخص‌ها در حالت‌های حدی (مانند وضع طبقات کمتر برخوردار) بینجامد؛ حتی اگر به‌طور میانگین، وضع جامعه بهتر شده باشد.»

اقشار کارگری از جمله اقشار زیر خط فقر هستند و همین موضوع شمار اعتراضات و اعتصابات کارگران در اصناف مختلف را افزایش داده است. برای نمونه کارگران پتروشیمی گچساران روز سه‌شنبه ۱۶ اسفند در اعتراض به عدم دریافت ۲ ماه دستمزد و فضای امنیتی محیط کار خود دست به اعتصاب زدند. به گزارش منابع کارگری فقر و گرانی، نپرداختن به موقع دستمزدها، اخراج‌ها و

## یکسال بعد از «دستور» رئیسی برای «رفع فقر مطلق»: افزایش جمعیت فقیر و گسترش فلاکت و گرسنگی و بیکاری!

● ابراهیم رئیسی اسفند ۱۴۰۰: یک لحظه و یک شب نباید از حال فقرا غفلت شود. اولویت ما ریشه‌کن کردن فقر مطلق در کشور است و به آقای بختیاری اعلام کردم در رفع فقر مطلق اقدام کنید.

● یکی از اثرات افزایش جمعیت فقیر عدم امکان خرید مسکن است. یک کارگر باید حداقل حدود ۶۶ ماه یعنی ۵ سال و نیم منتظر بماند تا تنها یک متر خانه در تهران بتواند بخرد و برای خرید یک خانه ۴۰ متری حدود ۵/۲ قرن!

● روزنامه جمهوری اسلامی با تأکید بر اینکه «بحران اقتصادی متأسفانه اعتقاد مردم به اصول و ارزش‌های دینی و انقلابی را سست کرده و در مواردی بطور کامل از بین برده است» نوشته است «ادامه این وضعیت، نظام جمهوری اسلامی را با خطر جدی مواجه خواهد کرد.»

یک سال پیش در چنین روزهایی ابراهیم رئیسی «دستور» رفع فقر مطلق را آنهم طی دو هفته صادر کرد و در دولت «ستاد رفع فقر مطلق» تشکیل شد. فقر در ایران نه تنها در دو هفته، که بعد از ۱۲ ماه برطرف نشده و جمعیت فقیر ایران گسترش یافته است.

ابراهیم رئیسی نیمه اسفندماه سال ۱۴۰۰ در سخنانی عجیب گفته بود «یک لحظه و یک شب نباید از حال فقرا غفلت شود. اولویت ما ریشه‌کن کردن فقر مطلق در کشور است و به آقای بختیاری اعلام کردم در رفع فقر مطلق اقدام کنید.»

هرچند ابراهیم رئیسی پس از تشکیل دولت سیزدهم همواره با «دستوردرمانی» به دنبال حل مشکلات اقتصادی بود اما این دستور او با واکنش‌های زیادی روبرو شد. دستور از بین بردن فقر مطلق طی تنها دو هفته در حالی مطرح شده بود که همزمان بر اساس آمارهای حکومتی بیش از ۶۰ میلیون نفر یعنی رقمی حدود ۷۵ درصد از جمعیت کشور زیر خط فقر قرار داشتند. همچنین بر اساس اعلام معاونت رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، تا سال ۹۹، ۲۶ میلیون نفر از جمعیت کشور در «فقر مطلق» زندگی می‌کردند.

اکنون و یکسال پس از آن دستور اما نه تنها فقر مطلق از بین نرفته بلکه جمعیت فقیر ایران با افزایش چشمگیری روبرو شده است.



## آیا شورای حکام از «وقت‌گشی» جمهوری اسلامی با «وعده همکاری با آژانس» بی‌خبر است؟!



آمادگی مذاکره ندارند.»

این بار اول نیست که شورای حکام از صدور قطعنامه علیه جمهوری اسلامی در ازای وعده‌ی همکاری با آژانس صرف نظر می‌کند. مقامات اسرائیل معتقدند این اقدام «وقت‌گشی» رژیم ایران برای دستیابی به مپ است.

### تردیدهای گروسی در مورد پایبندی تهران به توافق

با اینکه مقامات جمهوری اسلامی توافق با گروسی را انکار می‌کنند اما او در اولین روز نشست شورای حکام در وین که ۱۵ اسفند برگزار شد تأکید کرد، «ما از حکومت ایران فقط قول نگرفتیم بلکه با آنها به توافقات مشخص و واقعی دست یافتیم. در عین حال من باید وظیفه‌ام را انجام بدهم و در این راه کوتاه نمی‌آیم.»

با اینهمه بعید است کسی بهتر از گروسی بداند که جمهوری اسلامی قابل اطمینان نیست. از همین رو وی در سخنانش به این موضوع اشاره کرد و در پاسخ به اینکه به نظر می‌رسد خیلی به توافق با مقامات جمهوری اسلامی خوشبین است گفت: «من حتا خوشبین هم نیستم و سعی می‌کنم واقع‌گرا باشم. می‌دانم که اتفاق‌های مهمی افتاده است. سعی می‌کردم این نتایج را به دست آورم. پس به یک معنا، از اینکه به نظر می‌رسد روی زمین محکمی گام برمی‌داریم و قرار است اقدامات خاصی انجام شود، راضی هستم. اما قطعاً با احتیاط، نکته به نکته و موضوع به موضوع پیش می‌رویم.»

در همین ارتباط، بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) در گزارشی نوشت که جمهوری اسلامی از یکسو برای جلوگیری از توییح خود توسط شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و از سوی دیگر برای افزایش ارزش ریال به آژانس وعده همکاری داده است.

روزنامه «جمهوری اسلامی» چاپ تهران نیز نوشت «علیرغم اصرار مسئولان به عدم ارتباط نوسانات قیمت ارز و سکه با مسائل هسته‌ای و برجام، انتشار خبر توافقی هسته‌ای ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی موجب افت شدید قیمت دلار و سکه در روزهای اخیر شد.»

رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اخیراً پس از بازگشت از تهران گفت، «بر سر اعزام تیمی به ایران، راه‌اندازی دوباره تجهیزات نظارتی و افزایش ۵۰ درصدی بازرسی در سایت فردو» توافق شده است. اما مقامات رژیم ایران این سخنان را تکذیب کردند!

ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی می‌گوید «با توجه به سفر گروسی به تهران و مذاکرات انجام‌شده و تفاهمات صورت‌گرفته انتظار این است اجلاس بر روند فنی خودش پیش برود و مسائل خارج از سیاست‌زدگی انجام شود.» کنعانی نیز ادعای برخی منابع درباره «توافق موقت» میان جمهوری اسلامی و آژانس را رد کرد.

### بطور موقت دفع شُر شد

ساسان کریمی تحلیلگر سیاسی به ایلنا گفته اینکه در شورای حکام قطعنامه توییحی علیه جمهوری اسلامی صادر نشد «یعنی در کوتاه‌مدت دفع شُر شده است و کار خراب-تر نمی‌شود.»

وی توضیح داده توافقات صورت گرفته در سفر گروسی «الزاماً به معنای نزدیک شدن به توقیف در مذاکرات احیای برجام نیست چراکه اساساً گلوگاه این مذاکرات در یک سال و نیم اخیر موضوعات پادمانی آژانس و غیره نبوده است.» در صورتی که در شورای حکام علیه جمهوری اسلامی قطعنامه صادر شود گزینه بعدی فعال شدن «مکانیسم ماشه» و حتا احتمالاً ارجاع پرونده اتمی جمهوری اسلامی خواهد بود.

### توافق نهایی نشده

در این میان، میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در مذاکرات اتمی در مصاحبه با خبرگزاری دولتی آن کشور، «تاس»، سفر گروسی به تهران را سازنده خواند اما اشاره کرد که در مورد «راست‌آزمایی و نظارت بیشتر در تأسیسات هسته‌ای ایران هنوز توافق نهایی نشده است.»

وی همچنین تأکید کرد: «در مورد از سر گرفتن مذاکرات برای احیای برجام هیچ تحرکی وجود ندارد و اروپا و آمریکا

سه دیپلمات غربی حاضر در اولین روز نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گویند با توجه به توافق اخیر رافائل گروسی مدیرکل آژانس با مقامات جمهوری اسلامی هیچ قطعنامه توییحی جدیدی علیه آن صادر نخواهد شد.

یک دیپلمات غربی هشدار داد: «باید دید که آیا هر چیزی که در تهران توافق شد در عمل اجرا می‌شود یا نه!»  
ساسان کریمی تحلیلگر سیاسی به ایلنا گفته اینکه در شورای حکام قطعنامه توییحی علیه جمهوری اسلامی صادر نشد «یعنی در کوتاه‌مدت دفع شُر شده است و کار خراب-تر نمی‌شود.»

میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در مذاکرات اتمی در مصاحبه با خبرگزاری دولتی آن کشور، «تاس»، سفر گروسی به تهران را سازنده خواند اما اشاره کرد که در مورد «راست‌آزمایی و نظارت بیشتر در تأسیسات هسته‌ای ایران هنوز توافق نهایی نشده و اروپا و امریکا مذاکره نمی‌کنند.»  
بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) در گزارشی نوشت که جمهوری اسلامی از یکسو برای جلوگیری از توییح خود توسط شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و از سوی دیگر برای افزایش ارزش ریال به آژانس وعده همکاری داده است.

سه دیپلمات غربی حاضر در اولین روز نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گویند با توجه به توافق اخیر رافائل گروسی مدیرکل آژانس با مقامات جمهوری اسلامی هیچ قطعنامه توییحی جدیدی علیه آن صادر نخواهد شد.

در همین ارتباط خبرگزاری رویترز گزارش داد، «به نظر می‌رسد اعلام پیشرفت در مذاکرات جمهوری اسلامی و آژانس از کاهش فشار غرب برای صدور قطعنامه علیه ایران در شورای حکام کافی بوده است.»

اما یک دیپلمات غربی هشدار داده است: «باید دید که آیا هر چیزی که در تهران توافق شد در عمل اجرا می‌شود یا نه!»

سابق ایمیدرو» بوده است.

در لیست منتشر شده، پولپاشی ۳۶ میلیارد تومانی فولاد مبارکه به ۲۷۰ رسانه نیز وجود داشت. در این لیست نام چند رسانه معتبر از جمله خبرگزاری «فارس»، «خبرآنلاین» و روزنامه «شرق» هم دیده می‌شود

گزارش هیئت تحقیق و تفحص از عملکرد مجتمع فولاد مبارکه اعلام کرده که طی بررسی‌های صورت گرفته برای تنظیم این گزارش «۹۰ عنوان تخلف، انحراف و تحمیل خسارت و توزیع رانت بالغ بر صدها هزار میلیارد ریال» و همچنین «ضعف‌های ساختاری و نواقص قانونی» ثبت شده است. «اخلال در بازار سرمایه از طریق خرید و فروش سهام برخی از شرکت‌های تابعه» و «بهره‌گیری از منابع مالی شرکت در

## فساد مالی و اختلاس چند ده هزار میلیارد تومانی در «فولاد مبارکه» تأیید شد

● رئیس سازمان بازرسی کل کشور: در اینکه میزان سوء استفاده ۹۲ هزار میلیارد است، یا کمتر یا بیشتر است، نیاز به انجام کارشناسی است.

● خرید اتومبیل‌های لندکروز اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری اسلامی و وزیر سابق صمت از جمله موارد تخلف و رشوه‌خواری است که در این گزارش آمده است.

● «قرارداد با افراد ذی‌نفوذ سیاسی از جمله همسر رئیس دفتر رئیس جمهور سابق، وزیر اسبق راه و شهرسازی، شهردار سابق اصفهان» از دیگر موارد فساد در فولاد مبارکه است.

رئیس سازمان بازرسی کل کشور اختلاس ده‌ها هزار میلیارد تومانی در شرکت «فولاد مبارکه» را تأیید کرده و از تشکیل پرونده قضایی درباره این رسوایی بزرگ خبر داده است. بر اساس گزارش تحقیق و تفحص از فولاد مبارکه اصفهان که شش ماه پیش منتشر شد در این کارخانه طی چهار سال ۹۲ هزار میلیارد تومان با اختلاس و هدیه به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دفاتر ائمه جمعه و پولپاشی و خرید اتومبیل لوکس برای مقامات دولتی به باد رفته است.

ذبیح‌الله خدائیان رئیس سازمان بازرسی کل کشور امروز پنجشنبه ۱۸ اسفند ۱۴۰۱ «وقوع سوء استفاده در فولاد مبارکه» را تأیید کرده و گفته که «پیش از این، سازمان بازرسی در این خصوص ورود کرده و پرونده‌ای تشکیل شده بود که بیشتر در مرجع قضایی بود و اکنون در پرونده اخیر، ادغام شده است.» ذبیح‌الله خدائیان افزوده که «ریاست محترم قوه قضاییه شعبه ویژه‌ای را برای رسیدگی به این پرونده اختصاص دادند و دادستان تهران مأموریت پیدا کرد که این موضوع را خارج از نوبت بررسی و رسیدگی کند و در حال حاضر در حال انجام کارشناسی هستند. قطعاً در آینده نزدیک، دادرسی عمومی و انقلاب تهران میزان سوء استفاده در این پرونده را اعلام خواهند کرد.»

رئیس سازمان بازرسی کل کشور تأکید کرده «همانطور که پیشتر اشاره شد، در اینکه میزان سوء استفاده ۹۲ هزار میلیارد است، یا کمتر یا بیشتر است، نیاز به انجام کارشناسی است.» تحقیق و تفحص مجلس ایران از فولاد مبارکه در مهر ۱۳۹۷ در زمان مدیرعاملی حمیدرضا عظیمیان شروع شد. این موضوع را ناصر موسوی لارگانی، عضو هیئت رئیسه مجلس یازدهم و از اعضای کمیته تحقیق و تفحص، در دی ۱۳۹۹ مطرح کرد. گزارش مجلس ۲۵ مرداد ۱۴۰۱ در صحن علنی ارائه و متن کامل گزارش به سرعت در رسانه‌ها و فضای مجازی منتشر شد. پس از انتشار این گزارش و واکنش‌های گسترده‌ای که در پی داشت، مقامات جمهوری اسلامی تلاش کردند این فساد بزرگ را توجیه کنند اما مستندات گزارش کاملاً گویای فساد بود که اتفاق افتاده است.

در این گزارش تکان‌دهنده از افرادی مانند عباس رضایی استاندار وقت اصفهان، اسحاق جهانگیری معاون اول روحانی، محمود واعظی رئیس دفتر وی و محمد نهاوندیان سرپرست نهاد ریاست جمهوری دولت سابق نام برده شده است.

همچنین حمیدرضا ساکت رئیس حراست باشگاه فوتبال سپاهان اصفهان ماهانه ۹۲ میلیون تومان حقوق ثابت دریافت کرده و در یک مورد، برای خودش، پاداش ۲۷۶ میلیونی در نظر گرفته بود. در گزارش تحقیق و تفحص از فولاد مبارکه اصفهان مشخص شده که این شرکت از سال ۱۳۹۸ تاکنون از باشگاه فرهنگی ورزشی سپاهان به عنوان فرصتی برای پولشویی استفاده کرده است.

این گزارش تکان‌دهنده نشان می‌دهد طی چهار سال دولت دوم حسن روحانی تخلفات گسترده و توزیع رانت از سوی عالی‌ترین مقامات دولت در این مجتمع صنعتی صورت گرفته است. خرید اتومبیل‌های لندکروز اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری اسلامی و وزیر سابق صمت از جمله موارد



خارج از منافع سهامداران از طریق سپرده‌گذاری در بانک‌های خاص و ارائه خدمات مالی به افراد غیرمرتبط بر اساس توصیه و نامه مسئولین» از دیگر مواردی است که در این گزارش ۲۶۷ صفحه‌ای آمده است.

«پرداخت‌های غیرقانونی از طریق شرکت‌های تابعه، نظیر حقوق به افراد غیرشاغل، جذب نیروی انسانی خارج از ضوابط» و «عقد قراردادهای مشاوره با افراد سفارش شده بدون دریافت خدمات، عمدتاً با اهداف و ملاحظات سیاسی» از دیگر موارد توزیع رانت است که با بودجه این مجتمع صورت انجام شده است.

چند روز پس از انتشار این گزارش ابراهیم رئیسی مدعی شده که این گونه فسادها ربطی به حکومت ندارد و «نظام جمهوری اسلامی پاک پاک است».

رئیس دولت سیزدهم در نخستین نشست مشترک هیئت دولت و مسئولان عالی قضایی گفت: «امروز دشمن همه تلاش خود را به کار گرفته تا بگوید نظام جمهوری اسلامی ناکارآمد است و در مردم یاس و ناامیدی ایجاد کند.» و «اگر فساد در گوشه‌ای اتفاق بیفتد بدخواهان تلاش می‌کنند آن را به همه نظام تعمیم دهند، اما نظام جمهوری اسلامی پاک است و با همه توان با فساد مقابله می‌کند.»

روابط عمومی مجلس شورای اسلامی نیز با اشاره به گزارش تحقیق و تفحص از فولاد مبارکه اصفهان در سخنانی عجیب ادعا کرد: «این گزارش خود بهترین شاهد بر فساد نبودن ساختار نظام است که از درون ساختارهای خود تخلف و فساد را پیدا و افشا می‌کند و البته این دستگاه‌های نظارتی در حال بررسی چگونگی انتشار رسانه‌ای آن هستند.» مسئولان روابط عمومی توضیح ندادند اساساً چرا «ساختار نظام» اجازه‌ی چنین فسادهای گسترده و کلانی را می‌دهد که حالا یکی از لورفته‌ها را «پیدا» و «افشا» کند!

تخلف و رشوه‌خواری است که در این گزارش آمده است. همچنین این گزارش می‌افزاید «فولاد مبارکه به جهت مدیریتی صد درصد دولتی است و برای مدیریت آن در سه سال گذشته نه سهامداران واقعی و نه وزیر صمت، بلکه دفتر رئیس جمهور سابق، تعیین تکلیف کرده است. ممانعت معاون اول و رئیس دفتر رئیس جمهور سابق و استاندار سابق اصفهان، از برکناری مدیر عامل متخلف و عدم تشکیل جلسات هیات مدیره به مدت ۳ ماه، از جمله مداخلات مقامات ارشد دولت سابق بوده است.»

این گزارش نشان می‌دهد که مدیرعامل سابق در شرایطی که شرکت با کمبود منابع ارزی مواجه بوده و کسری خود را از طریق تهاوت تأمین نموده، در دی‌ماه ۹۹ در آستانه انتخابات ریاست جمهوری اسلامی، در اقدامی پرابهام به معاون ارزی بانک مرکزی، پیشنهاد تأمین ۵۰ میلیون یورو جهت مصارفی که آن معاونت صلاح می‌داند، ارائه نموده است!

انعقاد قراردادهای خرید مواد و خدمات در فولاد مبارکه نیز سهم بزرگی از بودجه شرکت را به خود اختصاص داده است. انعقاد ۷۳ درصد از قراردادهای به صورت ترک تشریفات، عدم رعایت قوانین و مقررات داخلی و بیرونی و وجود تضاد منافع در معاملات، از عمده ریشه‌های تخلفات صورت گرفته بوده است. برخی از محورهای تخلف در این مجتمع صنعتی شامل «قرارداد با افراد ذی‌نفوذ سیاسی از جمله همسر رئیس دفتر رئیس جمهور سابق، وزیر اسبق راه و شهرسازی، شهردار سابق اصفهان»، «انتخاب پیمانکار بر اساس دستور مدیرعامل سابق، با مبالغ فراتر از ارزش واقعی، پیش پرداخت‌های غیر متعارف و الحاقیه‌های مسئله‌دار»، «قرارداد پرابهام احداث خط نورد گرم ۲ به حدود ۲۰۰ میلیون یورو بیش از قیمت واقعی، عدم تخصص شرکت چینی منتخب، مشارکت داخلی ناتوان و واگذاری غیرقانونی بخشی از کار به فرد مرتبط با مدیر عامل

# بیانیه صدها استاد دانشگاه‌های ایران درباره فاجعه حملات شیمیایی سازمانیافته در مدارس

حاکمیت جمهوری اسلامی، مسئولان امنیت کشور! بیش از چند ماه است که اخبار بهت‌آور، مخوف و منزجرکننده حملات شیمیایی به مدارس دخترانه در شهرهای مختلف کشور به یکی از نگرانی‌های عمده خانواده‌ها و شهروندان تبدیل شده است. رویدادی بس شرم‌آور برای حاکمیتی که علیرغم ادعای حفاظت از امنیت درون مرزی و فرامرزی، دست روی دست گذاشته و اقدام بازارندهای نکرده است.

از آنجا که حاکمیت در نظر مردم به نحو نومیذکننده‌ای به مرحله‌ی بی‌اعتمادی و بدبینی رسیده و بیم آن می‌رود که در چنین موقعیتی، حوادثی دردناک‌تر از این‌ها هم در انتظار کشور باشد؛ تحمل این فجایع روزافزون، خارج از توان و طاقت روانی جامعه است. حداقل انتظار از حاکمیت در این وضعیت استیصال و بی‌اعتمادی، عملکردی منسجم، ضرب‌الاجلی و بسیار شفاف با نتیجه‌ای قاطع است. بدینوسیله ما استادان دانشگاه در کنار نهاد مظلوم

آموزش و پرورش و همصدا با معلمان این مرز و بوم، این جنایت هولناک را محکوم کرده و عاملان آن را در شمار بی‌رحم‌ترین، خطرناک‌ترین و منفورترین دشمنان دانش و آگاهی و سرزندگی کودکان و نوجوانان ایران دانسته و خطاب به کسانی که عهده‌دار وظیفه‌ی تامین و حفاظت از امنیت ملی‌اند اعلام می‌داریم: پیش از آنکه خشم فزاینده‌ی مردم بی‌پناه که اکنون جگرگوشه‌ها و دختران معصوم خود را در مقابل تهدیدی چنین بی‌رحمانه و ویرانگر می‌بینند، دامن‌گیر شود، چاره‌ای ببینید. اطلاعات خود درباره ابعاد مختلف این موضوع و عاملان و آمران این جنایات را هرچه سریع‌تر و بی‌پرده‌پوشی و کاملا شفاف به ملت اعلام کرده، عاملان را به پیشگاه عدالت بسپارید و عملاً ختم این جنایت را تضمین کنید. یقین بدانید که سروش‌گذشتن بر این جنایت یا تخفیف آن و عدم افشا و محاکمه‌ی عاملان از سوی وجدان عمومی جامعه به معنای تصریح حاکمیت بر همدستی و همسویی با این جنایت تلقی خواهد شد و تبعات طوفانی آن را به سرعت تجربه خواهید کرد.

۱۹۵. پژوهشگاه رنگ/عامری - فرهاد  
۱۹۶. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی/عاملی رضانی - مریم  
۱۹۷. دانشگاه فردوسی مشهد/عباسی - جواد  
۱۹۸. دانشگاه فردوسی مشهد/عباسی - شوم  
۱۹۹. دانشگاه شاهد/عباسی پور - حبیب  
۲۰۰. دانشگاه شیراز/عبدالملکی - امیرفیروزآبادی - بهار  
۲۰۱. دانشگاه شیراز/عبدالملکی - فرید  
۲۰۲. دانشگاه ایساج/عبدالغی - محمد  
۲۰۳. دانشگاه تهران/عرب - حسینی  
۲۰۴. دانشگاه پیام نور/عزیزی - آرام ۲۰۵. دانشگاه کردستان/عزیزی - عثمان  
۲۰۶. دانشگاه کردستان/عزیزی - نعمت الله  
۲۰۷. دانشگاه صنعتی شریف/عسکری - سیروس  
۲۰۸. دانشگاه سمنان/عسکری - مداق  
۲۰۹. دانشگاه حکیم سبزواری/علوی - اصغر  
۲۱۰. دانشگاه خوارزمی/عسکری - مهیلا  
۲۱۱. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی/علوی پور - سید محسن  
۲۱۲. دانشگاه خلیج فارس/علیپور - صفر  
۲۱۳. دانشگاه کردستان/علیزاده - هوشمند  
۲۱۴. دانشگاه شهید بهشتی/علیپو - محمد  
۲۱۵. دانشگاه علمی کاربردی/غزونی - مرضیه  
۲۱۶. دانشگاه فردوسی مشهد/غزوری - سید علی  
۲۱۷. دانشگاه فردوسی مشهد/غلامی نژاد - محمد علی  
۲۱۸. دانشگاه حکیم سبزواری/غنی آبادی - سعید  
۲۱۹. دانشگاه لرستان/غیاثوند - فیهیه  
۲۲۰. دانشگاه علم و صنعت ایران/فاتیحی - حسین  
۲۲۱. دانشگاه شهید بهشتی/فارغ پال - زین  
۲۲۲. دانشگاه تهران/فاطمی - شهره  
۲۲۳. دانشگاه علم و صنعت ایران/فرداد - عباسعلی  
۲۲۴. دانشگاه صنعتی اصفهان/فرزانه فرد - حسین  
۲۲۵. دانشگاه حکیم سبزواری/فرزانه کرد - احمد  
۲۲۶. دانشگاه فردوسی مشهد/فرزانه کرد - محمود  
۲۲۷. دانشگاه صنعتی شریف/فرهانی - بیزن  
۲۲۸. مرکز آموزش عالی امام خمینی/فرهنگ‌گر - فرید  
۲۲۹. دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر/فروزش - بیتا  
۲۳۰. دانشگاه شهید چمران اهواز/فروغی - حسن  
۲۳۱. دانشگاه صنعتی اصفهان/فضلیه - فرهاد  
۲۳۲. دانشگاه شیراز/فقیهی - رضا  
۲۳۳. دانشگاه سمنان/فلاحی - جعفر  
۲۳۴. دانشگاه صنعتی شریف/فیروزآبادی - بهار  
۲۳۵. دانشگاه صنعتی شریف/قاسم ثانی - غلامرضا  
۲۳۶. دانشگاه صنعتی شاهرود/قاسم زاده طهرانی - حسین  
۲۳۷. دانشگاه حکیم سبزواری/قدردتی - حسین  
۲۳۸. دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان/قربانزاده - مقدم - علی  
۲۳۹. دانشگاه گران/قربانی - محمد  
۲۴۰. دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گران/قربانی تهرمانی - رضا  
۲۴۱. دانشگاه شهید بهشتی/قاسمی - محمد هادی  
۲۴۲. دانشگاه خوارزمی/قاسمی - محمد  
۲۴۳. دانشگاه شهید چمران اهواز/قاشمی - مهدی  
۲۴۴. دانشگاه شهید چمران اهواز/قربانزاده - محسن  
۲۴۵. دانشگاه صنعتی اصفهان/قیمی - جعفر ۲۴۶. دانشگاه صنعتی اصفهان/قیصری - جعفر  
۲۴۷. دانشگاه شهید بهشتی اصفهان/قیصری - یوسف  
۲۴۸. دانشگاه شهید بهشتی/قیومی یبدهندی - مهرداد  
۲۴۹. دانشگاه حکیم سبزواری/کاظمی نوریعی - سکیته  
۲۵۰. دانشگاه صنعتی امیرکبیر/کاوانندی - سعید  
۲۵۱. دانشگاه علوم پزشکی تهران/کاخانی - مری  
۲۵۲. مهردود - آسپه  
۲۵۳. دانشگاه تبریز/کریمی - حمید  
۲۵۴. دانشگاه تهران/کریمی - داود  
۲۵۵. دانشگاه سمنان/مازندران/کریمی - زهرا  
۲۵۶. دانشگاه صنعتی شریف/کریمی پور - وحید  
۲۵۷. دانشگاه تهران/کریمی جعفری - محمد حسن  
۲۵۸. دانشگاه تهران/کولانی - الهه  
۲۵۹. دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی/گرگین - زهرا

۶۸. دانشگاه فردوسی مشهد/جاویدان - کورش  
۶۹. دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی/جباری - علی  
۷۰. دانشگاه آزاد اسلامی/جعفرپور هادیکیانری - رضا  
۷۱. دانشگاه شهید بهشتی/جعفرزاده - فردین  
۷۲. دانشگاه شهید چمران/جعفری - رضا  
۷۳. دانشگاه پیام نور/جعفری - محمد اسماعیل  
۷۴. دانشگاه بجنورد/جعفریانی - حسن  
۷۵. دانشگاه خلیج فارس/جلالی - تمهینه  
۷۶. دانشگاه صنعتی شریف/جمشیدی - زهرا  
۷۷. دانشگاه شیراز/چوکار - بهرام  
۷۸. دانشگاه علامه طباطبائی/چینی چیان - مرتضی  
۷۹. دانشگاه علم و فرهنگ/حاجی کتایی - علی  
۸۰. دانشگاه پیام نور/حاجی نژاد - هانیه  
۸۱. دانشگاه شیراز/حسنی ل - علیمراد  
۸۲. دانشگاه شهید مدنی/حسین زاده - شهرام  
۸۳. دانشگاه تهران/حسینی - سید حسین  
۸۴. دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان/حسینی - فاطمه  
۸۵. دانشگاه محقق اردبیلی/حسینی - محمد رضا  
۸۶. دانشگاه صنعتی امیرکبیر/حسینی - هانا  
۸۷. دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان/حقی - حسین  
۸۸. مجتمع دخترانه تکمیلی علوم پایه زنجان/حقی - مریم  
۸۹. دانشگاه علم و صنعت ایران/حسینی - اکرم  
۹۰. دانشگاه زنجان/حیدری - مجید  
۹۱. دانشگاه بزرگ‌حیدری - عباسعلی  
۹۲. دانشگاه علوم پزشکی مشهد/حیدری - ناظم السادات  
۹۳. دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج/حاجی - محمد رضا  
۹۴. دانشگاه پیام نور/حاجی پور - حامد  
۹۵. دانشگاه علامه طباطبائی/خانی - محمود  
۹۶. دانشگاه هرمزگان/خجسته - فرامرز  
۹۷. دانشگاه تهران/خدادادی - علی اصغر  
۹۸. دانشگاه صنعتی اصفهان/خواجه الدین - سید جمال الدین  
۹۹. دانشگاه تربیت مدرس/خوش قافزا - محمد هادی  
۱۰۰. دانشگاه فردوسی مشهد/خوش رفتار - محمد ناید  
۱۰۱. دانشگاه شهید بهشتی/داگر - بدالاله  
۱۰۲. دانشگاه خلیج فارس/دادوی - رضا  
۱۰۳. پژوهشگاه حفاظت خاک و آبخیزداری/دادوی - محمد هادی  
۱۰۴. دانشگاه پیام نور/دست مرد - ماج  
۱۰۵. دانشگاه کاشان/دافیق - حسن  
۱۰۶. دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان/دهقان نوری - محمد  
۱۰۷. دانشگاه تهران/دولت شاهی - هوشنگ  
۱۰۸. دانشگاه بجنورد/دیوانلو - علی  
۱۰۹. دانشگاه صنعتی اصفهان/داگری - بدالاله  
۱۱۰. دانشگاه صنعتی شریف/دکابی آشتیانی - هدایت  
۱۱۱. دانشگاه علم و صنعت ایران/دهیون - باقر  
۱۱۲. دانشگاه شهید بهشتی/دیلابی - نگار  
۱۱۳. دانشگاه لرست/انزاد - علی  
۱۱۴. دانشگاه گیلان/رادکوردی - مهروماه  
۱۱۵. دانشگاه اورمیه/راسکو - مینا  
۱۱۶. دانشگاه شهید بهشتی/راغب - محمد  
۱۱۷. دانشگاه خرد و آگاهی/رایومند - شهریار  
۱۱۸. دانشگاه آزاد اسلامی واحد شمال/رجانی - محمد هادی  
۱۱۹. دانشگاه شهید باهنر کرمان/رجبعلی پور - مهدی  
۱۲۰. موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی - رجحانی - چیار  
۱۲۱. دانشگاه تهران/رحمانیان - داریوش  
۱۲۲. دانشگاه گلستان/رحیمی - عزیز  
۱۲۳. دانشگاه رازی/رحیمی - مراد  
۱۲۴. دانشگاه تهران/راسالی - محمد رضا  
۱۲۵. دانشگاه کردستان/نور نژاد - عبدالله  
۱۲۶. دانشگاه شهید بهشتی/رسولی - آرزو  
۱۲۷. دانشگاه علم و صنعت ایران/رشیدی - مجید  
۱۲۸. دانشگاه تهران/رضانی - کریم الله  
۱۲۹. دانشگاه شهید چمران اهواز/رضانی - نجفعلی  
۱۳۰. دانشگاه شهید بهشتی/رضوانی - محمد  
۱۳۱. دانشگاه تهران/رقیعی - حسین  
۱۳۲. دانشگاه صنعتی شریف/عرمضانی - احمد

جمعی از استادان دانشگاه‌های کشور:  
۱. دانشگاه تهران/ابراهیمی‌اسلامی - غلام حیدر  
۲. دانشگاه تهران/ابری نیا - کارن  
۳. دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان/ابوئی - جعفر  
۴. دانشگاه صنعتی شریف/اختیاری - محمد رضا  
۵. دانشگاه علوم پزشکی مشهد/احمدآبادی - علی  
۶. دانشگاه علوم پزشکی تهران/احمدی نژاد - زهرا  
۷. دانشگاه تهران/اختیارزاده - زهره  
۸. دانشگاه صنعتی اصفهان/ارباب شیرانی - پرهیز  
۹. دانشگاه یزد/السعدی - آرتنا  
۱۰. دانشگاه صنعتی اصفهان/اسکندری - کیومرث  
۱۱. دانشگاه تربیت مدرس/استعدادی - حسین  
۱۲. دانشگاه پیام نور/افراز - هما  
۱۳. دانشگاه علم و صنعت ایران/افشار - محمد هادی  
۱۴. دانشگاه شیراز/افلاک سیر - عبدالعزیز  
۱۵. دانشگاه سمنان/اکبری - حکیمه  
۱۶. جهاد دانشگاهی اکبری - کرمان الله  
۱۷. دانشگاه کاشان/اکبری - محمود  
۱۸. دانشگاه پیام نور/الله زاری - علی اکبر  
۱۹. دانشگاه بجنورد/الوند - مرضیه السادات  
۲۰. دانشگاه علم و صنعت ایران/انامی - جواد  
۲۱. دانشگاه صنعتی اصفهان/امیرفاتیحی - رسول  
۲۲. دانشگاه صنعتی اصفهان/انصاری - سید حسین  
۲۳. دانشگاه گیلان/امینیان - مهدی  
۲۴. دانشگاه فردوسی مشهد/انصاری - حسین  
۲۵. پژوهشگاه رنگ/انصاری/انصاری - کیوان  
۲۶. دانشگاه گیلان/انصاری طریفی - حبیب الله  
۲۷. دانشگاه صنعتی اصفهان/انصاری - علی اصغر  
۲۸. دانشگاه هنر - تهران/انابدوی - سلماز  
۲۹. دانشگاه حکیم سبزواری/آزادگان - بهنام  
۳۰. دانشگاه بزرگ‌حیدری/آقا ابراهیمی - محمد رضا  
۳۱. دانشگاه شهید چمران اهواز/آقا جری - سید جواد  
۳۲. دانشگاه صنعتی اصفهان/آقابابائی سامانی - محمد  
۳۳. دانشگاه صنعتی اصفهان/آقابابائی - شاهرخ  
۳۴. دانشگاه سمنان و بولوسجان/آقایی - علیرضا  
۳۵. دانشگاه صنعتی امیرکبیر/آقایی - نیلوفر  
۳۶. دانشگاه علامه طباطبائی/آماده - حمید  
۳۷. دانشگاه آزاد اسلامی/آبانی - محبوبه  
۳۸. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان/بابک - آناهیتا  
۳۹. دانشگاه صنعتی شریف/افراززاده - مجتبی  
۴۰. دانشگاه علم و صنعت ایران/باقری - سلما  
۴۱. دانشگاه حکیم سبزواری/باقری نیا - حسین  
۴۲. دانشگاه گیلان/بانی - علی  
۴۳. دانشگاه شیراز/بحرانی - محمود  
۴۴. دانشگاه صنعتی شریف/برهقی - سید مهدی  
۴۵. دانشگاه سا/بزرگ - ارا  
۴۶. دانشگاه شهید چمران اهواز/راستانی - قاسم  
۴۷. دانشگاه صنعتی اصفهان/بایانان - شهناز  
۴۸. دانشگاه ابراهیمی بنی هاشمی - سید محمد علی  
۴۹. دانشگاه آزاد اسلامی/بولو - حسن  
۵۰. دانشگاه صنعتی اصفهان/بویجاری - مهدی  
۵۱. سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران/بیک زاده - مریم  
۵۲. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی/پارسا - فرغ  
۵۳. دانشگاه فردوسی مشهد/پارسا - مهدی  
۵۴. دانشگاه فردوسی مشهد/پرویزی - محسن  
۵۵. دانشگاه حکیم سبزواری/پهلوانی - عباس  
۵۶. دانشگاه فردوسی مشهد/پوروشا - حمیدرضا  
۵۷. دانشگاه تربیت مدرس/پوروشا پیلندی - محسن  
۵۸. دانشگاه شهید بهشتی/پوروشا - میترا  
۵۹. دانشگاه شهید مدنی/پولادی - ناصر  
۶۰. دانشگاه پیام نور/پوننده - سارا  
۶۱. دانشگاه پیام رزادینا - مینا  
۶۲. دانشگاه علوم پزشکی مشهد/پیش - الهام  
۶۳. دانشگاه صنعتی اصفهان/پیکان حیرتی - فاطمه  
۶۴. دانشگاه شهید بهشتی/پیکانی آذر - فرح  
۶۵. دانشگاه علامه طباطبائی/کریمی - مهدی  
۶۶. دانشگاه پیام نور/پوشانی - فرهاد  
۶۷. دانشگاه شهید بهشتی/تولکی - داود

